



با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۲۲، پنجشنبه اول اسفند ۱۳۹۸ - ۲۰ فوریه ۲۰۲۰

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیاها

در این شماره می خوانید:

مذاکرات مزدی بدون مشارکت نمایندگان واقعی کارگران - زینت میرهاشمیص ۲

دستهای مادران - ژاله روزبه.....ص ۳

انتخابات؛ نمایش بی تماشاچی به دکوراسیون و گریم هم نیاز ندارد - منصور امان.....ص ۷

فتح اوین/ در سالگرد انقلاب به سرقت رفته مردم ایران - م . وحیدی.....ص ۸

گزارشی از سیل شهر معمولان - رحمان جاری.....ص ۱۰

برابری، نخبه گرایی وانمود می شود - جانگل ورنلد/ برگردان: بابک.....ص ۱۱

رویدادهای هنری ماه (بهمن ۹۸) - فتح الله کیائیاها.....ص ۱۵

عبور از شب، به یاد سیاهکل - م . وحیدی.....ص ۲۰

در انتظار روز - مرجان.....ص ۲۲

عبور از دقایق - آدونیس (علی احمد سعید اسپر)/ برگردان: امید آدینه.....ص ۲۳

آخرین تصویر - م . وحیدی (م . صبح)ص ۲۳

زنان در مسیر رهایی (بهمن ۹۸) - اسد طاهری.....ص ۲۴

چالشهای معلمان (بهمن ۹۸) - فرنگیس بایقره.....ص ۲۹

دانشگاه در ماهی که گذشت (بهمن ۹۸) - کامران عالمی نژاد.....ص ۳۴

کارورزان سلامت (بهمن ۹۸) - امید برهانی.....ص ۴۱

جنبش رنگین کمان بیشماران (بهمن ۹۸) - پویا رضوانی.....ص ۴۶

قیام آبان، فاکتور اصلی برای یکدست سازی - مهدی سامع.....ص ۵۷

گرامی باد خاطره رفیق شهید، مجتبی خرم آبادی - امیر ابراهیمی.....ص ۶۰

شهادت فدایی در اسفند ماه.....ص ۶۱

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

مذاکرات مزدی بدون مشارکت نمایندگان واقعی کارگران

زینت میرهاشمی

مذاکرات دستمزد جهت تعیین حداقل دستمزد برای سال ۹۹ قرار است در هفته دوم اسفند کار خود را شروع کند. حداقل دستمزد برای سال ۹۹ مانند هر ساله باید در روزهای پایانی سال در جلسه شورای عالی کار تعیین شود. شورای عالی کار، نهادی که بر اساس قانون کار موجود، باید ترکیبی سه گانه از نمایندگان کارفرمایان، کارگران و دولت باشد. همچنین بر اساس ماده ۴ قانون کار، حداقل دستمزد باید بر اساس نرخ تورم و محاسبه سبد معیشت کارگران تعیین شود. ترکیب تصمیم گیرندگان و رقم خروجی شورای عالی کار، مکمل همدیگر هستند. به این معنا که تعیین حداقل مزدی که از طرف این شورا همواره ارائه شده، به نهادینه شدن فقر یاری رسانده تا ریشه کن کردن فقر.

همخوانی حقوق کارگران و مزدبگیران با نیازهای آنان و سبد معیشت و استانداردهای جهانی برای زندگی، به نفع اعضای شورای عالی کار و در نتیجه به سود رژیم نیست. نماینده دولت در شورای عالی کار به معنای نماینده کارفرمای بزرگ است. در این شورا، جای نمایندگان واقعی و مستقل کارگران خالی است. این که چه کسانی در کمیته مزد باشند و یا این که چه افرادی در شورای عالی کار به عنوان نماینده کارگران باشند، به وسیله حکومت تعیین می شود و نه از طریق کارگران. چنین حکومت هم به شکلی است که به اصطلاح نماینده کارگران به رقم تعیین شده تن می دهد.

مناسبات اقتصادی و روابط تولیدی ناشی از آن، یعنی اقتصاد شبه دولتی و مبتنی بر رانت به شکلی است که نقش شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد بیشتر نمایشی است تا مذاکراتی واقعی سه جانبه. ترکیب این به اصطلاح شورا هیچ جای چانه زنی و به چالش گرفتن وضعیت موجود از طرف نیروهای کار را امکان پذیر نمی کند. می توان گفت خروجی تصمیم این نهاد بر پایه حفظ منافع صاحبان سرمایه که اکثریت آنان بند نافشان به دایره قدرت و سیاست متصل است، گرفته می شود و مسله اصلی حفظ نظام و ایجاد شرایط مطلوب برای چپاول و استثمار خواهد بود، همانگونه که تاکنون بوده است.

حفظ وضع موجود یعنی حفظ نظام هدف مشترک شرکت کنندگان در شورای عالی کار است. بر این منظر، حرکتها، اعتصابات و اعتراضهای کارگری برای تحقق خواسته های عادلانه شان، امنیتی شده و نمایندگان واقعی کارگران و فعالان سندیکایی از سیاهچالهای رژیم و زیر شکنجه و شلاق سر در می آورند تا در کمیته مزد و شورای عالی کار.

قبل از برگزاری جلسات شورای عالی کار. مثل همه ساله، کمیته دستمزد تشکیل شده و رقمی را ارائه خواهد داد. رقمی که در کمیته مزد تعیین می شود به گفته خود این اعضا رقمی برای چانه زنی در شورای عالی کار است. رقمی که تاکنون در کمیته مزد تعیین شده بسیار کمتر از خط فقر بوده است. اعضای این کمیته در برابر اعتراض کارگران و مزدبگیران به توافق آنها با خروجی شورای عالی کار، مدعی می شوند که مخالف رقم تعیین شده توسط شورای کار بوده اند و برای مصلحت سند توافقی را امضا کرده اند. این هم از شیادی حکومت در زمینه کاربرد ارگانهایی که خود ساخته و افراد آن را خود انتخاب می کند.

به عنوان مثال، اعضای کمیته دستمزد شورای عالی کار در سال ۹۷ سبد معیشت خانوارهای کارگری را ۳ میلیون و ۷۶۰ هزار تومان اعلام کرد. رقم توافق شده در شورای عالی کار برای حداقل دستمزد برای سال ۹۸، یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود. یعنی یک سوم رقم تعیین شده به وسیله کمیته دستمزد. برای سال آینده پیش بینی می شود که کمیته مزد عددی کمتر از ۵ میلیون برای چانه زنی به شورای عالی کار پیش نهاد کند. در لایحه بودجه ارائه شده از طرف دولت روحانی به مجلس، میزان افزایش دستمزد برای کارگران در سال ۹۹، ۱۵ درصد در نظر گرفته شده است. با این میزان یعنی حقوق کارگران در سال ۹۹، حدود یک میلیون و ۷۴۴ هزار تومان خواهد شد که این میزان به هیچ وجه بر اساس تورم واقعی نیست. حکومت تورم انتظاری را هیچگاه به حساب نیاورده است. با توجه به شرایط ناپایدار اقتصادی و سلطه سنگین مافیای واردات و قاچاق و دزدی، رقم تورم انتظاری را نمی توان پیش بینی کرد. رقم تورمی که حکومت در بودجه

برای مزد کارگران در نظر گرفته است را باید رقم تورم توافقی نامید. رقم سازی برای تورم و پایین نگاه داشتن مزد از شیوه های ضد کارگری رژیم است.

کارگزاران حکومتی در پایان سال ۹۷، خط فقر برای سال ۹۸ را، ۴ میلیون و ۵۹۲ هزار تومان اعلام کرده بودند یعنی تقریباً همان رقم کمیته دستمزد. البته زندگی مردم و آمارهای غیر حکومتی خط فقر را بین ۸ تا ۹ میلیون برآورد می کنند. اگر حتا این تفاوتها هر ساله بین رقم شورای عالی کار با رقم کمیته مزد در نظر بگیریم دستاورد این نهادهای حکومتی فقر بیشتر است. دقیقاً این حکومت است که کارگران و مزدبگیران را در برخوردار بودن از حداقلهای زندگی به نفع ایجاد هلال شیعی در منطقه برای حفظ امنیت خود تحریم کرده است.

وضعیت بهداشت و درمان، یکی از مشکلاتی است که کارگران و مزدبگیران با حقوقهای اندک قادر به تامین آن نیستند. کارگزاران رژیم بار ناکارآمدی خود در تامین سلامت مردم را به دوش تحریمها می اندازند. در حالی که جان و سلامت مردم برای رژیم اهمیتی ندارد و این را در سهمیه بندی بودجه و فقدان زیرساختهای امکانات بهداشتی می توان دید. رئیس سازمان غذا و دارو مدعی می شود که «سهم تولید داروهای ایرانی امسال در تخصیصهای ارزی ۶۰ درصد و واردات ۴۰ درصد شد.» وی از «صرفه جویی ۳۴ درصدی در ارز دارو» در سال جاری حرف زد. (ایسنا ۲۸ بهمن) این در حالی است که در بودجه اختصاص داده شده به سپاه تروریستی قدس و ساخت موشکهای سپاه پاسداران هیچ صرفه جویی نمی شود. دروغ این کارگزار وقتی آشکار می شود که دبیر کل جمعیت هلال اهر از کمبود ۴۰۰ نوع دارو حرف زده است. وی در رابطه با کمبود دارو می گوید. مقایسه این دو نکته نشان می دهد که دارو هم در اختیار همه یکسان قرار نمی گیرد. رژیم از یک طرف مدعی خودکفایی در تولید دارو می شود و از طرف دیگر تقصر کمبود دارو را به تحریمها مربوط می کند. معاون تحقیقات وزیر بهداشت گفته که؛ بیش از ۹۵ درصد نیاز دارویی کشور در داخل تولید می شود. (ایسنا، ۵ دی ۹۸) واقعیت این است که حکومت در هیچ حوزه مربوط به زندگی مردم کار مفید و موثر انجام نمی دهد.

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق PayPal
به آدرس **bedostan@gmail.com**

دستهای مادران

ژاله روزبه



سلام

سلام مادران خاوران

مادران پارک لاله

مادران ناپدید شدگان شیلی

مادران میدان مایو آرژانتین

مادران سرباز روسیه

مادران تیان آنمن چین

مادران الجزایر

و مادران شنبه ترکیه

مادران چشم انتظار برگشتن جوانان خود در چند ماهه اخیر ایران، سلام ... شما که با پیدا شدن هر جسد در نهر ها و نیزارها، مرگ را به آغوش کشیده اید!

حدود ۴۰ سال قبل در آرژانتین، ۱۴ مادر که فرزندان جوان خود را پیدا نمی کردند! در میدان "پلازا مایو" در بوئنوس آیرس روبروی کاخ ریاست جمهوری تجمع کردند. این در حالی بود که حکومت نظامی "خورخه ویدلا"، هر گونه تجمع را

غیر قانونی اعلام کرده بود. آنها با بافتنیهای شان در ابتدا، گوشه گوشه صندلیهای میدان می نشستند و سوال ساده ای داشتند: "فرزند من کجاست؟"

آنها همدیگر را یافته بودند و درد مشترک را در خانه های شان تاب نمی آوردند. فرزندان شان طی هفت سال جنگ کثیف آرژانتین (۱)، بی هیچ نشانی ناپدید شده بودند و دولت اعلام بی خبری محض می کرد. شورای نظامی، مادران را دیوانه خواند و وزیر وقت، "ژنرال هارگیندگی"، گستاخانه به طور رسمی اعلام کرد که پسرها از خانه گریخته و دختران شان روسپی شده اند. این در حالی بود که گاه جسد شکنجه شده تعداد محدودی از جوانان پس از ماهها بی خبری در گوشه و کناری پیدا می شد.

به پیشنهاد "آسوسنا ویلافلور"، مادر ۵۲ ساله ی داغدار، مادران هر پنجشنبه روسریهای سپیدی بر سر کرده و گاه نام فرزند خود را بر روی آن می نوشتند و در میدان مایو تجمع می کردند ... نمادی از صلح و ایستادگی.

تداوم و استقامت آنها با عزم راسخ جهت گرفتن پاسخ خود و مجازات تمامی مجرمان، صدای آنها را از میدان بوئنوس آیرس به گوش جهانیان و فعالان حقوق انسانی رساند. آنها "انجمن مادران" را در سال ۱۹۷۹ تاسیس کرده و با ارسال نامه به تمامی سازمانهای حقوق بشری، مطالبات عدالتخواهانه خود را فریاد زدند.

در نامه های مادران میدان مایو به "ریکاردو بابلین"، وکیل سرشناس مدنی، آمده است: "ما مادران التماس نمی کنیم که به ما جواب دهند؛ ما به نام عدالت پاسخگویی را از آنها مطالبه می کنیم. این ابتدایی ترین اصل عدالت و حق ماست."

تلاشهای مادران از حالت سکون خارج شده بود و با شعار "در سال جوانان، دست آنها را بگیرید"، با میلیونها دست کاغذی، میدان را پوشاندند و از ۶۶ کشور، زنان با فرستادن عکس دست شان در حالی که نامشان را روی آن نوشته بودند، آنها را تنها نگذاشتند.



مجموعه ای از گفته های مادران مایو با نام "حلقه پیروزی عشق بر مرگ" چاپ شده است که در آن آمده:

از ما انتظار داشتند که حرف نزنیم ... ما متهم شان کردیم

از ما انتظار داشتند که مطیع شان باشیم ... ما نقاب از چهره شان برداشتیم

از ما انتظار داشتند که سکوت کنیم... ما با تمام توانمان فریاد کردیم

از همه بیشتر انتظار داشتند ما در خانه هایمان بمانیم ... ما بیرون ریختیم و راهپیمایی کردیم و به جاهایی رفتیم که خوابش را هم نمی دیدیم

اگرچه پس از سرنگونی دولت نظامی و روی کار آمدن دولت منتخب مردم، تلاشهای به ظاهر هدفمندی در راستای انجمن مادران و خواسته های آنها در دستور کار دولت قرار گرفت، از شکافتن گورهای دسته جمعی تا محاکمه حدود ۱۰۰۰ مجرم سالهای جنگ کثیف، اما در نهایت دولتها تمایل به فراموش کردن گذشته دارند. آنها اما نتوانستند با در نظر گرفتن حداقل مجازات برای مجرمان و وعده پرداخت غرامت خون فرزندان، مادران مایو را خاموش کنند و هنوز مادرانی که در آستانه ۸۰ سالگی اند، هر پنجشنبه در میدان مایو تجمع می کنند تا حافظه تاریخی ملت شان را زنده نگه دارند و تمام دیکتاتورها را به دادگاه بکشانند.

آری آنها خود را سازماندهی کردند و تداوم تجمعات شان، موجب توقف کمکهای نظامی امریکا به آرژانتین در سال ۱۹۷۷ شد، جام جهانی فوتبال ۱۹۷۸ را به صحنه اعتراضهای خود بدل ساختند و دوران سیاه دیکتاتوری را هدفمندانه طی کردند.

خاورمیانه به میدان رقابت دنیای سرمایه داری برای دست یافتن به منابع بیشتر و سود بالاتر تبدیل شده و دیکتاتورها، تمام تلاش خود را برای خاموش کردن صدای مخالفان در منطقه انجام می دهند، اما شب، آبستن صبح است و همیشه اینگونه بوده است.

دولت فاشیستی ترکیه در دهه های اخیر با ناپدید کردن مخالفانش تمام تلاش خود را می کند تا چهره پلیدش را پشت جنازه ها پنهان نگه دارد و در صحنه جهانی خود را صلح طلب، عدالتخواه و دموکراسی مآب جلوه دهد. چه بیهوده خیالی که خورشید پشت ابر نمی ماند و همیشه دستهایی هست که ابرهای دروغ و جنایت را کنار بزند.

یکی از قدیمی ترین جنبشهای مدنی ترکیه، "مادران شنبه" است؛ درست مانند مادران آرژانتین. جنبش مادران، با ناپدید شدن "حسن اوچاک"، معلم سی ساله و یکی از چند هزار ناپدید شده دهه ۹۰ در ترکیه (۲) آغاز می شود. او ۲۱ مارس ۱۹۹۵ توسط ماموران دولتی در خیابان ربوده شد. مسوولان حکومت تا ۵۷ روز پس از ناپدید شدن حسن سکوت کردند.

سرایدار ساختمان پزشکی قانونی ترکیه به طور تصادفی به برادر حسن کمک کرد تا اسناد و مدارکی را پیدا و کپی کند که ثابت می کرد یک کلانتری، جسد حسن را به پزشکی قانونی فرستاده است، اینک اما جسد در پزشکی قانونی نبود. بعد از پرس و جویی کوتاه، خانواده فهمید که حسن را در "گورستان گمنامان"، در ناحیه دور افتاده ای به نام "آلتین شهیر" دفن کرده اند.

خانواده، رسانه ها و همقطاران حسن صبح زود با دادستان به قبرستان رفتند. ابتدا به آنها اجازه نبش قبر واقعی حسن را ندادند؛ مدیر قبرستان آنها را به سراغ دو قبر "اشتباه" فرستاد. اما اعضای خانواده و روزنامه نگاران متوجه شدند که رفتار مدیر قبرستان مشکوک است و او را واداشتند تا شماره قبر واقعی حسن را پیدا کند. یافتن شماره قبر واقعی تا ساعت ۵ عصر طول کشید.

به نظر اعضای خانواده و روزنامه نگاران، مدیر قبرستان به عمد پیدا کردن شماره قبر واقعی را چندان به تاخیر انداخت تا دادستان بتواند از نبش قبر پس از ساعت ۵ عصر (یعنی، زمان پایان کار اداری) جلوگیری کند. همین اتفاق هم رخ داد. ساعت ۵ عصر دادستان به اعضای خانواده گفت برای نبش قبر جدید باید تا ساعت ۹ صبح فردا صبر کنند. اعضای خانواده و روزنامه نگاران به خانه نرفتند و در قبرستان ماندند تا از دوباره ناپدید شدن پیکر حسن جلوگیری کنند.

سرانجام، فردا صبح پیکر به شدت شکنجه شده حسن را برای آزمایش دی ان ای از قبرستان به پزشکی قانونی بردند. خانواده اوچاک به محض دریافت نتیجه آزمایش، در یک بیانیه مطبوعاتی اعلام کرد که جسد به حسن تعلق دارد و او پس از بازداشت به دست ماموران حکومت کشته شده است. سپس مراسم خاکسپاری پرجمعیتی را برگزار کردند. پس از افشای حقیقت، خانواده اوچاک به سازماندهی خانواده های ناپدیدشدگان پرداختند.

"امینه اوچاک"، مادر حسن، در دومین شنبه می ۱۹۹۵، همزمان با روز مادر در ترکیه، دیگر زنانی را که فرزند، همسر و یا بستگان شان در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی ناپدید شده بودند فراخواند تا با عکس گمشدگان در میدان "گالاتسرای" استانبول (۳) تجمع کنند.

۳۰ زن با عکسهایی از "ناپدید شدگان" با امینه همراه شدند تا با وجود کنترل شدید پلیس و نیروهای امنیتی، نخستین تجمع مادران شنبه در استانبول برگزار شود.

بیش از ۲۰ سال است که هر شنبه در استانبول، در خیابان اصلی شهر به نام استقلال، روبروی دبیرستان معروف گالاتاسرای استانبول و دفتر کانون حقوق بشر، مادرانی با در دست گرفتن عکس فرزندان مفقود شده خود خیابان را به عرصه خواسته های عدالتخواهانه خود تبدیل می کنند و نه تنها دوربین فعالان حقوق انسانی را به سمت خود می چرخانند، بلکه حافظه تاریخی مردم شان را تا روز پاسخگویی تمامی مجرمان زنده نگه می دارند و خواب خوش را از چشمهای مسببان می ربایند.

شعری از "اتاول بهرام اوغلو" گویای حال زار این جنایتکاران است:

"جلاد نیمه شب از خواب می پرد و می گوید، خدایا! چه معمای پیچیده ای!

هر چه آنها را می گشتم فزونی می یابند ... و هر بار که می گشتم، خود هلاک می شوم"

مادران در تجمعات بارها پراکنده شده و توسط پلیس، مورد ضرب و شتم و توهین قرار گرفته اند، با فشار آب ماشینهایی پلیس آزار دیده اند، مادر حسن اوچاک، در سن ۸۰ سالگی در یکی از تجمعات دستگیر می شود، اما عکس فرزندان از

سینه مادران جدا نشده. بارها از طرف دولت "مادران تروریست" خوانده شده اند و در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ تجمعات آنها به دلیل فشارهای پلیس برگزار نشد. اما ایستادند و ادامه دادند و شنبه ها را به نام خود در ترکیه بنیان نهادند: مادران مقاومت، مادران عدالتخواه، مادران داغدار.



بعضی از آنها هنوز به اصرار در همان خانه ای مانده اند که فرزندشان رفته و درب خانه را به امید بازگشت شان باز می گذارند؛ امیدی که در مقابل حاکمیت ایستاده است.

در سالهای گذشته مادر معینی، مادر تاجبخش، مادر بهکیش، مادر ریاحی و بسیاری دیگر از مادران خاوران یک به یک در آرزوی شناسایی و اجرای عدالت در مورد عاملان قتل فرزندان شان برای همیشه آرام گرفتند؛ درست مثل مادران میدان

"تیان آنمن" که ربع قرن است که خواهان روشن شدن حقایق پیرامون کشته شدن فرزندان شان هستند و به علت افزایش سن دیگر فرصت چندانی برای ادامه دادخواهی ندارند.

آنچه در دوران دیکتاتورها تداوم می یابد، خشونت و سرکوب و کشتار است و شمار مادرانی که روز به روز بر تعدادشان اضافه می شود.

دستان همدیگر را بگیرید مادران دی و خرداد و آبان، مادران ۱۳۸۸، مادران داغدار! بایستید و صدای عدالت باشید. نگذارید حاکمیت، خاورانها بسازد و بیداد به جنایات پیوسته خود ادامه دهد. نگذارید پشت شما را جنایتکاران خم کنند. بایستید و تاریخ ایستادگی را مشق شبران کنید. مویه بر دری که بسته است راه نمی گشاید ... بایستید و دستان همدیگر را در قلبهایتان بفشارید.

ما پیروز این گردشیم. چرا که خورشید از چشمهای ما طلوع خواهد کرد.

با نگاهی بر پژوهش خانم "امینه رزان کارامان"، پژوهشگر مطالعات زنان در دانشگاه یوسی ال ای در آمریکا.) *The Saturday Mothers and Their Politics of ۲۰۱۸* Emine Rezzan Karaman (*Motherhood in Turkey*, in Nadja Furlan Stante, Anja Zalta & Maja Lamberger Khatib (eds.) *Women against War System*, Zurich: LIT Verlag, pp. ۶۵-۵۴.

پانویسها:

(۱) جنگ کثیف، اصطلاحی است که به خشونت‌های دولتی که در آرژانتین و علیه مخالفان مردمی و گروه‌های چپ بین سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ روی داد، اطلاق می شود

(۲) بنا به گزارشهای "کانون حقوق بشر" (IHD)، بین سالهای ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰، ۷۱۳ نفر، بیشتر در شهرهای کردنشین ترکیه، ناپدید شدند: دیاربکر (۲۳۵ نفر)، ماردین (۱۰۹ نفر)، سیرنک (۵۵ نفر)، حکاری (۴۹ نفر)، موش (۶ نفر)، درسیم (۳۷ نفر)، باتمان (۳۷ نفر)، اورفه (۲۴ نفر)، بینگول (۱۷ نفر)، بیتلیس (۱۵ نفر)، آغری (۱۱ نفر)، الازیغ (۷ نفر)، مَلطیه (۵ نفر)، ارزروم (۲ نفر)، قارص (۲ نفر)، ارزنجان (۱ نفر).

(۳) اولین دلیل انتخاب خیابان استقلال برای تظاهرات این بود که این خیابان شلوغ است، در مرکز شهر قرار دارد و آدمهای گوناگونی از آن عبور می کنند. انتخاب دبیرستان گالاتاسرای هم تصادفی نبود. این دبیرستان در چهارراه واقع شده است، در نتیجه از چند جهت در دسترس قرار دارد و به بناهایی با اهمیت نمادین نزدیک است، از جمله پستخانه گالاتاسرای؛ جایی که مادران از طریق آن به نخست وزیر، رئیس جمهور و نمایندگان مجلس نامه می فرستادند.

انتخابات؛ نمایش بی تماشایی به دکوراسیون و گریم هم نیاز ندارد

منصور امان

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۰ بهمن

هم سطح با شکست "برجام" و آرایش جامعه علیه حاکمیت، دستگاه قدرت ج.ا نیز خود را تجدید سازمان می دهد. اما اگر کسی می پندارد که گذار رژیم بحران زده از یک فرم و ترکیب سیاسی به چینش و قالب جدید یک جایجایی ساده بوروکراتیک است، فقط کافی است به مضحکه ای که گرد نمایش انتخابات مجلس مَلاها به راه افتاده و خسارت روز افزونی که برای "نظام" در حال به بار آوردن است، نگاهی بیاندازد.

در حالی که هنوز بازی اصلی شروع نشده، کوس رُسوایی انتخابات مجلس مَلاها با قُدرت تمام به صدا درآمده است. سقوط به این موقعیت ناگوار را حاکمیت در درجه نُخست مدیون خویشتن است. چه، زیر تاثیر رویدادهای پُرشتاب و قُطب بندی عمیق اجتماعی بین "بالا" و "پایین"، تشریفات انتخاباتی آن در نظر مُخالفان، مُنتقدان و حتی نزدیکان حاکمیت بیشتر از یک هیاهوی زرد و بی اهمیت نیست.

برای باندهای حُکومتی اما داشتن گُرسیهای مجلس اهمیتی بزرگ و چشم پوشی ناپذیر دارد. حُضور یا - از آنهم بهتر - پایش این نهاد اگرچه بی واسطه با کسب نُفوذ سیاسی همراه نیست، اما چک آن در نُقطه دیگری، و به طور دقیق در توازن عُمومی زیر "خیمه نظام" و هنگام تقسیم سهمهای کلان قُدرت و ثروت نقد می شود.

در یک شرایط به نسبت مُتعادل، جدال بر سر این پراکسی قُدرت با هر میزان از شدت و حرارت، در چارچوب "مصالح نظام" باقی می ماند و از جانب همه طرفها به ویژه مُراقبت می شود که زیر پای "نظام" و به بیان دیگر، خود آنها را خالی نکند. اما اینکه رقابت "خودی"ها در یک وضعیت بحرانی به چه شکل در می آید را هم اکنون رهبران و پایوران حاکمیت در حال نشان دادن و تشریح هستند. سُنخگوی شورای نگهبان، از بی صلاحیت شمرده شدن ۹۰ نماینده دوره کنونی مجلس برای نامزدی دوره بعدی خبر داده است. آقای عباسعلی کدخدایی در توضیح رد صلاحیت نزدیک به یک سوم اعضای حاضر اُرگان قانونگذاری کشور، به اتهاماتی همچون، قاچاق سیگار، فروش گوشت دولتی در بازار سیاه، اعمال نفوذ برای استخدام خویشاوندان، "مال اندوزی حرام" (دُزدی و غارت) و کسب ثروت میلیاردی از منابع ناشناخته اشاره کرده است. در مُقابل، آقای محمود صادقی از جناح مُقابل، نهاد استراتژیک شورای نگهبان را مُتهم می کند که برای تایید صلاحیت نامزدها رشوه میلیاردی می گیرد و شکایت کرده که در دور جدید نرخ خدمات آقایان جنتی، یزدی، کدخدایی و دیگر همیشان تا چهار میلیارد تومان افزایش یافته است.

حمله این دو پایور حُکومتی به رُقبای خود به وسیله هدف گرفتن و بی اعتبار سازی نهادهای حاکمیت و پایه های قُدرت آن، فقط دو نمونه از ده ها آتش کوچک و بزرگی است که باندهای قُدرت و ثروت زیر ریش "نظام" برافروخته اند، تفاوت فقط اینجاست که جناح غالب به نفع وضعیت جدید و جناح مغلوب برای وضعیت موجود آن را دود می دهند. در این راستا پازل "مُهندسی انتخابات" که تاکنون با مواردی همچون اتهامات سیاسی، تقلب در برگه های رای، دستکاری نتایج، صندوق دُزدی و جُز آن کنار یکدیگر چیده می شد، اکنون پاره های جنایی و تبهکارانه نیز یافته و به خوبی استعداد آن را دارد که اجزای جنسی و ناموسی هم بدان اضافه شود.

افسارگسیختگی باند قُدرت در امر حذف رُقبا و کنار گذاشتن ظاهر سازههای قانونی و در همان حال بی پروایی باندهای رقیب اش در حمله مُتقابل، محصول آگاهی از فقدان مشروعیت اجتماعی و پیرو آن بی اعتباری نهادهایی همچون مجلس شورای اسلامی است. جامعه مسیر خود را از دستگاه حاکم جدا کرده و "نظام" در نمایش مُحقر و خالی از تماشایی و سیاهی لشکر خود، به دکوراسیون، گریم و تزئینات لوکس بدرود می گوید.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

فتح اوین

در سالگرد انقلاب به سرقت رفته مردم ایران

م . وحیدی

خبر فتح زندان اوین به سرعت در شهر می پیچد. هر جا هستم خود را با عجله به محل می رسانم. راننده تاکسی پول نمی گیرد و با شعف و خوشحالی می گوید: «مهمان من!»

از سرخیابان تا انتهای جاده اوین جمعیت عظیمی گرد آمده است. خود را به دریای جمعیت می سپارم. برخی نگاهها بغض آلود، برخی خندان و بعضیها اشک تو چشمان شان نشسته است. مادری می گوید: «بالاخره این قلعه خون و ستم به دست مردم افتاد».

از دور و اطراف صدای تیراندازی می آید. مردی موقر و چهارشانه درکنار من می گوید: «تازه اول راهیم»، نسیم بوی باروت می آورد. خورشید از وسط آسمان گذشته و باد ملایمی می وزد. همان طور که جلو می رویم یاد شعر «آندرو پتوفی» می افتم:

به پیش! همراه مردم

از میان شعله ها و دریاها

ملعون باد آن کس که بگذارد

پرچم خلق فروافتد

معلون باد آن تنبل و ترسو

که در هنگام رنج و مبارزه عقب بماند

ودرسایه ها

برای خود آسایشگهی بجوید

جای سوزن انداختن نیست. از هر قشر و طبقه ریخته اند تا زندان را ببینند. خانمی با کودکی در بغل می گوید: «چند سال می آمدم اینجا و می رفتم ملاقاتی...حالا دیگه تموم شد».

آقایی با کتابی در دست و با حرارت می گوید: «تاریخ داره ورق می خوره». انتهای جاده زندان وسیع و گسترده، تا زیرتپه ها کشیده شده است. کوهستان آرام و به دور از همهمه و جنجال نظاره گر است.

چریکها بر بالای دیوارها و کیوسک نگهبانی با سلاحهای سبک ایستاده اند. قلبم می کوبد. هیجان غریبی دارم. بدنم ملتهب است. به زندانیانی که سالها زیر شکنجه بوده اند فکر می کنم. به تحقیر و توهین و اعدام و هزار بلای دیگر آریامهری. خانمی که تازه رسیده جلو درب زندان مشتش را بالا می برد و با شور و هیجان داد می زند: «زنده باد چریکها!»

جمعیت بیقرار است. همه فشار می آورند به جلو در زندان برسند. درب اما بسته است و خیال باز شدن ندارد. منتظر می مانیم. آفتاب نرم و ملایم می تابد. آقای سن و سال داری با نگاهی به جمعیت لبخند می زند و می گوید: «عجب ملت زنده ای!»

مرد میان سالی بالهجه گیلانی و با تعجب می گوید: «لامصبیها کجا زندان را درست کردن...بمیری صدات به هیچ کجا نمی رسه!» خانمی درکنار من می گوید: «خدا می دونه طی سالیان باجوانان مردم این تو چیکار می کردن.» کوهستان ساکت است. بی پرنده و بی هیاهو.

یکی از پشت سرم می گوید: «مرگ برشاه و امپریالیسم». خانمی می گوید: «نباید گذاشت ساواکیها فرارکنن». آسمان صاف است و بی ابرو افق تا بی انتها کشیده شده است. پیرمرد می گوید: «به جای این زندان اگه خونه می ساختند می دادند توش می نشستیم که بهتر بود».

همان خانم کنار دستی من می گوید: «می گن ساواکیها از یک تونل فرار کردن». رو درب آهنی زندان آثار گلوله دیده می شود. کیوتری می آید رو بلندی دیوار زندان می نشیند و شروع به راه رفتن می کند. نگاهها به آن سمت می رود. یاد حرفهای «نیمایوشیج» می افتم: «ملت دریاست؛ اگر یک روز ساکت ماند، بالاخره یک روز منقلب خواهد شد».



هر لحظه بر
فشردگی جمعیت
افزوده می شود.
از جایی صدای
خواندن خروس
می آید. مردی
دورتر از جمعیت
رو زمین نشسته و
با خلوص نماز می
گزارد. لحظه ها
دیر می گذرند.
در همین حال، در
کوچکی که در دل

درب بزرگ آهنی قرار دارد گشوده می شود. چشمها متوجه آن می شوند. دو جوان با سلاح یوزی بیرون می آیند. یکی شان باخوشرویی می گوید: «امروز بازدید نیست؛ چون بعضی جاهای زندان ناشناخته است و رفتن در آن جاها خطر داره.» و می افزاید: «لان آقای طالقانی داخله؛ بعد از بازدید میان بیرون براتون صحبت می کنن» و بر می گردند داخل. نسیمی نرم و سبک می وزد و بوی علف تازه می آورد. دقایقی بعد در بازمی شود و آقای طالقانی بیرون می آید. چند نفر کنارش هستند. یکی شان بلندگوی دستی جلو صورت آقای طالقانی می گیرد. همه می خوابد. مادری با تصویر فرزند شهیدش می آید جلو آقای طالقانی می ایستد. نمازگزاری که تمام کرده لنگ لنگان خودش را به جمعیت می رساند. آقای طالقانی شمرده و آرام حرف می زند: «بنده از جاهای مختلف زندان بازدید کردم و برخی سلولها و اتاقهای شکنجه را دیدم. ... واقعا قلب انسان به درد میاد از این همه وحشی گری... از این همه قساوت... اعصاب آدم بهم می ریزه... تو این سالها چه جوانهایی را شکنجه کردن و سوزاندند!... چه دختران و پسرانی را به سیخ کشیدند!... چه فرهیختگانی را کشتند؛ فقط برای اینکه شاه بتونه چند صباحی بیشتر حکومت کنه ... آن تمدن بزرگی که ازش نام می برد اینه...».

نفسها آرام است و نگاهها رو چهره آقای طالقانی میخکوب شده است: «توجه داشته باشید که این جا یک محل تاریخی ست و نباید صدمه ببینه و خراب بشه... باید همین طوری که هست باقی بمونه و موزه بشه تا نسلهای بعدی ببینند ببینند که شاه با جوانهای ما چه کرد ... با اساتید و دانشمندان ما چه کرد ... اگر روزهای آینده رفتید و بازدید کردید، به چیزی دست نزنید ... بنده سالها پیش خودکاری دیدم از ملک فاروق... به ظاهر یک خودکار بود... بعد که توضیح دادند فهمیدیم یک سلاح است که شلیک می شود... اشیای زیادی اینجا هست که شکل معمولی دارند ولی برای کارهای دیگری ساخته شده اند... مراقب باشید که خراب نشوند و صدمه نبینند... بگذارید همانطور که هستند باقی بمانند...».

آفتاب پایین آمده و داشت فروکش می کرد. بعد از صبحتهای آقای طالقانی جمعیت شروع به بازگشت می کند و من در فکر فردای نامعلوم و پرحادثه شعر «آندرو پتوفی» را زمزمه می کنم:

به پیش همراه مردم!

از میان شعله ها و دریاها ...

گزارشی از سیل شهر معمولان*

رحمان جاری

سیل فروردین ۹۸ در معمولان باعث غافلگیری مردم و مسئولان شد. طبق ادعای مسوولان هواشناسی، کهنسالان و برخی افراد مطلع، این سیل در صد سال اخیر بی سابقه بوده است. سیل فروردین به همت افراد خیر و نیروهای مردمی، سبب شد تا باغها و مزرعه ها از گل ولای پاکسازی شده و خانه ها دوباره بازسازی یا بهسازی شوند.

اما بی توجهی مسوولان ارشد استان به پاساژ باغش تا ابنیه، راهها، مراکز انتقال برق و گاز و راههای روستای شهر معمولان رها شوند و این درحالی است خانه های ساخته شده توسط دولت برای سیل زدگان معمولان در مراحل سفت کاری هستند و به عبارتی در حد ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته اند.



در چنین شرایطی سیل اخیر باعث از بین رفتن دوباره باغها و خرابی زیرساختهای موقت شده است. به عنوان نمونه میتوان به جاده معمولان به خرم آباد و معمولان به پلدختر اشاره نمود. جاده ای ترانزیتی و پدافندی که بعد از سیل هیچ گونه اقدامی برای بازسازی آن صورت نگرفت و در پی بارشهای چند روز گذشته محور معمولان به خرم آباد حداقل چم حیدر مسدود و مسیر معمولان به پلدختر از دهستان افرینه هم بسته شد.

عدم ایجاد زیرساخت در امر گازرسانی به شهر معمولان که با لوله های پلی اتیلن و به صورت باری به هر جهت توسط اداره گاز استان صورت پذیرفت و با اولین بارش قطع گردید، نمونه بارزی از بی مسوولیتی و عدم تعهد مدیران استان در بحث مدیریت بحران است. نداشتن تخصص و تعهد باعث شده که با وجود هشدار هواشناسی استان و مدیران استان به وقوع سیل بی مسوولیتی مدیران استان نمود پیدا کند. همانطور که در بالا اشاره شد، با شروع بارشها، گاز شهر معمولان قطع شده است، اما مسوولان امر نسبت به تهیه گازمایع، نفت و وسایل گرمایشی هیچ اقدام جدی برای شهر معمولان و روستاهای حومه انجام نداده اند؟؟ مردم نگران و وحشت زده فقط دست به آسمان هستند تا این بلا از سرشان دور شود. مسوولان بی تعهد با این اعمال و رفتارشان زمینه نارضایتی حداکثری را به وجود آورده اند. مردم می پرسند: آیا معمولان رها و بی کس شده است؟؟ آیا مردم فقط موقع انتخابات عزیز هستند؟ آیا وقت آن نرسیده مردم دست در دست هم بزرگترین بلا و مادر تمام بلاها و بدبختیها که همان حاکمان ظالم جمهوری اسلامی هستند را از سر راه بردارند؟ آیا وقت آن نرسیده نهادهای حقوق بشری به طور جدی با این ظالمان برخورد کنند؟

*بخش معمولان در شهرستان پلدختر در جنوب استان لرستان با وسعتی برابر با ۱۴۴۰ کیلومتر مربع و ۲۲۱۰۰ نفر جمعیت شهری و روستایی در ۵۰ کیلومتری حد فاصل شهرستان خرم آباد و پلدختر واقع شده است.

برابری، نخبه گرایی و انمود می شود

بین گروه‌های مختلف در بازار کار، بین افراد بومی و مهاجران، بین اقلیتها و بین نسلها رقابت وجود دارد. ما با یک واقعیت اجتماعی بسیار پراکنده روبرو هستیم و دولتها و جنبشهای پسا فاشیستی از آن سود می جویند تا هر پروژه رهایی را به مثابه خطر برای کسانی که در شرایط ناامنی شغلی در بازار کار بسر می برند، جلوه دهند.

جانگل ورلد
برگردان: بابک



جی.ام. تاماس (Gáspár Miklós Tamás) مدیر انستیتو فلسفه آکادمی علوم مجارستان بود و در حال حاضر پرفسور میهمان در دانشگاه مرکزی اروپا در وین و بوداپست است. او نویسنده کتاب "کمونیسم پس از ۱۹۸۹" و مقاله های بحث انگیز "در باره پست فاشیسم" و " بازگویی حقیقت در باره طبقه " است.

– چه تفاوت‌هایی بین شرق و غرب اروپا در برخورد به اصطلاح "مساله پناهیویان" وجود دارد؟

اغلب یک جنبه از مساله پناهیویان نادیده گرفته می شود: وجود رقابت بین اروپای شرقی و مهاجران از آفریقا و خاورمیانه برسر فرصتهای شغلی در غرب. این تنها دلیل نیست، اما یکی از علت‌های مخالفت کشورهای اروپای شرقی با مهاجرت از خاورمیانه، آفریقا و آسیای مرکزی است. آنها خواهان تصاحب فرصتهای شغلی غرب برای شهروندان خود هستند؛ اگر این دسته پولی برای خانواده های شان در شرق نفرستند، سیستم اجتماعی با تهدید فروپاشی روبروست. کشورهای اروپای شرقی در این امر تنها راه حل برای بحران عمیق خود را می بینند. اگر "صندوق انسجام" و به عبارتی رشوه اتحادیه اروپا پرداخت نشود و میلیونها شهروند اروپای شرقی نتوانند در اروپای غربی کار پیدا کنند، آنگاه کشورهای اروپای شرقی می توانند تابلوی "تعطیل است" را بر سردر خود آویزان کنند.

علت دوم شناخته شده است و آسان می تواند فهمیده شود: نژادپرستی؛ یک نژادگرایی که امروزه با آنچه که "فرهنگی گرایی" می تواند نامیدش آمیخته شده و به خوبی در گفتمان راست در سراسر اروپا اما همچنین در کشورهای اروپای شرقی هویدا است و بر اساس آن فرهنگها همانند ویژگیهای نژادی، بیولوژیک و ژنتیک به ارث می رسند. در امتداد این فرهنگ گرایی، توهم "ترویج همجنس گرایی" قرار دارد که در اروپای شرقی رواج دارد و به عنوان نتیجه دیکته سیاسی دیده می شود. در این باره از "پروپاگاندا همجنس گرایی" سخن گفته می شود. در مجارستان این پندار با تصور "تهاجم غرب لیبرال به فرهنگ عام ما" ترکیب می شود که البته هیچکس نمی تواند آن را تعریف کند.

– شما در مقاله "در باره پسا فاشیسم"، منتشر شده در سال ۲۰۰۰، توصیف می کنید که چگونه گرایشهای پسا فاشیستی "کنجهای سیاسی خود در دنیای جدید سرمایه داری گلوبال" را پیدا می کنند. ۲۰ سال بعد به نظر می رسد که توصیف شما در مورد طیف وسیعی از دولتها از مجارستان تا ترکیه و روسیه و از آمریکا تا هند صادق باشد. پیش بینی آن هنگام خود را امروز چگونه ارزیابی می کنید؟

من فکر می‌کنم این مقاله در اصل صحیح بود، حتی اگر برخی از ویژگیهای این گرایش از آن زمان تقویت شده باشد. حتی در آن دوره مشخص بود که ترور تمامیت گرا و خشونت فراگیر - ویژگیهای ناسیونال سوسیالیسم کلاسیک و فاشیسم - تا حد زیادی وجود ندارد. فقدان این ویژگیها در درجه اول از آن روست که وظیفه اصلی فاشیسم - نابودی سوسیالیسم - به انجام رسیده است. سوسیالیسم در اروپا، حتی در ویرایش به شدت ناقص سرمایه داری دولتی که در بلوک اتحاد جماهیر شوروی سابق پیاده سازی شده بود، دیگر وجود ندارد. فاشیستها می‌دانند و همیشه می‌دانستند که وظیفه اصلی آنها جلوگیری از سوسیالیسم اروپایی و به ویژه آلمانی و ایتالیایی است.

هیتلر، یهودیان را متحدان اصلی و به نظر وی، رهبران اصلی انقلاب کمونیستی می‌دانست که بدون آنها پرولتاریا "روح" و بنیان منطقی ندارد. از جمله به همین دلیل یهودیان اروپایی می‌بایست کشتار می‌شدند. اروپای امروز به طور عمده مخلوق فاشیسم در معنای منفی آن است. شکست پرولتاریای آلمان، اتریش و اسپانیا یک شکست ادامه دار است و ما ناچاریم زمان زیادی با آن زندگی کنیم. اما در اذعان به شکست، ما می‌توانیم دشمن اصلی را نیز شناسایی کنیم که در اصل همان قبلی است. با این حال یک روش سیاسی مهم فاشیسم به جا مانده و آن



تبدیل تابعیت به یک امتیاز غیرجهانی براساس معیارهای ملی، به جای تعریف آن به عنوان یک موقعیت جهانی برای همه انسانهاست، همانگونه که سوسیالیسم و - به گونه غیر سیاسی - مسیحیت می‌فهمد. پشت کردن به این سنت مهم از طریق فاشیسم، بسیار بنیادی بود.

پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه پس از سال ۱۹۸۹، با فروکش و سپس شکست سوسیالیسم، به نظر می‌رسید دنیای سرمایه داری لیبرال توانایی پیوند زدن مالکیت خصوصی از یکسو و برابری و حقوق شهروندی از سوی دیگر را داشته باشد. تضاد بین این دو به دلیل غیبت سوسیالیسم سیاسی که همیشه بر ناممکن بودن چنین پیوندی اشاره می‌کرد، پوشانده شد.

- اما نقد شکل‌گیری استبدادی سرمایه داری از قبل وجود داشته

مارکس این کیفیت را در کتاب "هیجدهم برومر" نزد ناپلئون سوم کشف کرده بود. او سال ۱۸۵۲ در این کتاب نوشت که این احتمال وجود دارد که سرمایه داری توسط بورژوازی که در نبرد طبقاتی پیروز می‌شود نجات پیدا نکند، بلکه توسط یک نیروی سوم که دولتی مبارزه جو، فعال و آشکار استبدادی تشکیل می‌دهد؛ چیزی که در تضاد با عقلانیت سنتی لیبرالیسم و دموکراسی است و حتی می‌تواند موفق شود بخشی از طبقه کارگر را بسیج کند، آنگونه که لویی بناپارت کرد و آنگونه که بعدها فاشیسم کرد و تا امروز می‌کند.

بناپارترسیم طلایه دار فاشیسم و ناسیونال سوسیالیسم بود و به نوعی تاریخ آن خود را تکرار می‌کند. نژادپرستی، بیگانه ستیزی و هتروسکسیسم (۱) بخشهای مهمی از جامعه را بسیج می‌کند که حامی دولتی هستند که به سرکوب مشروعیت می‌بخشد و آن را جاری می‌کند، بدون سازشهای بزرگ با بورژوازی لیبرال؛ امری که دیگر آن را لازم نمی‌بیند. تا زمانی که مالکیت خصوصی پابرجا بماند، سرمایه داری تحت این چارچوب پسا فاشیستی به این یا آن شکل عمل می‌کند و سایر تنظیمات جامعه بورژوایی برآورده نمی‌شود. اینکه آیا این می‌تواند به واقع سرمایه داری را نجات دهد را باید دید. این امکان پذیر است، اما به هیچ وجه قطعی نیست.

آخرین تلاشها برای انقلاب به مدتها قبل برمی‌گردد. این واقعیت برای امروز دارای چه معنایی است؟

تهدید از جانب یک پرولتاریای انقلابی دیگر وجود ندارد. دولتهای استبدادی امروز امیدوارند که با بسیج نژادپرستانه و بدون اصلاحات اجتماعی به نفع طبقه کارگر کار خود را پیش ببرند؛ طبقه کارگری که از نظر سیاسی خلع سلاح شده و

علیه رقیبانش در بازار کار جبهه گرفته به جای آنکه علیه کسانی که بازار کار را به شکل کنونی درآورده اند، یعنی سرمایه داری، جبهه گیری کند.

بین گروههای مختلف در بازار کار، بین افراد بومی و مهاجران، بین اقلیتها و بین نسلهها رقابت وجود دارد. ما با یک واقعیت اجتماعی بسیار پراکنده روبرو هستیم و دولتها و جنبشهای پسا فاشیستی از آن سود می جویند تا هر پروژه رهایی را به مثابه خطر برای کسانی که در شرایط نامنی شغلی در بازار کار بسر می برند، جلوه دهند.

پسا فاشیسم وانمود می کند که "نخبگان جهانی"، باقیمانده های چپ و برخی از لیبرالها نیازهای اجتماعی مردم بومی را



نادیده می گیرند. به این ترتیب ایده برابری برای اولین بار در تاریخ - و به گونه متناقض - به عنوان یک ایده نخبه گرا ظاهر می شود. اینکه برابری امری ممتاز به نظر بیاید مسخره است، اما به همین صورت از جانب رای دهندگان جنبشهای پسا فاشیستی درک می شود.

معنای این پارادوکس برای تلاش به منظور رهایی اجتماعی چیست؟

راست افراطی مبارزه طبقاتی سیاسی را به تبعیض گرای قومی، سیاسی و فرهنگی تبدیل می کند، به ظاهر برای رهایی انسانهای عادی و بیش از همه از چنگ هجوم نیروهای مرموزی که همواره به عنوان "بیگانه" - از نظر قومیت یا جنسیت - و نخبه گرا معرفی می شوند. با کمال شگفتی چپ هم اغلب مساله را همینطور می بیند. اگر امروز چیپها بگویند که فرد نباید نخبه گرا باشد، به این معنی است که باید از قوم پرستی، بیگانه ستیزی و نژادپرستی راستها تقلید کرد، زیرا به نظر می رسد اینها احساسات واقعی کارورزان باشد.

در چنین شرایطی من ترجیح می دهم با لنین و لوکاچ که معمولا قهرمانان من نیستند، در این موضوع که آگاهی تجربی طبقه کارگر، چیزی که لنین آن را "آگاهی صنفی" می خواند، برای ایجاد یک چپ واقعی کافی نیست. به جز آن، پرنسیپهای فلسفی و اخلاقی و نیز اقتصادی و سیاسی هم وجود دارند که لوکاچ آنها را آگاهی واقعی پرولتاریا می دانست؛ پرنسیپهایی که اما در روانشناسی گروهی تجربی تهیدستان و سرکوب شدگان بازتاب نمی یابد.

نظر شما درباره پوپولیسم چپ در سالهای اخیر شکل گرفته است چیست؟

آنچه اکنون به عنوان پوپولیسم چپ یا ناسیونالیسم چپ شناخته می شود، بازتابی از این وضعیت پارادوکسیکال است که در آن چپ دیگر متهم نیست که می خواهد به کارگران ناپخته، بی فرهنگ و مبتذل موقعیت برتر ببخشد. این اتهام جناح راست به روشنفکران چپ در دهه های بیست و نود قرن گذشته بود. اکنون آنها برعکس متهم می شوند که تماس با این توده ها را از دست داده اند، به طور دقیق همان توده هایی که راستها در گذشته آنها را تحقیر می کردند.

بسیاری از چیپها معتقدند که در حال نبرد با یک نولیبرالیسم جهانی، جهان وطنی هستند؛ چیزی که به هیچ وجه دیگر وجود ندارد. در تاریخ سرمایه داری همواره موجهای حمایت گرایانه و گاه تجارت آزاد خواهانه وجود داشته است. در حال حاضر عقبه ها به سمت حمایت گرایی در حال چرخش است. دولتگرایی، نظامی گری، مقاومت در برابر قوانین بین المللی و نهادهای بین المللی: اینها ویژگیهای اصلی عصر کنونی است.

از این شرایط چگونه در به اصطلاح دموکراسی غیرلیبرال ویکتور اوربان در مجارستان استفاده می شود؟ اوربان وقتی قدرت را به دست گرفت، در جستجوی یک ایدیولوژی بود. برای او به عنوان یک لیبرال سابق روشن بود که نمی تواند قدرت را بدون ایدیولوژی و همراه روشنفکران لیبرال تسخیر کند. بدینگونه او در ابتدا به صورت مکانیکی و به شیوه ای بی روح کشف کرد که تنها مکان برای او در جناح راست است و او به سمت راست حرکت کرد. در آغاز، در دهه نود، این نتیجه یک محاسبه مجرد بود.

در تصاحب قدرت توسط تیم اوربان دو چیز تعیین کننده بود: نخست، ارتباط با سنت راستهای مجارستان. آنها با بورژوازی قدیم که در حسرت رژیمهای پیش از جنگ و ناسیونالیسم قدیمی بسر می برد، پیمان بستند. دوم، آنها راست ضد لیبرال را در غرب کشف کردند که شبیه به راست آلترناتیو [راست افراطی] امروز است. در ابتدا یک فرض کلاسیک وجود داشت: یک حقوق بشر زیادی در مجارستان به نفع "طبقه خطرناک" در جریان است؛ منظور اقلیت کولی بود که بیشتر از عربها یا آفریقاییها مورد تنفر بود. در نظرسنجیهای با پرسشهایی نظیر "شما چه کسی را به عنوان همسایه قبول خواهید کرد؟" کولیهها که از ۶۰۰ سال پیش در مجارستان زندگی می کنند، در انتهای لیست قرار دارند؛ پایین تر از یهودیان، مسلمانان و همجنس گرایان. با این حال، از آنجا که کولیهها اغلب بیکار هستند و بنابراین رقبای واقعی در بازار کار به حساب نمی آیند، قدرت بسیج علیه آنها محدود و تنها در برخی از مناطق کشور موفق بود.

این شرایط چگونه تغییر کرد؟

سپس بحران به اصطلاح پناهندگان به وجود آمد و شکل گیری صورتبندیهای استبدادی را شتاب بخشید. شرایط از پیش آماده شده بود: بیشتر آزادیهای مدنی از سال ۲۰۱۱ با تغییرات مختلف قانون اساسی محدود شده و استقلال نسبی نهادهای مختلف در دولت، قبلا کاهش یافته بود. دادگاه قانون اساسی، کل سیستم قضایی و ادارات محلی در اختیارات شان محدود شده یا آنها را از دست داده بودند و این در ادامه شامل رسانه ها، دانشگاهها، دنیای هنر، موزه ها و موارد دیگر نیز شد.

چه چشم اندازهایی برای اروپای شرقی می بینید؟

مرتجعان مدل قدیم که در دهه ۱۹۸۰ گفته بودند در اروپای شرقی و آسیا و به ویژه در "بلوک سوسیالیست" سابق نمی تواند جامعه بورژوازی مدل غربی وجود داشته باشد، حق داشتند. رژیم لیبرال مشروطه در اروپای غربی - هر اندازه که گهگاه ناقص و فریبنده هم باشد - واکنشی در برابر فاشیسم بود. این تحول انتقالی در اروپای غربی توسط ایالات متحده و انگلیس تضمین شد که اکنون از اروپا دور می شوند و در آنها نفوذ راست افراطی پیوسته در حال رشد است. اروپای شرقی وارث یک سرمایه داری دولتی (یا "سوسیالیسم دولتی") برنامه ریزی شده، تجدید توزیعی و برابری خواه الگوی اتحاد جماهیر شوروی است. این یک ترکیب عجیب از خطوط رهایی و سرکوبگری بود. جدا سازی رهایی از سرکوبگری باید وظیفه چپ اروپای شرقی باشد.

(۱) هتروسکسیسم دگرجنسگرایی را برتر از همجنسگرایی می داند و بر این باور است که انسانها همه می بایست دگرجنسگرا باشند و جامعه نباید نسبت به سرنوشت انسانهای غیر دگرجنسگرا توجهی کند. لذا بی حقوقی همجنس گرایان در قانون را امری عادی و اصولی می داند.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalqh

https://telegram.me/nabard_khalqh

رویدادهای هنری ماه (بهمن ۹۸)

فتح الله کیائیا

سینما

"ساخت بنگلادش": رنج زنان کارگر

صحنه آغازین فیلم "ساخت بنگلادش" وحشت پس از حادثه در یک کارخانه پوشاک را نشان می دهد؛ یک حادثه از بیشمار حوادث کار که در بنگلادش و کشورهای پیرامون آن روی داده است.



نام فیلم کنایتی است بر برچسب پوشاکهای معروفی مانند Benetton, Primark, Zara, H&M و ... که البته هیچگاه نام این کشور فقیر و کشورهای مشابه دیگر و اندوه دستان کارگرانش بر آنها حک نمی شود. اما آنچه بر صورت فقر زده آنان با سیلی سخت کار حک می شود، رد پای رنج است و هیبت وحشتناک جهان طمع ورز سرمایه. این فیلم توسط

"روایات حسین"، کارگردان بنگالی، تهیه شده که در آن به زندگی مشقت بار زنان کار در کشورش پرداخته شده و به تازگی "یوری بوم"، منتقد هلندی، به بهانه اکران فیلم در آمستردام بدان پرداخته است.

خارج از بنگلادش هم حوادث کار روی می دهد. سپتامبر ۲۰۱۲ در پاکستان ۳۱۴ کارگر در آتش سوزی بزرگ کارخانه لباس دوزی "علی اینترپرایز" کشته شدند. همه این حوادث و حوادث مشابه دیگر که خبر بسیاری از آنها هنوز هم که هنوز است زیر خاکستر پنهان کاری دفن شده، روایات حسین را بر آن داشت تا فیلمی برای نشان دادن رنج زنان کارگر در کشور خودش و کشورهای مشابه بسازد.

فیلم که سپتامبر سال ۲۰۱۹ بیرون آمده، فیلمی واقع گرایانه درباره "شیمو"، یک زن ۲۳ ساله بنگالی، است که در میان دوستانش تنها کسی است که قادر به خواندن و نوشتن است. او در یک کارگاه لباس دوزی در داکا کار می کند و پس از حادثه ابتدای فیلم، علیه شرایط نامناسب کار به اعتراض برمی خیزد. او باوجود کارشکنیهای مدیر کارخانه و شوهرش تصمیم می گیرد یک اتحادیه ایجاد کند.

"انگل"، فاتح اسکار

با انتخاب فیلم "انگل" محصول کره جنوبی و به کارگردانی "بونگ جون هو" که با کسب چهار جایزه اسکار از جمله جایزه بهترین فیلم هالیوود را فتح کرد، اسکار ۲۰۲۰ برندگان را اینگونه معرفی کرد:



بهترین فیلم بلند: انگل / بهترین کارگردانی: بونگ جون هو (انگل) / بهترین بازیگر نقش اول مرد: واکین فینیکس (جوکر) / بهترین بازیگر نقش اول زن: رنی زلوگر (جوودی)

بهترین بازیگر نقش مکمل مرد: برد پیت (روزی روزگاری در هالیوود) / بهترین بازیگر نقش مکمل زن: لارا درن (داستان ازدواج) / بهترین فیلم بین المللی: انگل (کره جنوبی) / بهترین فیلمنامه اقتباسی: جو جو ریت / بهترین فیلمنامه اصلی: انگل / بهترین مستند بلند: کارخانه آمریکایی / بهترین انیمیشن بلند: داستان اسباب بازی ۴ / بهترین تدوین: فورد در مقابل فراری /

بهترین موسیقی متن: جوکر/ بهترین ترانه اصلی: راکتمن/ بهترین فیلمبرداری: ۱۹۱۷/ بهترین طراحی لباس: زنان کوچک/ بهترین مستند کوتاه: یادگرفتن اسکیت در منطقه جنگی/ بهترین چهره آرایشی: بمب شل/ بهترین طراحی تولید: روزی روزگاری در هالیوود/ بهترین جلوه های ویژه: ۱۹۱۷/ بهترین صداگذاری: ۱۹۱۷/ بهترین تدوین صدا: فورد در مقابل فراری/ بهترین فیلم کوتاه: پنجره همسایه‌ها/ بهترین انیمیشن کوتاه: عشق مو.

جشنواره فیلم فجر و زجر برگزار کنندگان



تسلیت، واژه است و از غم جانکاه نمی‌کاهد. در این روزهای تلخ که از پسِ آبان ۹۸ گذشته، چهره‌جوانان جانباخته، مردمان زخم خورده، مادران داغدار و پدران بی‌تاب، لحظه ای از برابر چشم دور نمی‌شود. و به دنبال این کشتار دردناک، هدف قرار گرفتن یک هواپیما با ۱۷۶ نفر سرنشین توسط شلیک مستقیم پدافند سپاه پاسداران نیز داغی همیشگی شد بر دل ایرانیان.

این رویدادها همه کس و همه چیز، از جمله هنرمندان و جشنواره ها و رویدادهای هنری را تحت تاثیر قرار داده است.

در همین فضا بود که هر روز به شمار هنرمندانی افزوده شد که از قصد خود برای شرکت نکردن در جشنواره های فجر و یا لغو برگزاری کنسرتها و نمایشگاه و اجراهای هنری دیگر سخن گفتند؛ هنرمندانی که گفتند عزادارند و می‌خواهند همراه با خانواده های داغدار سوگواری کنند؛ کسانی مثل مسعود کیمیایی، فاطمه معتمد آریا، شهرام ناظری و شماری دیگر. شهاب حسینی، بازیگر حکومتی مقیم آمریکا، یکی از نادر کسانی بود که تحریم جشنواره را محکوم کرد و به تحریم کنندگان حمله ور شد. دسته دیگری از هنرمندان هم حضوری اعتراضی در جشنواره دولتی را برگزیدند. از جمله آنها همایون غنی زاده، فیلمساز، است که در جشن "انجمن منتقدان" شجاعانه گفت "سکوت کردن درباره وقایع آبان ۹۸ قباحت دارد" و جایزه اش را هم به پویا بختیاری، یکی از کشته شدگان اعتراضات آبان ۹۸، تقدیم کرد. البته در این میان بازار تهدید و ارباب هم بی رونق نبود، به طوری که نصرالله پژمان فر، نماینده عضو جبهه پایداری و سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، در واکنش به اعلام کناره گیری شماری از هنرمندان از جشنواره فجر، معترضان را به محرومیت از فعالیت هنری تهدید کرد.

زنان هنرمند شانه به شانه و برابر با مردان در جشنواره گوتنبرگ



چهل و سومین دوره جشنواره جهانی گوتنبرگ که بزرگ ترین جشنواره سینمایی کشورهای اسکاندیناوی محسوب می‌شود، امسال میزبان چهارصد فیلم از هشتاد کشور جهان بود که در بیش از هزار نوبت اکران، صد و شصت هزار نفر را به خود جلب کرد.

ویژگی جشنواره امسال شعاری بود که برگزارکنندگان برای جشنواره انتخاب کرده بودند: "پنجاه - پنجاه" که اشاره ای بود به میزان حضور فیلمسازان زن در این جشنواره که برای اولین بار در یک جشنواره بزرگ جهانی به پنجاه درصد رسید.

امسال این جایزه یکصد هزار یورویی به فیلم "مراقب بچه ها باشید" ساخته "داگ یوهان هاگروود"، محصول مشترک نروژ و سوئد رسید؛ فیلمی که با یک داستان ساده درباره دعوی یک دختر سیزده ساله با همکلاسی اش در حیاط مدرسه آغاز

می شود که به قتل یکی از آنها می انجامد. والدین هر دو طرف ماجرا سیاستمدار هستند و فیلم در مسیر دیگری قرار می گیرد. نوعی کنکاش در جامعه و مفهوم همزیستی آن هم در کنار سیاستمدارانی که یک سوی آن جناح راست افراطی است.

فیلمهای دیگر این بخش هم کیفیتهای متفاوتی داشتند. برای نمونه "دیسکو" ساخته "یورون میکلبوست سیورسن"، روایت غریبی بود از مذهب یون افراطی مسیحی که جان و ذهن یک دختر نوجوان را به نابودی می کشند، اما در حالی که تماشاگر منتظر است هر لحظه این دختر سرانجام علیه این ظلم آشکار و ناروا بشورد و زندگی دیگری را در پیش بگیرد، فیلم در کمال تعجب در پایان این دختر را خشنود از راهی که برگزیده به تصویر می کشد.

نقاشیهای ادوارد هاپر جان گرفتند



"دو سه چیزی که از ادوارد هاپر می دانم" نام فیلمی است از "ویم وندرس"، کارگردان برجسته آلمانی که در یک نمایشگاه ویژه آثار نقاش بزرگ آمریکایی، "ادوارد هاپر" در سوئیس به نمایش در می آید.

سازنده آثار تحسین شده ای همچون "پاریس تگزاس" (۱۹۸۴) و "بهشت برفراز برلین" (۱۹۸۷) درباره ساخته تازه

اش می گوید که می خواسته با این فیلم به تابلوهای نقاش آمریکایی حرکت ببخشد و با شماری از شاهکارهای او داستان واره هایی بسازد.

ویم وندرس که طرفدار پروپاقرص آثار هاپر است، چیدمان صحنه، نور و قاب بندی آثار ممتاز این نقاش رئالیست معاصر را بازسازی کرده و از دل قابهای ثابت آنها تصاویری متحرک بیرون کشیده است؛ تصویرهایی که کارگردان فیلم خود نیز در شماری از آنها حاضر می شود.

تابلوهای هاپر تصویری از تنهایی و مالخولیا در آمریکای دهه های آغازین و میانه سده بیست و یکم ارایه می کند؛ تصویری که بر سینما و تخیل معاصر به ویژه در همین کشور تاثیر فراوان داشته است.

فیلم کوتاه "دو سه چیزی که از ادوارد هاپر می دانم" تا ۱۷ ماه مه، یعنی پایان نمایشگاه ادوارد هاپر، در بنیاد "بی لر" شهر بازل سوئیس به شکل سه بعدی به نمایش در می آید.

ادبیات / رسانه

سوگ و خشم در پرواز ۷۵۲



نام حامد اسماعیلیون، نویسنده و دندانپزشک مقیم کانادا، که همسرش "پریسا اقبالیان" و دختر ۹ ساله اش "ریرا" در فاجعه سرنگون کردن پرواز ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین با شلیک دو موشک از پدافند هوایی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی از دست داد، بیش از دیگر بازماندگان برجسته شده است. او که در یکی از پستهای ماه دسامبر (پیش از سرنغونی هواپیما) به اعتراضات سال ۸۸ اشاره می کند و می گوید: "فیسبوک را که باز می کنم به سردخانه مهیب و بزرگی وارد می شوم و در هر کشویی را که می گشایم، چشمان درخشان یک مرد یا زن جوان با زخم گلوله ای از

برابر می گذرد؛ سردخانه ای تاریک، سرد با سقفی بلند و کسوهایی بی انتها که از جوانمرگی سخن می گویند. چه کسی قصه این آدمها را خواهد گفت؟"

اینک خود قلم به دست گرفته تا قصه پرواز ابدی مسافران هواپیما را بازگو کند. وی پس از بازگشت از ایران و بازگرداندن بقایای پیکر همسر و دخترش به کانادا، خطاب به همسر و دخترش با لحنی صریح نوشت: "نگذاشتم عمامه به سرهای فرصت طلب و ژنرالهای جانی با دک و پز قرون وسطایی شان بر پیکرت نماز بخوانند. نگذاشتم آن پرچم را بر تابوت شما دراز کنند، نگذاشتم پلاکاردی بزنند، نگذاشتم به حریم شما وارد شوند."

حامد اسماعیلیون، نوشتن را با وبلاگی به نام "گمشده در راه بزرگ" آغاز کرد. نخستین کتابش در سال ۱۳۸۵ به دست ناشر سپرده شد. سرنوشت کتاب، شبیه سرنوشت بسیاری دیگر از آثاری بود که به مذاق وزارت ارشاد خوش نمی آید. دو سال پس از آن، پس از اصلاحیه های فراوان زیر چاپ رفت. کتاب دوم او هم طعم توقیف را چشید و کتاب سوم نیز با حذف یک سوم داستانها منتشر شد؛ داستانهایی که از دید نویسنده بهترین قصه های کتاب بودند. او "بی آنکه دادگاهی در میان باشد و بی آنکه بداند جرم چیست" رفته ممنوع القلم شد.

شاه و شیخ علیه "توفیق"



عباس توفیق، سردبیر و رئیس هیات تحریریه نشریه "توفیق" و یکی از روزنامه نگاران کهنه کار ایران از تخریب ساختمان دفتر تحریریه و چاپخانه توفیق در تهران که نمایانگر بخشی از تاریخ مطبوعات انتقادی و اجتماعی ایران از دوران پهلوی اول تا انقلاب بهمن ۵۷ است خبر داد.

وی گفت: "به دلیل تمام اتفاقاتی که در سالهای قبل از انقلاب در چاپخانه رنگین رخ می داد، این ساختمان از پیشینه تاریخی برخوردار است. آن زمان چاپخانه رنگین، پاتوق سانسورچی معروف آن دوره (محرملی خان) شده بود. در تمام آن سالها به خاطر اینکه حاضر نشدیم

روزنامه را به دولت بفروشیم، توانستیم همچنان استقلال نشریه را حفظ کنیم، اما در نهایت تمام نشریات "توفیق" (هفته نامه، ماهنامه، سالنامه و کتاب و غیره) را با وجود اینکه اکثر آنها سیاسی نبودند، برخلاف قانون مطبوعات و قانون اساسی توقیف کردند. حتی به چاپخانه رنگین همانند اینکه می خواهند یک پایگاه چریکی را تصرف کنند، حمله، همه ما و کارگران را از چاپخانه بیرون و آنجا را لاک و مهر کردند و ما آن را به چاپخانه دار دیگری به قیمت مفت فروختیم."

توفیق در ادامه این مصاحبه گفت: "چاپخانه را با این عنوان دروغ که مدیر مسوول آن صلاحیت ندارد، بستند و متأسفانه این ساختمان قدیمی مدتی بعد به یک انباری تبدیل شد و اکنون نیز می خواهند آن را تخریب کنند."

موسیقی

مرثیه ای برای پرواز ۷۵۲

تازه ترین اثر موسیقایی لوریس چکناوریان آهنگساز و رهبر ارکستر پیشکسوت، به نام "مرثیه ای برای پرواز ۷۵۲" با موضوع جانباختگان پرواز هواپیمای اوکراینی در دسترس مخاطبان قرار گرفت.



چکناوریان در باره انتشار این اثر موسیقایی توضیح داد: "همانطور که در تیزر این اثر هم توضیح داده ام، اتفاق تلخ و غم انگیزی که برای هواپیمای اوکراینی افتاد، من را بسیار تحت تاثیر قرار داد. به همین جهت تصمیم گرفتم این حس و حال را به موزیک تبدیل کنم و تصور می‌کنم یک معجزه اتفاق افتاد که این چنین توانستم در مدت کوتاهی کار را به مرحله اجرا برسانم." وی ادامه داد: "وقتی موضوع را با دوست و همراه عزیزم یارتا یاران در میان گذاشتم، او نیز شعر فوق العاده ای از

سعدی را پیشنهاد کرد که من نیز با استفاده صدای خوب این هنرمند، تلاش کردم روی موسیقی از کلام هم استفاده کرده و کار را به مرحله ضبط برسانیم."

وی افزود: "به هر حال این اثر نوعی همراهی من و سایر همکارانم در پروژه با هموطنان عزیزم در این حادثه تلخ و خانواده های داغدار حادثه دیده است که امیدوارم بتوانیم از طریق زبان موسیقی کمی دردها را التیام دهیم." این رکوئیم در فضای مجازی منتشر و به جانباختگان پرواز هواپیمای اوکراینی و خانواده های داغدارشان تقدیم شده است.

تئاتر

شورش زنان چاله میدان روی صحنه



ملیکا رضی، کارگردان نمایش "کابوسهای مرد مشکوک" درباره ویژگیهای این اثر توضیحاتی ارائه داد.

وی درباره داستان نمایش گفت: "داستان این اثر نمایشی به زمان شورش چاله میدان اشاره دارد که توسط زنان و برای اعتراض به مشکل نان شکل گرفت. زنان چاله میدان در اعتراض به کمبود نان و گرسنگی، جلو کالسکه ناصرالدین شاه را می‌گیرند و در واقع دست به شورش می‌زنند. در این میان مردی به نام اسمال کبریت ساز در خواب می‌بیند که او را

به جای فردی به نام اسمال پهلوان اشتباه گرفته اند و او در تمام این مدت در حال ثابت کردن این است که فرد مورد نظر نیست و در نهایت هم مفقود الاثر می‌شود."

این کارگردان تئاتر یادآور شد: "چون بیشتر اتفاقات نمایش در خواب می‌گذرد، ما توانستیم از مجالس شادی آور زنان و سیاه بازی در اجرا وام بگیریم. در واقع سیاه و ارباب راویان اصلی داستان بوده و آنها هستند که ابتدا متوجه شورش زنان می‌شوند."

رضی درباره فضا سازی و صحنه پردازی نمایش گفت: "تلاش شده در طراحی صحنه، آکسسوار و فضا سازی نمایش فضایی ملموس خلق شود تا مخاطبان از دیدن اثر لذت ببرند. همچنین وجود موسیقی زنده ایرانی نیز یکی از جذابیت‌های کار است که فضای دلنشینی را رقم می‌زند."

(منابع: رادیو زمانه، رادیو فردا، صدای آمریکا، یورونیوز، کانال تلگرامی ایرانیان پاریس، بهارنیوز و صفحه فیس بوک ابوالقاسم فرهنگ)

عبور از شب به یاد سیاهکل

م . وحیدی

از جنگل که خارج شد، نفس نفس می زد. بدنش خیس عرق بود. حالا بعد از پانزده شانزده ساعت راهپیمایی در کوره راهها و مناطق صعب جنگل به جاده رسیده بود. خسته، گرسنه و باعضلاتی منقبض و دردناک. کوله پشتی، دوربین، قطب نما، نقشه و دیگر وسایلهش را پای درختی چال کرده و حالا فقط سلاحش همراهش بود که زیرلباسش سنگینی می کرد.

غروب بود. هوا سرد بود و خورشید داشت می رفت پشت کوههای مه آلود پنهان شود. از نوک بلندیهای خاکستری کوه، مه رقیق و کم رنگی به سمت جاده سرازیر شده و فضا را تیره ساخته بود. گاه صدای پرندگی وحشی مثل شلیک تیری ناگهان از جایی در فضا می پیچید و آرامش محیط را برهم می زد.

نگاه تیز جوان تو جاده دوید. ایستاد. با دقت اطراف را کاوید. جاده خلوت و آرام بود. هوا بوی تند علف تازه و رطوبت می داد. نرمة بادی که از سمت شمال می وزید، نوک درختان بی برگ زمستانی را چین می داد و به رقص درمی آورد. دقایقی بعد، صدای ماشینی از دور شنیده شد. جوان که در حال حرکت بود، قدمهایش را آهسته کرد. صدا نزدیک تر شد. جوان ایستاد. کامیونی را دید که با بار سنگ به او نزدیک می شود.

جوان سلاحش را از رو لباس لمس کرد. کمی مضطرب بود. کامیون نزدیک تر شد. جوان دست بلند کرد و خیره شد به صورت راننده. ماشین به آرامی جلو پاش توقف کرد. جوان سوار شد. گرمای مطبوعی تو صورتش خورد. کامیون نرم حرکت کرد.



راننده دست برد تو جیب کتش و سیگاری درآورد و به لب گرفت و آتش زد. سن و سال دار بود با هیكلی درشت و سبیلی پرپشت؛ گفت: «کجای می ری؟»

جوان که راحت به صندلی تکیه داده بود، کوتاه گفت: «می رم شهر». کابین بوی گازوییل می داد. پرنده ای کوچک به سرعت به شیشه ماشین خورد و فرار کرد. جاده ناهموار بود و تکانهای نرم صندلی مثل گاهواره، پلکهای جوان را به هم نزدیک می کرد. گرمای سکرآور کابین، سرما و خستگی را از تیره پشت او بیرون می آورد. راننده گفت: «خسته ای؟» جوان پلک

گشود و گفت: «کمی» و سعی کرد پلکهایش را باز نگه دارد. راننده خاکسترسیگارش را در زیرسیگاری داشبورت تکاند و دوباره سیگارش را به لب گرفت و گفت: «ساکتی!» و همانطور که حرف می زد سیگار برلبش می رقصید: «اسمت چیه؟ از کجایی می آیی؟» و ادامه داد: «قیافه و سر و وضعت که نشون نمی ده مال این منطقه باشی؟»

جوان که تلاش داشت پلکهایش را باز نگه دارد آرام گفت: «نه مال این منطقه نیستیم ... از سمت شمال می آییم... اسمم یوسفه» و ساکت شد. غروب کم کم جای خود را به شب می داد و تاریکی برجاده هاشور می زد. چراغهای ماشین خوب

کار نمی کردند و نور تو جاده می لرزید. صدای نرم و یکنواخت موتور مثل لالایی جوان را به خوابی ناخواسته دعوت می کرد. راننده گفت: «این جا چیکار می کردی؟» جوان کوتاه فکر کرد و گفت: «من یک فدایی هستم!» راننده با تعجب نگاهش کرد و گفت: «فدایی؟» جوان ادامه داد: «ما برای آزادی مردم مبارزه می کنیم». راننده سوال انگیز گفت: «یعنی باحکومت می جنگید؟» و قبل از اینکه جوان چیزی بگوید افزود: «عجب!... معلومه که سرنترسی دارید... نمی ترسید بگین تون؟» و خاکستر سیگارش را تکان داد تو زیرسیگاری و گفت: «نکنه جریان دیشب کار شما بوده؟»

جوان روصندلی جابجا شد و گفت: «مارفته بودیم یکی از دوستانمونو آزاد کنیم». راننده گفت: «خبرش همه جاپیچیده... ژاندارمها دنبالتون هستن». جوان گفت: «کم و بیش اطلاع دارم... برای همین می خواستم کمکم کنی از منطقه خارج بشم». راننده گفت: «تنها هستی؟». یوسف گفت: «بله تنها هستم». راننده دستی به سرش کشید و گفت: «من زن وبچه دارم» و ته سیگارش را خاموش کرد تو زیرسیگاری داشبورت و خیره شد به جاده. لحظاتی گذشت. سکوت حاکم شد. جوان تو فکر بود. راننده گفت: «از صبح تا حالا چن تا هلیکوپتر تو هوا پرواز می کنن... راههای اصلی را بستن... آدمها را بازرسی میکنن... روستاها را خونه گردی می کنن... ماشینها را می گردن... بساطی راه افتاده که بیا و ببین!».

و شیشه ماشین را کمی پایین کشید و ادامه داد: «بعضی مسیرهای فرعی به شهر می خوره ... برای من خطر داره... ولی با این حال می برمت» و اضافه کرد: «تو گشنه ات نیست؟». یوسف چشمهای خواب آلودش را گشود و گفت: «چرا گرسنه هستم».

کامیون توسربالایی زوزه می کشید و گاه بک می زد. راننده گفت: «نون و سبزی و پنیر و سیب زمینی دارم... پستی سندلی را خم کن تو نایلونه!... بیار با هم بخوریم!».

ماه پیدا نبود و تاریکی مثل بختک افتاده بود تو جاده. مه ای رقیق و سرد توسیاهی جاده شناور بود. راننده گفت: «شما نمی ترسید با حکومت درافتاده اید؟».

یوسف که مشغول آماده کردن نان و سیب زمینی برای راننده بود گفت: «چرا بترسیم؟ آنها باید بترسن که حق و حقوق مردم را می خورن و دست به جنایت می زنن».

و لقمه را داد دست راننده و افزود: «آنها باید بترسن که با آینده و سرنوشت میلیونها نفر بازی می کنن... مگه ما چی می گیم؟ ما می گیم حق کشی نباشه؛ زور نباشه؛ دزدی نباشه؛ جنایت نباشه؛ نابرابری نباشه و ثروت جامعه به طور مساوی میان مردم تقسیم بشه؛ اشتباه می گیم؟ ناحق می گیم که مردم باید نان داشته باشند؟... کار داشته باشن... رفاه داشته باشن ... آزادی داشته باشن و بدون ترس حرفشونو بزنن؟» و درحالیکه لقمه ای دیگر برای خودش آماده می کرد گفت: «ما معتقدیم ایران متعلق به همه است نه متعلق به یک نفر یا چند نفر و مردم از همه چیز سهم دارن و باید سهمشون داده بشه. نباید ثروت و سرمایه کشور خرج عیاشیها شاه و اطرفیان و سرمایه گذاریهای بیهوده و صرف خرید سلاحهای تسلیحاتی بی مصرف و صرف سرکوب و شکنجه مردم بشه ... این همه واردات بی رویه کالاها برای چیه؟ چرا ما نباید صنعت و کشاورزی پیشرفته داشته باشیم؟ چرا ما نباید آموزش و پرورش پیشرفته داشته باشیم؟ چرا ما نباید فرهنگی سالم و مترقی داشته باشیم؟ چرا هرصدای مخالفی را درگلو خفه می کنند؟»

راننده آخرین لقمه اش را از گلو پایین داد و گفت: «والله من از سیاست سردر نمی آرم ... ولی حرفهات درسته... اما تابوده همین بوده... عده ای خوردن و چاپیدن... بقیه هم تن دادن به وضع موجود... زیاد هم حرف بزنی سرت را زیر آب می کنن» و سیگاری به لب گرفت و آتش زد.

سکوت شد. کامیون درسرازیری می رفت و دست اندازی نبود.

راننده گفت: «شما نسل جوانید... درس خونده هستید... سیاست را می فهمید... شاید حق داشته باشید... ولی از امثال ما دیگه کاری ساخته نیست... مسوولیت ما بیشتر از حفظ آن چیزی که داریم نیست» و پکی عمیق به سیگارش زد و اضافه کرد: «یکی از فامیلهای ما هم سیاسی بود... از همین حرفهای شما می زد... دانشجو بود... هرکجا می نشست بی پروا

صحبت می کرد ... سر نترسی داشت... به من می گفت چرا شما سندیکا و اتحادیه واقعی درست نمی کنید و از حقوقتون دفاع نمی کنید ... چرا متحد نمی شوید ... چرا می گذارید به راحتی حق تونو بخورن... و از این حرفها... جوان خوبی بود ... من دوستش داشتم ... همش سرش تو کتاب بود ... بیشتر از سنش می دانست... چند بار رفتم تو شرکتان از وضعیت موجود شکایت کردم ... فرداش حکم اخراجم را گذاشتن جلوم. دیدم موضوع جدیه ... ناچار کوتاه آمدم ... خب سخته با این همه سابقه لگد به همه چیز بزنی و بری سراغ یک کار دیگه و از نو شروع کنی».

کامیون بی صدا و یکنواخت می رفت. پلکهای جوان سنگین از خواب بود. روباهی از وسط جاده گذشت. چشمهای تیله مانندش می درخشید. راننده گفت: «یه چایی برای من بریز!» یوسف از تو فلاکس، یک چای ریخت تو لیوان و داد دست راننده.

از دور رگه های فجر در افق دیده می شدند. نزدیک روشنایی بود. مه فروکش کرده و جاده کاملاً پیدا بود. از دور چراغهای شهر سوسو می زدند. تاریکی رنگ می باخت. کامیون در قسمتی از جاده توقف کرد. یوسف پیاده شد و راه افتاد. هوای سرد سرد صبحگاهی تنش را لرزاند. تا شهرفاصله چندانی نبود.



در انتظار روز

مرجان



در آسمان شب ستاره سرنگون شد
نه یک ستاره صد ستاره غرق خون شد
پروازشان سوی دیار روشنی بود
پروانه ای قربانی رقص جنون شد

از آسمان روی زمین فانوس می ریخت
هول و هراس و وحشت و کابوس می ریخت
تا دخترک فریاد زد: مادر، عروسک
از چشمهایم آتش و افسوس می ریخت

رادارها کورند و فردا را ندیدند
یک کهکشان شادی و غوغا را ندیدند
یک بره آهو را به دام صید بردند
چشمان خونباران بابا را ندیدند

در داغهای نو به نو تا سوگواریم
در چله های غم نشسته داغداریم
وقت خوش از تقویم هامان پر کشیده
چهل سال رفت و روز را در انتظاریم

آخرین تصویر

م . وحیدی (م . صبح)

شبی پر ستاره
در فلات خونرنگ خروسخوان
به قامت آرمانهای من
و رقص زلال آینه های تهی
من جریان دارم
در ساقه گل سرخ
مثل یک شعله آبی
در خیال باغچه
من آخرین تصویرم
در تقویم کوچک جیبی
در بد آواز ترین فصل
بگذار
باد در گیسوانت لانه کند
و پرند
در زیباترین صبح
آشیانه بسازد
قلبم را کجا بیاویزم
تا سربازان
یکان به یکان
عبور کنند؟
با من باش!
واژها
بوی پیراهن تو را می دهند
من از نژاد شبگیرم
با پرچمی در خیابانها
و نام آزادی
کس نمی داند
فواره های خورشید
رنگ چشمان توست
و بهار خنده ات
چه شکوهی دارد!
در نگاهت تهی می شوم
مثل زلال آسمان
در آفتاب ایستاده نیمروز

بودنت

موسیقی کوچه باغی ست

که طراوات تو را

در برگ برگ درختان

امتداد می دهد

عبور از دقایق

آدونیس (علی احمد سعید اسبر)

برگردان: امید آدینه

تقدیم به جاودانه آموزگار کبیر

رفیق صمد بهرنگی

اگر از اعماق پرسشها و ابعاد خویشتن

بیرون شوم

اگر از حوادث و کلمات و دقایق

عبور کنم

شاید به کومه های بوسه و

کتیبه های عریانی،

یا به خانه ای بر بستر نور و صدا برسم

آن جا که:

پنجره ها و ریشه ها

به تبعید نمی روند

و هرگز!

از اسارت ماهی و کودک در حوض نقاشی و شهر قصه

خبری نیست

آری... همان حوالی

که دهان تو

رویش تُردِ ساقه ها در ضیافتِ خیس شبانه هاست

و گویی

الیاف و اندام پرندگان را

هلهله می کشد

زنان در مسیر رهایی (بهمن ۹۸)

اسد طاهری

یک زن یونانی برای نخستین بار رییس جمهور این کشور شد

پارلمان یونان "آیکاترینی ساکلاروپولو" را به عنوان رییس جمهور جدید این کشور انتخاب کرد. خانم ساکلاروپولو توانست ۲۶۱ رای موافق از ۲۹۴ کرسی نمایندگان پارلمان یونان را کسب کند و به عنوان نخستین رییس جمهور زن در تاریخ این کشور ثبت شود.



دوره پنج ساله رییس جمهور جدید یونان از ۱۴ مارس (۲۴ اسفند) آغاز خواهد شد. وی به عنوان تنها داوطلب این مقام، ۱۵ ژانویه سال جاری توسط "کریاکوس میتسوتاکیس"، نخست وزیر یونان، به پارلمان معرفی شد که مورد حمایت احزاب "دموکراسی جدید"، "سیریزا" و "کینال" قرار گرفت.

ساکلاروپولو در اکتبر ۲۰۱۸ به عنوان اولین رییس زن دادگاه عالی یونان انتخاب شده بود. او در آتن و سوربون پاریس تحصیل کرده و در یونان به عنوان یکی از شخصیت‌های فمینیست مدافع حقوق زنان شناخته می شود.

ساکلاروپولو ۶۴ ساله به حساسیت در مورد آزادیهای مدنی، مسائل زیست محیطی، حقوق پناهندگان و اقلیتها مشهور است.

ورود زنان باردار به آمریکا با "ویزای توریستی" محدود شد

دولت آمریکا دستورالعملی را صادر کرد تا آنچه که "گردشگری زایمان" نامیده را محدود کند.



این دستورالعمل با هدف محدود کردن شمار زنان بارداری تنظیم شده که با ویزای گردشگری وارد خاک ایالات متحده می شوند با این هدف که فرزندشان را در این کشور به دنیا آورند و بتوانند برای نوزادان خود تابعیت آمریکا را اخذ کنند.

بر اساس دستورالعمل جدید وزارت خارجه آمریکا که اجرای آن آغاز شد، زنان بارداری که متقاضی ویزای گردشگری هستند، باید مدرکی ارایه دهند که ثابت کند غیر از زایمان، دلیل دیگری برای این سفر دارند، از

جمله مدرکی مبنی بر ضرورت پزشکی این سفر. یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که دستورالعمل جدید با هدف کاهش خطرات برای امنیت ملی آمریکا از جمله "فعالیت‌های تبهکارانه مرتبط با سفر برای زایمان" وضع شده است.

بیش از هفت هزار خشونت علیه زنان در افغانستان ثبت شد

وزارت امور زنان افغانستان می گوید که در ده ماه گذشته بیش از هفت هزار مورد خشونت علیه زنان این کشور ثبت شده است. به گفته این وزارتخانه، میزان خشونت نسبت به سال گذشته یک درصد افزایش یافته است. "سپوژمی وردک"، معاون وزارت زنان، در یک نشست خبری در کابل گفت که بیشترین موارد خشونت شامل ضرب و شتم زنان است.

به گفته او بیش از چهار هزار مورد خشونت با گفتگو و مشاوره با خانواده ها حل شده و بیش از دو هزار مورد دیگر به نهادهای عدلی و قضایی ارجاع شده است.

نود درصد خبرنگاران زن ایرانی تجربه آزار جنسی دارند

تحقیق اخیر "ماهنامه مدیریت ارتباطات" از ۵۹ خبرنگار زن شاغل در رسانه های ایران نشان می دهد که ۹۰ درصد آنها حداقل یک بار در راه تهیه خبر با آزار و مزاحمت جنسی روبرو شده اند که ۳۶ درصد آن از سوی مسوولان دولتی و غیردولتی اتفاق افتاده است. واکنش ۶۶ درصد خبرنگاران زن به این مزاحمتها بی اعتنایی بوده است.



همچنین ۵۷ درصد آنها گفته اند که با راههای محافظت از خود در برابر مزاحمتهای جنسی آشنا نیستند که نشاندهنده نبود آموزش در جامعه و رسانه هاست.

جامعه شناسان معتقدند ریشه اصلی آزار جنسی زنان به طور عام و خبرنگاران زن به طور خاص در فرهنگ مذهبی و سنتی مردسالار نهفته است و دو عامل "قدرت" و قوانین تبعیض گرا باعث تقویت و تداوم این آزارها می شود. آنها راه حل را در دو مورد خلاصه می کنند:

تغییر قوانین، حذف دین از عرصه عمومی، آموزش به جامعه و حرف زدن زنان درباره مزاحمت رخ داده.

مثله دختران؛ زخمی که هیچگاه خوب نمی شود

"زن کولی کیسه کتانی کوچکی را از ته کیفش در آورد. با انگشتانش چیزی را درون آن جستجو کرد و تیغی شکسته یافت. به تیغ تف انداخت و بعد آن را به لباسش مالید. دیگر چیزی ندیدم چون مادرم شالی را روی چشمهایم بست. بعد حس کردم گوشتم را می برند؛ حساس ترین بخش بدنم را ... بعد از حال رفتن. وقتی به هوش آمدم، درد میان پاهایم آن



قدر شدید بود که آرزو می کردم بمیرم. احساس کردم در فضا معلق می شوم ... چشمبندم کنار رفته بود. زن پشتت ای خار کنار خودش گذاشته بود و با خار پوستم را سوراخ می کرد و با نخی سفید بخیه می زد. دوباره بیهوش شدم و این بار که به هوش آمدم، دیدم پاهایم را از قوزک تا باسن با نوارهای پارچه به هم بسته اند... "

"واریس" خوش شانس بود که زنده ماند. او در بخشی از زندگینامه اش، کتاب "گل صحرا"، تعریف می کند: "در سفرهایمان خانواده هایی را می دیدیم و من با دختران آنها بازی می کردم. گاه وقتی

دوباره آنها را می دیدیم، دخترها دیگر نبودند اما هیچکس در باره غیبت شان یا خودشان چیزی نمی گفت. آنها در پی مثله شدن مرده بودند؛ خونریزی تا حد مرگ، شوک، عفونت یا کزاز... ". کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل از سال ۲۰۰۴، ششم فوریه را روز جهانی مبارزه با ناقص سازی اندام جنسی زنان نامیده است؛ روزی برای درنگ در ابزارهای خشونت علیه زنان، نقض حقوق انسانی آنها و سنتها و تاجر؛ روزی که با پیشنهاد بانوی اول نیجریه، "استلا اوباسانجو"، پایه گذاری شد. سازمان ملل ختنه را عامل مرگ و میر سالانه یک میلیون زن می داند؛ سنتی که در ۲۸ کشور جهان جریان دارد و آمیزه ای است از خرافه، مذهب و باورهای قبیله ای. این نهاد همچنین برآورد می کند که ۲۰۰ میلیون زن در سراسر جهان ختنه شده باشند. حدود یک چهارم این آمار را دختران زیر ۱۴ سال تشکیل می دهند و ده کشوری که در صدر فهرست بیشترین موارد ختنه زنان قرار دارند، همگی آفریقایی هستند: سومالی با ۹۸ درصد و گامبیا با ۷۵ درصد، در اولین و دهمین رده نشسته اند.

در ایران رسم ختنه زنان در کردستان، بوشهر، هرمزگان، بندر گنگ، جاسک، خوزستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان وجود دارد. گفته می شود این سنت در مناطق جنوبی ایران از طریق رفت و آمد دریایی به هند و سومالی وارد کشور شده است. در مناطق غربی، ختنه زنان در آذربایجان، اورامانات، بانه، نوسود، پاوه، پیرانشهر و حتی اطراف ارومیه به چشم می خورد.

بهترین کشورها برای زندگی زنان

هر سال توسط U.S. News و World Report یک نظر سنجی همگانی پیرامون بهترین کشورها برای زندگی زنان انجام می شود. امسال برای گزارش در این باره از ۲۰ هزار نفر در ۷۳ کشور دنیا در آمریکا، آسیا، اروپا، خاورمیانه و آفریقا نظرسنجی به عمل آمده است. در رتبه بندی این دو رسانه پنج ویژگی در کشورها مورد توجه قرار گرفته است. برابری جنسیتی، برابری درآمد، توجه به حقوق بشر و پیشرفت و امنیت.



فهرست ده کشور برتر دنیا برای زنان از این قرار است:

۱. دانمارک ۲. سوئد ۳. هلند ۴. نروژ ۵. کانادا ۶. فنلاند ۷. سوئیس ۸. نیوزیلند ۹. استرالیا ۱۰. اتریش

ترس از دوچرخه سواری زنان حتی به طور نمایشی

مسابقه دوچرخه سواری بانوان استان قم که قرار بود روز آدینه ۲۵ بهمن برگزار شود، به گفته خبرگزاری دولتی ایرنا "در اثر برخی فشارها" لغو شد.

برگزارکنندگان می گویند لغو این مسابقه باوجود کسب همه مجوزهای لازم از مراجع قانونی صورت گرفته و علت آن مغایرت با شئون اسلامی استان قم و احتمال بروز اقدام مشابه در خیابانهای این شهر همزمان با برگزاری مسابقه عنوان شده است.



این در حالی است که هیات دوچرخه سواری استان قم، دانشگاه حضرت معصومه و شهرداری قم به عنوان برگزار کنندگان "مسابقه"، تلاش زیادی برای تفکیک جنسیتی، ایجاد محیط بسته و دور از چشم و جلوگیری از انعکاس رسانه ای غیر کنترل شده آن انجام داده بودند.

در باره این تدابیر مصطفی امینی، رییس هیات دوچرخه سواری استان قم، توضیح داد: "طبق قوانینی که برای شرکت کنندگان در این مسابقه در نظر گرفته شده بود، با وجود اینکه فضای برگزاری

مسابقه کاملا محصور بود، ولی بانوان باید حجاب کامل را رعایت و از آوردن تلفن همراه خودداری می کردند." وی افزود: "در برهه مقررات تاکید شده بود شرکت کنندگان از استفاده از دوچرخه از منزل تا محل برگزاری مسابقه باید اکیدا خودداری کنند."

همچنین به گفته این مقام حکومتی، محل "مسابقه" خارج از محدوده شهر قم انتخاب شده بود.

وی تصریح کرد: "عده ای بر این تصور بودند که ما با برگزاری این مسابقه، بانوان را به دوچرخه سواری در شهر تشویق می کنیم. در صورتی که هیات دوچرخه سواری و اداره کل ورزش و جوانان قم این مساله را نه تایید، نه تشویق و نه ملزوماتی برای چنین حرکتی فراهم کرده است."

زنجیره فمینیستی در محکومیت تبعیض و خشونت

حدود ۷ هزار زن روز شنبه ۱۹ بهمن زنجیره فمینیستی ۷ کیلومتری در بخش مرکزی مادرید پایتخت اسپانیا تشکیل دادند تا به تبعیض و خشونت علیه زنان اعتراض کنند.

این حرکت اعتراضی که یک ماه پیش از تظاهرات ۸ مارس انجام می گیرد، با شرکت زنانی در لباسهای بنفش یا چتر در دست، اجرا شد. زنان شرکت کننده در پایان مانیفستی را در میدان "پورتا دل سول" خواندند.

"آنا"، یکی از شرکت کنندگان، گفت این زنجیره فمینیستی آغاز یک ماه شورش فمینیستی تا روز ۸ مارس روز زن است. شرکت کنندگان خواستار تغییرات اساسی در همه ابعاد زندگی اجتماعی هستند که در آنها زنان با تبعیض و خشونت مواجه اند.

زنان معترض عراقی: اجازه نمی دهیم ایران دوم شویم

هزاران زن عراقی در کنار مردان در بغداد، بصره، ناصریه و چند شهر دیگر عراق به خیابانها آمدند تا مخالفت خود را با دستور اخیر مقتدی صدر، روحانی بنیادگرای شیعه و رهبر جریان صدر در عراق، که خواستار زنانه - مردانه شدن تظاهرات ضد دولتی در این کشور شده بود، ابراز کنند.

این زنان از همه گروههای سنی بودند و بعضی از آنها بدون حجاب و برخی حجاب داشتند. گروهی از آنها نیز صورت خود را با شال سفید و سیاه پوشانده بودند.

این تظاهرات به دعوت فعالان حقوق زنان در عراق و با هدف تاکید بر حضور برابر زنان و مردان در اعتراضات ضد دولتی برگزار شد. اغلب زنان شرکت کننده گل رز، پرچم عراق یا پلاکاردهایی با مضمون دفاع از مشارکت و نقش زنان در تظاهرات تغییر رژیم در عراق را به دست داشتند. زنان خواهان مشارکت بیشتر در سیستم سیاسی عراق و دولت جدید در این کشور شدند و شعار می دادند: "آزادی، انقلاب و فمینیسم". "زینب احمد"، یک دانشجوی پزشکی، به خبرگزاری



فرانسه گفت: "ما می خواهیم از نقش زنان در اعتراضات که مانند مردان بوده، پاسداری کنیم. آنها سعی کردند که ما را از میدان تحریر بیرون کنند، اما ما قوی تر باز می گردیم."

او ادامه داد: "برخی در روزهای اخیر سعی کردند علیه زنان صحبت کنند. آنها به دنبال این هستند که زنان را در خانه حبس کنند یا آنها را ساکت نگه دارند. اما حضور ما زنان در این تعداد پرشمار نشان می دهد که تلاش آنها با شکست روبرو خواهد شد."

اشاره این دختر دانشجوی عراقی به مقتدی صدر است؛ او ابتدا از

تظاهرات ضد دولتی حمایت می کرد، ولی سپس به بی اعتبار کردن آنها پرداخت. او گفت که در میان معترضان افرادی هستند که مواد مخدر و مشروبات الکلی مصرف می کنند و افزود که این غیراخلاقی است که زنان و مردان با هم در تظاهرات شرکت کنند."

"رایا اسی"، یکی دیگر از شرکت کنندگان در تظاهرات، گفت: "آنها می خواهند که ما ایران دوم شویم، اما زنان عراقی اجازه نمی دهند که به آنها دیکته شود که چه کاری انجام دهند. آنها باید ما را همان طور که هستیم بپذیرند." این تظاهرات که در بغداد و برخی از شهرهای جنوبی عراق از جمله بصره و ناصریه برگزار شد با سایر تظاهرات ضد دولتی که از اکتبر گذشته در عراق برگزار شد، متفاوت بوده است.

دانشگاه بنیادگرایان هندی از دختران دانشجو آزمایش قاعدگی گرفت

از رییس یک دانشگاه در هند به خاطر مجبور کردن تعدادی از دختران دانشجو به برهنه شدن به پلیس شکایت شده است.

این دانشگاه زیر نظر اعضای فرقه "سوامناریان"، از فرقه های افراطی هندو، اداره می شود و سرپرست خوابگاه و دو تن از معلمان آن، ۶۸ دختر دانشجو را به دستشویی بردند و به آنها دستور دادند برهنه شوند. آنان می خواستند مطمئن شوند که این دختران در دوره قاعدگی نیستند.

براساس اعتقادات این فرقه، زنان هنگام عادت ماهانه حق ورود به محوطه های خاصی را ندارند و در خوابگاه دانشجویی هم ممنوعیت ورود به بعضی بخشها رعایت می شود. این دختران در موسسه آموزشی "سهجاناند" در ایالات گجرات در غرب هند تحصیل می کنند.

بنابه اعتقاد این دسته از بنیادگرایان، زنان در دوره قاعدگی ناپاک هستند و اجازه ندارند در بعضی از اجتماعات و مناسک دینی شرکت کنند.

تظاهرات در مکزیک در اعتراض به افزایش خشونت علیه زنان

صدها زن معترض و خشمگین روز آدینه ۲۵ بهمن در اعتراض به قتل و خشونت علیه آنان در مکزیک به خیابان آمدند. هفته گذشته، قتل "اینگرید اسکامیلا"، یک زن جوان اهل مکزیکوسیتی توسط دوست پسرش، این کشور را در شوک فرو برد و تبدیل به نمادی برای اعتراض به افزایش زن کشی و خشونت های گوناگون علیه زنان شد.



معترضان به سمت ساختمان روزنامه ای که تصاویری از جنازه زن مقتول را چاپ کرده بود رفتند و یکی از خودروهای این روزنامه را به آتش کشیدند. آنها هنگام راهپیمایی نیز از نیروهای پلیس که در برابرشان ایستاده بودند خواستار اجرای عدالت شدند. معترضان همچنین با اسپری شعار "ما ساکت نمی شویم" را روی دیوار و دروازه ورودی کاخ ریاست جمهوری نوشتند.

روزانه به طور میانگین ۱۰ زن در مکزیک به دلیل رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان به قتل می رسند. سال گذشته ۳ هزار و ۸۲۵ زن در این کشور به دلیل خشونت جان باختند.

دیوان عالی هند به حقوق برابر زنان با مردان در ارتش رای داد

دیوان عالی هند با وجود مخالفت شدید دولت، روز دوشنبه ۲۸ بهمن، در حکمی دولت فدرال را موظف کرد که به افسران زن این کشور اجازه دهد تا در ماموریت های دائمی و سمت های فرماندهی ارتش خدمت کنند. عالی ترین نهاد قضایی هند همچنین استدلال های حقوقی دولت فدرال در مخالفت با خدمت افسران زن در این مقامها را مبتنی بر "کلیشه های جنسیتی" ارزیابی کرد.

تصمیم دیوان عالی هند به این معنا است که زنان عضو ارتش می توانند تا زمان بازنشستگی به خدمت در واحدهای غیر رزمی ارتش مانند بخش آموزشی، حقوقی و پشتیبانی ادامه دهند. آنها همچنین براساس میزان شایستگی خود می توانند تا درجه سرهنگ در سلسله مراتب ارتش ارتقا پیدا کنند. زنان هم اکنون تنها بین ۱۰ تا ۱۴ سال در ارتش هند خدمت کنند.

حکم دیوان عالی هند با این حال به زنان اجازه خدمت در واحدهای رزمی ارتش مانند بخش های پیاده نظام، توپخانه و سپاه زرهی را نمی دهد.

دولت هند در توجیه ممنوعیت استفاده از زنان در جایگاه های فرماندهی ارتش گفته بود که نظامیان مرد هنوز آمادگی پذیرش زنان به عنوان فرمانده خود را ندارند. دولت هند همچنین تاکید کرده بود که امکان برخورد برابر با زنان و مردان در ارتش وجود ندارد.

مدافعان حقوق برابر زنان با مردان از تصمیم دیوان عالی هند به عنوان "پیشرفتی بزرگ" تمجید کرده اند.

چالشهای معلمان (بهمن ۹۸)

فرنگیس بایقره

مخالفت دادستان با آزادی مشروط اسماعیل عبدی



حسین تاج، وکیل مدافع اسماعیل عبدی، فعال صنفی معلمان محبوس در زندان اوین، از مخالفت دادستانی با درخواست آزادی مشروط موکلش خبر داد. اسماعیل عبدی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان، بعد از بازداشت در تیرماه ۹۴، توسط دادگاه انقلاب تهران به ۶ سال حبس محکوم شد که با استناد ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۵ سال از آن قابلیت اجرایی داشته است.

تاج در این رابطه گفت: "مخالفت با درخواست آزادی مشروط اسماعیل عبدی در حالی است که از دوره حبس ۵ ساله او ۱۰ ماه باقی است. در حال حاضر هم درخواست مرخصی موکل، در حال بررسی است و منتظر اعلام نظر دادستانی هستیم."

باید یادآور شد که اسماعیل عبدی در طول مدت حبس تنها سه مرتبه اجازه استفاده از مرخصی را داشته است. تاج ادامه داد: "به تازگی نیز اداره آموزش و پرورش با مرخصی بدون حقوق موکل من مخالفت کرده و پرونده وی برای رسیدگی به هیات تخلفات ارسال و ارجاع شده است. امیدوارم مراجع اداری و قضایی به سابقه ۲۵ ساله معلمی و فرهنگی و خدمات او توجه کنند و این ملاحظه در مورد تمام معلمانی که در مقام فعالین صنفی اعتراضاتی داشته اند، رعایت شود." اسماعیل عبدی، دبیر کانون صنفی معلمان و دبیر ریاضی است که در ششم تیرماه ۱۳۹۴ زمانی که برای پیگیری علت ممنوع الخروج بودنش به دادرسی اوین مراجعه کرده بود، پس از ساعتها بازجویی، بازداشت شد و پس از گذشت ۶ ماه از بازداشت، در اسفندماه همان سال توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" به شش سال حبس تعزیری محکوم شد.

انتقال محمد حبیبی به زندان تهران بزرگ

محمد حبیبی، از اعضای هیات مدیره و مسوول تشکیلات کانون صنفی معلمان ایران، به دستور مستقیم دادستان به زندان تهران بزرگ منتقل شد.



این انتقال نابهنگام در حالی صورت می گیرد که بر اساس حکم دادگاه حبیبی می بایست مانند دیگر زندانیان سیاسی، دوران حکم حبس خود را در زندان اوین بگذارند. همچنین هیچیک از دیگر زندانیان سیاسی اوین منتقل نشده اند و اجرای این حکم به صورت اختصاصی و در ادامه فشار بر این فعال صنفی صورت گرفته است.

محمد حبیبی پیشتر به مدت ۶ هفته ممنوع الملاقات بود و از ابتدای بازداشت تاکنون حتی یک روز هم به مرخصی نیامده و از درمان و رسیدگی پزشکی در رابطه با تومور دست چپش نیز محروم مانده است. محمد حبیبی از اعضای ارشد کانون صنفی معلمان تهران است که در جریان اعتراضات معلمان توسط اطلاعات سپاه بازداشت شد و حکم دهشتناک ده سال و نیم زندان و ۷۴ ضربه شلاق را بر وی تحمیل کردند

کمیته دفاع از محمد حبیبی ضمن محکوم نمودن این اقدام غیرقانونی و ناعادلانه، مقامهای زندان و قوه قضاییه و دادستانی را مسوول حفظ جان و سلامتی این معلم زندانی دانسته و نسبت به هر گونه خطر جسمی و روحی برای این معلم هشدار داده است.

جعفر ابراهیمی با قرار وثیقه آزاد شد



جعفر ابراهیمی، معلم و عضو کانون صنفی معلمان تهران، با تودیع قرار وثیقه از زندان رجایی شهر کرج آزاد شد. وی پیشتر در تاریخ ۵ دی ماه، مصادف با چهلم کشته شدگان اعتراضات آبان، در بهشت سکینه کرج توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه در زندان رجایی شهر کرج منتقل شده بود.

لازم به ذکر است که طی این مدت، قرار بازداشت جعفر ابراهیمی دو بار تمدید شده بود. تمدید بازداشت وی در حالی صورت گرفته بود که این فعال صنفی دارای بیماری گوارشی حاد بوده و در زمان بازداشت از دسترسی به دارو و خدمات درمانی محروم مانده بود.

گفتنی است، تا لحظه تنظیم این گزارش از اتهامات مطروحه علیه آقای ابراهیمی اطلاع دقیقی در دست نیست.

تجمع معلمان خارج از کشور مقابل وزارت آموزش و پرورش



جمعی از معلمانی که طی چند سال گذشته به خارج از کشور اعزام شده بودند و اکنون مأموریت آنها پایان یافته است، روز یکشنبه ۶ بهمن، برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند.

این معلمان گفتند که تعدادشان به ۳۵۰ نفر می رسد و ۲ تا ۱۰ هزار یورو از وزارت آموزش و پرورش طلب دارند و خواهان این هستند که این وجوه به طور یکجا به آنها پرداخت شود تا بتوانند به زخمی از زندگی شان بزنند.

محاكمه فعال صنفی با حضور حمایتی معلمان در دادگاه

اسکندر لطفی، فعال صنفی معلمان و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، توسط دادگاه کیفری سنندج به دو سال حبس تعزیری محکوم شد.

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات آقای لطفی، روز دوشنبه ۷ بهمن ماه، برگزار شده بود.

محاكمه این شهروند در حالی صورت گرفت که بیش از ۵۰ نفر از معلمان شهرستان مریوان برای حمایت از وی و سایر فعالان صنفی در محل دادگاه حضور یافتند. قاضی دادگاه با استناد به گنجایش محدود سالن جلسه، تنها به سی نفر از معلمان اجازه حضور داد و سایر معلمان تا پایان زمان رسیدگی به اتهامات این معلم در راهروهای دادگاه منتظر پایان جلسه ماندند.

گفتنی است، اسکندر لطفی روز دوشنبه ۳۰ دی ماه با دریافت ابلاغیه ای به شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری سنندج احضار شد. در این احضاریه از وی خواسته شده بود که صبح روز دوشنبه هفتم بهمن ماه، در این شعبه حاضر شود. طی ۴ ماه اخیر، این ششمین بار بود که آقای لطفی به مراجع قضایی احضار می شد.

این شهروند روز چهارشنبه ۲۲ خردادماه ۱۳۹۸، در پی شکایت اطلاعات سپاه پاسداران به شعبه دوم بازپرسی دادگاه انقلاب سندج احضار و به دلیل "اجتماع و تبانی علیه نظام، تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب" تفهیم اتهام شده و در نهایت با گذاشتن قرار آزاد شده بود.

محکومیت هاشم خواستار و همراهانش

هشت تن از کسانی که تابستان امسال با نوشتن نامه ای خواستار استعفای خامنه ای شده بودند، توسط دادگاه انقلاب مشهد در مجموع به ۷۲ سال حبس تعزیری، ۶ سال ممنوعیت خروج از کشور و ۶ سال تبعید محکوم شدند. احکام صادره که روز شنبه ۱۲ بهمن ماه ۹۸ توسط شعبه ۴ دادگاه انقلاب مشهد به ریاست قاضی منصوری صادر و امروز یکشنبه ۱۳ بهمن ماه به این شهروندان ابلاغ شده از این قرار است:



- هاشم خواستار به ۱۶ سال حبس، ۳ سال تبعید به شهرستان نیکشهر و ۳ سال ممنوعیت خروج از کشور
- محمد حسین سپهری به ۶ سال حبس
- فاطمه سپهری به ۶ سال حبس
- عبدالرسول مرتضوی به ۲۶ سال حبس
- محمد نوری زاد به ۱۵ سال حبس، ۳ سال تبعید به ایذه و ۳ سال ممنوعیت خروج از کشور

_هاشم رجایی، محمد حسین پور و مرتضی قاسمی هر کدام ۱ سال تعزیری پرونده جواد لعل محمدی، دیگر متهم این پرونده، نیز کماکان مفتوح است.

گردهمایی اعتراضی در سقز

اعضای کانون صنفی فرهنگیان کردستان (سقز و زیویه)، در اعتراض به محکومیت هفت تن از کنشگران فرهنگی خراسان



شمالی از سوی دادگاه جمهوری اسلامی دست به برگزاری یک تجمع زدند.

معلمان معترض با در دست داشتن دستنوشته هایی خواهان بسته شدن پرونده و لغو احکام صادره علیه اعضای انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی شدند. در همین رابطه نیز شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اتهامات

وارد به این معلمان را رد کرده است.

این هفت معلم به نامهای محمدرضا رمضان زاده، سعید حق پرست، علی فروتن، مصطفی رباطی، حسن جوهری، حمیدرضا رجایی و حسین رمضان پور از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی هستند که پیشتر طی اعتراضات مهر و آبان ۹۷ بازداشت شده و سپس با قرار وثیقه آزاد شده بودند و اکنون به حبس و شلاق محکوم شده اند.

دستگیری دبیر کانون صنفی معلمان تهران

محمدتقی فلاحی، دبیر کانون صنفی معلمان تهران، از سوی اطلاعات سپاه دستگیر شد. عوامل سپاه پاسداران پس از دستگیر کردن محمدتقی فلاحی در خیابان، به خانه وی هجوم برده، کامپیوتر و دستگاه های ارتباطی او و خانواده اش را هم ضبط کردند. از وضعیت این کنشگر فرهنگی هیچ خبری در دست نیست و ماموران امنیتی از خانواده او خواسته اند تا درباره وضعیت او اطلاع رسانی نکنند.

بازگشت جعفر ابراهیمی به مدرسه

به دنبال حمایت و پیگیری معلمان و دانش آموزان "دبیرستان سرداران" ده مویز شهریار، روز دوشنبه ۲۱ بهمن ماه جعفر ابراهیمی، بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، به مدرسه کلاس درس بازگشت. جعفر ابراهیمی روز ششم بهمن ماه پس از ۳۱ روز بازداشت موقت در سلولهای انفرادی بند هشت وزارت اطلاعات، از زندان گوهردشت (رجایی شهر کرج) آزاد شد و بلافاصله برای شروع کار به اداره آموزش و پرورش شهریار مراجعه نمود، اما به وی اجازه ندادند در مدرسه ای که سالها معلم بوده، مشغول به کار شود و نیروی جایگزین برای وی تعیین کردند.

این امر موجب اعتراض این فعال صنفی، همکاران و دانش آموزانش قرار گرفت و با پیگیری و حمایت والدین دانش آموزان، سرانجام پس از دو هفته وی موفق شد به کلاس درس در دبیرستان سرداران بازگردد.

تجمع مال باختگان تعاونی مسکن فرهنگیان تبریز

فرهنگیان تبریزی در اعتراض به کلاهبرداری تعاونی مسکن فرهنگیان که ۱۷ سال است پول آنان را دریافت و خانه ای تحویل نداده، روز یکشنبه ۲۰ بهمن، در برابر اداره کل راه و شهرسازی آذربایجان شرقی زدند. معترضان که عضو شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان هستند خواستار تعیین تکلیف وعده ۱۷ ساله پروژه بعثت هستند. آنها می گویند: "ما اعضای فاز پنج پروژه بعثت هستیم. هفده سال برای تحویل واحدهای



مسکونی انتظار کشیده ایم، اما خبری از تحویل آنها نشد. حالا از راه و شهرسازی می خواهیم به خواسته های ما رسیدگی کند."

بر روی پلاکارهای در دست فرهنگیان نوشته شده بود: "فرهنگی صبور است، اما صبر نوح و صبر ایوب ندارد، ۱۷ سال بس است" و "اعضا مالباخته و نجیب فاز پنج بعثت فرهنگیان تبریز بعد از ۱۷ سال انتظار، اجرای تعهد مسکن و شهرسازی را خواهند.".

به گفته معترضان، حدود بیست سال پیش شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان تبریز در توافقی با اتحادیه شرکتهای تعاونی مسکن کارکنان دولت، برای ۷۵۰ نفر از اعضای فاقد مسکن خود اقدام به خرید زمین می کند و در پی آن ۶۰۰ نفر از ۷۵۰ عضو این تعاونی، با پرداخت پول زمین اقدام به خرید می کنند. با هر یک از ۶۰۰ عضو تعاونی، قرارداد رسمی مشارکت منعقد می شود، اما ۱۷ سال پس از این، نه از پول نشانی هست و نه از مسکن!

کانون صنفی معلمان ایران خواهان آزادی بی قید و شرط محمد تقی فلاحی شد

کانون صنفی معلمان ایران با انتشار بیانیه ای به دستگیری دبیرکل خود اعتراض کرد و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط وی شد. این تشکل صنفی تاکید کرد "از تمام توان و پتانسیل خود برای آزادی محمد تقی فلاحی استفاده خواهد کرد".

کانون صنفی معلمان همچنین ضمن حمایت از معلمان دربند از جمله محمود بهشتی لنگرودی، محمد حبیبی و اسماعیل عبدی و ظالمانه خواندن احکام صادره علیه آنان اعلام کرد: "بازداشت غیرقانونی و چندباره دبیرکل یک تشکل صنفی و قانونی، مصداق بارز تشویش اذهان عمومی خصوصا فرهنگیان است. هر چند این روند شوربختانه در دو دهه مسبوق به سابقه بوده است، اما ایستادگی و مقاومت فعالان و تشکلهای صنفی نشان می دهد که تلاش برای تحقق عدالت آموزشی و بهبود منزلت و معیشت فرهنگیان (شاغل و بازنشسته) از اهداف والای انسانی و صنفی ماست."

سه فعال صنفی به پرداخت جریمه محکوم شدند

سه تن از اعضای هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین در دادگاه تجدید نظر به پرداخت جریمه نقدی محکوم شدند. این فعالان صنفی پیشتر در تاریخ ۱۳ آبان ۹۸، توسط دادگاه انقلاب قزوین در مجموع به تحمل ۲۴ ماه حبس تعزیری محکوم شده بودند.

دادگاه تجدید نظر، محمدرضا بهنام نژاد، مریم زیرک و سهیلا زال بیگی را در مجموع به پرداخت مبلغ ۱۲ میلیون و صد هزار تومان جریمه نقدی محکوم کرد.

لازم به یادآوری است که به دنبال تحصن سراسری معلمان طی سال گذشته که در اعتراض به بی توجهی به مطالبات فرهنگیان از جمله مشکلات آموزش و پرورش، اختصاص ندادن بودجه عادلانه، نبود سرانه مدارس، حذف آموزش رایگان و وضعیت نامناسب معیشت معلمان شکل گرفت، در تاریخ ۱۴ اسفند ماه، تلفن همراه و رایانه محمدرضا بهنام نژاد، مریم زیرک و سهیلا زال بیگی ضبط و برای آنان پرونده قضایی تشکیل شد.

پرونده این کوشندگان صنفی در نهایت با قرار وثیقه ۴۵۰ میلیون تومانی به دادگاه انقلاب قزوین ارسال شده بود.

(منابع: هرانا، کانال معلمان عدالت خواه، ایلنا، پیام، کانون صنفی معلمان، رادیو زمانه، کانال صنفی معلمان ایران)

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

دانشگاه در ماهی که گذشت (بهمن ۹۸)

کامران عالمی نژاد

سه‌م مراکز آموزش عالی کشور از بودجه سال ۹۹

هر ساله یکی از اقدامات پر حاشیه دولتهای منتخب ولی فقیه نظام، تدوین لایحه بودجه سال پیش روی است. طبق قانون محاسبات عمومی "این بودجه حاوی پیش بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه ها برای انجام عملیاتی

که منجر به نیل سیاستها و هدفهای قانونی می شود" است. اما این مهم در رژیم جمهوری اسلامی به گونه عجیب و غریبی کژ و ناموزون است.

دولت حسن روحانی، سقف کل بودجه سال آینده را ۱۹۸۸ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته که از این میزان ۱۴۸۳ هزار میلیارد تومان بودجه شرکتهای دولتی و ۴۸۴ هزار میلیارد تومان آن بودجه عمومی دولت است. از آنجا که فروش نفت و گاز در جمهوری اسلامی، پایه ای ترین و مهمترین شاهرگ

ردیف	دانشگاه	بودجه سال ۹۸	بودجه سال ۹۹	تغییر
۱	تهران	۶۰۲.۸۷۹.۵۰۰.۰۰۰	۶۸۸.۶۴۸.۰۰۰.۰۰۰	۱۴ درصد افزایش
۲	امیرکبیر	۳۲۵.۲۸۵.۰۰۰.۰۰۰	۳۲۲.۳۰۵.۸۰۰.۰۰۰	۰.۹ درصد کاهش
۳	شریف	۳۸۷.۱۱۲.۰۰۰.۰۰۰	۳۸۷.۱۲۴.۷۰۰.۰۰۰	بدون تغییر
۴	خواجه نصیر	۱۵۲.۲۶۶.۰۰۰.۰۰۰	۱۶۰.۷۶۱.۸۰۰.۰۰۰	۵ درصد افزایش
۵	علامه طباطبائی	۲۶۲.۴۷۹.۰۰۰.۰۰۰	۲۶۶.۷۸۳.۷۰۰.۰۰۰	۱.۶ درصد افزایش
۶	الزهرا	۱۵۳.۸۵۷.۰۰۰.۰۰۰	۱۵۶.۲۱۴.۰۰۰.۰۰۰	۱.۵ درصد افزایش
۷	علم و صنعت	۲۸۸.۶۵۹.۰۰۰.۰۰۰	۲۷۷.۷۴۶.۶۰۰.۰۰۰	۳ درصد کاهش
۸	خوارزمی	۲۲۹.۳۸۸.۰۰۰.۰۰۰	۲۲۹.۲۳۵.۷۰۰.۰۰۰	بدون تغییر
۹	شهید بهشتی	۴۱۷.۴۱۲.۰۰۰.۰۰۰	۴۲۳.۷۵۵.۲۰۰.۰۰۰	۱.۵ درصد افزایش
۱۰	شاهد	۲۳۸.۹۰۰.۰۰۰.۰۰۰	۳۲۶.۷۲۴.۸۰۰.۰۰۰	۳۶ درصد افزایش
۱۱	تربیت مدرس	۳۶۳.۳۳۹.۰۰۰.۰۰۰	۳۵۸.۵۱۶.۲۰۰.۰۰۰	۱.۳ درصد کاهش

تأمین بودجه دولت می باشد، دولت روحانی نیز ۴۰ درصد از تأمین "کل بودجه" را بر مبنای فروش داخلی و خارجی نفت و از آن جمله فروش محصولات نفتی و گازی برآورد کرده است؛ خیالی واهی که با در نظر گرفتن تحریمهای کمر شکن آمریکا در زمینه فروش نفت در سالهای اخیر و به خصوص سال جاری، و کاهش فروش نفت در ماههای گذشته به سطح ۶۰۰ هزار بشکه در روز به روشنی می توان حدس زد که دولت "تدبیر و امید" در سال پیش رو با چالشهای جدی روبرو خواهد شد.

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی در گزارشی کسری بودجه سال ۱۳۹۹ را ۱۳۱ هزار میلیارد تومان اعلام کرد که از این میان، ۳۸ هزار میلیارد تومان آن مربوط به محاسبه سازمان برنامه و بودجه کشور با فرض صادرات یک میلیون بشکه در روز است.

این مرکز در ادامه می افزاید: "با فرض فروش روزانه نفت به میزان ۶۰۰ هزار بشکه و سهم ۲۰ درصد صندوق توسعه ملی، کل درآمد ارزی سهم دولت حدود ۹,۵ میلیارد دلار خواهد بود. لذا منابع ارزی کافی برای اختصاص به واردات کالاهای اساسی (۱۰,۵ میلیارد دلار اعلام شده توسط دولت با نرخ دلار ۴۲۰۰ تومان) وجود ندارد."

فروش اموال منقول و غیر منقول دولت، یکی دیگر از راه های درآمدزایی دولت است. در سال جاری و با گذشت هفت ماه از شروع آن، دولت توانست تنها ۱۸۷ میلیارد تومان از این طریق کسب درآمد کند که با توجه به لایحه بودجه ارائه شده که مبلغ ۴۴۵۰ میلیارد تومان در آن ذکر شده بود، تنها ۴ درصد از کل این میزان به دست آمده. این در حالیست که دولت در نظر دارد سال آینده با جهشی ده برابری به نسبت سال جاری، یعنی ۴۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان، معادل ده درصد کل بودجه عمومی کشور را از این راه درآمدزایی کند.

با این تفصیل و بیش برآوردهای خیالبافانه از منابع درآمدی دولت و اقرار افراد خودی حکومت، به روشنی می توان دریافت که سال ۱۳۹۹ برای مردم ایران سالی به مراتب دشوارتر از سالهای پیش خواهد بود.

دانشجویان به عنوان قشر آگاه و تحصیل کرده جامعه اما یکی از اقلیتی هستند که در دوره حاکمیت آخوندها به صورت پیاپی و مستمر مورد هجوم سیاسی و اقتصادی قرار گرفته اند. آنان هر از گاهی با شیوه ها و ترفندهای جدیدی از قوانین

تصویب شده و نشده دولت در به تاراج بردن و یورش سیاستهای دولتی در تنگ تر کردن محیط آموزشی و فعالیت سیاسی شان مواجهه بوده اند.

با توجه به رشد تورم لگام گسیخته (بیش از ۵۰ درصد) در کشور، دولت حسن روحانی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹، با تخصیص بودجه ۲۰۹ هزار و ۱۳ میلیارد و ۴۷۶ میلیون ریال به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و تنها با رشد ۱۰ درصدی نسبت به سال جاری، در عمل مراکز آموزش عالی را برای تامین بودجه خود به جیب بری از دانشجویان تشویق و راهنمایی می کند. این در حالیست که همین بودجه ناکافی هیچگاه به موقع و تمام و کمال در اختیار دانشگاه ها قرار نگرفته است. دکتر جبارعلی ذاکری، رییس دانشگاه علم و صنعت، در این باره می گوید: "متأسفانه در ۹ ماه اول سال جاری، تنها حدود ۵۴ درصد بودجه تخصیص یافته و ضرورت دارد که این موضوع پیگیری شود، چراکه اگرچه نمی توانیم میزان بودجه را افزایش دهیم، اما اگر تخصیص بودجه به موقع اتفاق بیفتد، می توانیم امکانات رفاهی، دانشجویی و بخش تغذیه و همچنین سایر امور هزینه ای را تامین کنیم."

جمهوری اسلامی سالها و به قدمت حکمرانی اش، در بودجه کشور، گسترش رفاه عمومی، کارایی و توانمندی شهروندان، سرمایه گذاری و عمران را در اولویت نداشته، بلکه تلاش برای پنهان نگاهداشتن نحوه و صرف بودجه، یکی از شگردهای شیادانه این رژیم ضد بشری بوده است. با این حال بودجه سازمانها و مراکز تبلیغات اسلامی که کاری جز پرورش مزدور و روضه خوان و رواج جهل و خرافات ندارند و در لایحه بودجه به تفصیل ذکر شده اند، فقط سهم کوچکی از تاراج مردم توسط دولتهای گوناگون ولی فقیه می باشد.

حکومتی که مجموع بودجه حوزه های علمیه در آن، ۴۶۸ برابر بودجه حمایت از دانش آموزان ابتدایی مناطق محروم، ۱۱۴ برابر بودجه سازمان مدیریت بحران کل کشور، ۶۸ برابر بودجه کمک به بیمارستانهای مناطق محروم، ۵۴ برابر بودجه برنامه حفاظت و حمایت از منابع طبیعی کشور، ۱۶ برابر بودجه بنیاد بیماریهای خاص و ده برابر بودجه کاهش آلودگی هوا است چطور می تواند به فکر هوای سالم، جاده های ایمن، بهره مندی از بیمه کارآمد، حقوق مکفی بازنشستگی، تحصیل رایگان، سرمایه گذاری جهت ساخت اتوموبیلهای با ضریب ایمنی بالا، ساخت مدارس جدید، ساخت میدانها و سالنهای ورزشی برای دانش آموزان و دانشجویان باشد.

چاقوی جراحی ولی فقیه، برای پرداخت مخارج شبه نظامیان ولایت از قبیل حزب الله در لبنان، فاطمیون در افغانستان، حشد الشعبی در عراق، گروههای حوثی در یمن و سپاه پاسداران در داخل و خارج کشور، پیکر لاغر و نحیف جامعه را سلاخی و پوست و گوشتشان را می درد. این اما چیزی نیست که مردم و دانشجویان آگاه کشور، تن به آن دهند. ناقوس مرگ رژیم جمهوری اسلامی چندی است که به صدا در آمده، سرعت ضرب این نوا اما، از لحظه شلیک رگبار در نيزار های ماهشهر ریتم تندتری گرفته است. صدای آن رساتر از قبل به گوش می رسد، گویی در همین نزدیکی است.

پنج مووسسه آموزش عالی خصوصی لغو مجوز شدند



براساس گزارشهای مرکز نظارت ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم و سایر مراجع مربوط، شورای گسترش و برنامه ریزی آموزش عالی مجوز موسسات آموزش عالی غیر دولتی غیرانتفاعی ارس و عین القضاة در آذربایجان شرقی، زرینه در آذربایجان غربی و مهر اراک در استان مرکزی را لغو کرد.

مقرر شد کلیه خدمات آموزشی و دانشجویی این مووسسات با هماهنگی دفتر آموزش عالی غیردولتی، به مووسسات واجد شرایط دیگری انتقال یابد.

همچنین این شورا با انحلال موسسه آموزش عالی غیر دولتی غیرانتفاعی ساریان در استان مازندران موافقت کرد و مقرر شد کلیه خدمات آموزشی و دانشجویی آن با هماهنگی دفتر آموزش عالی غیردولتی به مؤسسه واجد شرایط دیگری انتقال یابد.

انتخاب ۴ رشته از دانشگاه آزاد گرفته شد

بر اساس مصوبه شورای سنجش و پذیرش دانشجو در آذر ماه، پذیرش دانشجو در چهار رشته پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و دامپزشکی در همه زیرنظامهای آموزشی از جمله دانشگاه آزاد اسلامی، به صورت متمرکز از طریق سازمان سنجش صورت می گیرد.

رئیس سازمان سنجش با اعلام این خبر گفت: "به این ترتیب دانشگاه آزاد باید ظرفیتهای تعیین و تایید شده از سوی وزارت بهداشت در سه رشته پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و یک رشته دامپزشکی تایید شده از سوی وزارت علوم را به سازمان سنجش ارائه دهد و انتخاب رشته تنها یکبار از سوی داوطلبان و به صورت متمرکز انجام می گیرد." دکتر ابراهیم خدایی درباره ابلاغ موضوع منع تحصیل ۱۳۴ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد در رشته های علوم پزشکی که با تخلف وارد این رشته ها شده بودند نیز گفت: "این مصوبه امروز (۲ بهمن) به دانشگاه آزاد ابلاغ می شود."

خودکشی یک دانشجوی دختر در ایلام

محمد میرزایی حیدری، رئیس دانشگاه آزاد ایلام، اعلام کرد که یک دانشجوی دختر جوان در این دانشگاه پس از شرکت در آزمون، روز جمعه ۱۱ بهمن خود را از طبقه دوم ساختمان به پایین پرت کرد و با وجود انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

دانشجویان علوم پزشکی اصفهان تجمع کردند



با وجود اینکه حق دوست، معاون آموزشی وزارت علوم، اعلام کرد که ایجاد رشته کارشناسی داروسازی منتفی است، اما اعتراضات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان همچنان ادامه دارد.

حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان این دانشکده روز دو شنبه ۱۴ بهمن با تجمع مقابل دانشکده داروسازی اعتراض خود را اعلام کردند.

دانشجویان می گویند که منتفی شدن تاسیس کارشناسی داروسازی به صورت رسمی به دانشکده ها

ابلاغ نشده است و ممکن است در صورت اتمام اعتراضات، دوباره این موضوع به جریان بیفتد. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در کانالهای تلگرامی و صفحه های مجازی خود از ادامه این اعتراضات خبر می دهند.

تجمع خوابگاههای دانشجویی دانشگاه علامه

معاون دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی از آغاز برنامه تجمع خوابگاه های دانشجویی این دانشگاه از سال آینده و عملیاتی کردن این برنامه طی سه فاز متفاوت خبر داد.

غلامرضا لطیفی گفت: "برنامه خوابگاه های متمرکز یکی از مهمترین برنامه های حوزه دانشجویی دانشگاه است که با همکاری صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم از سال آینده این پروژه را عملیاتی خواهیم کرد و بر اساس آن خوابگاه های دانشجویی دانشگاه در منطقه خرگوش دره متمرکز خواهد شد."

وی افزود: "با توجه به گستردگی تعداد خوابگاه ها و دانشجویان خوابگاهی سعی کردیم در فاز اول حدود ۲۰ هزار متر مربع بنا برای متمرکز کردن این خوابگاه ها در دستور کار قرار دهیم تا بخش عمده ای از نیازهای خوابگاهی ما برطرف شود."

او توضیح داد: "در حال حاضر این دانشگاه ۱۲ خوابگاه فعال و یک خوابگاه در دست تعمیر دارد و این خوابگاه ۱۲۰ ظرفیتی هنوز مشخص نیست به دانشجویان پسر اختصاص دارد یا دانشجویان دختر."

دانشگاه علوم پزشکی ایران؛ کمبود بودجه و بدهی میلیاردی

جلیل کوهپایه زاده، رییس دانشگاه علوم پزشکی ایران، در نشست روسای دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی ایران گفت:



"با توجه به نزدیک شدن پایان سال و نهای شدن لایحه بودجه سال ۱۳۹۹، افزایش بودجه این دانشگاه در سال آینده ناکافی است و از همین رو دانشگاه نخواهد توانست با ضرب آهنگ سال جاری حرکت کند."

وی با اشاره به بدهیهای چند میلیاردی دانشگاه در حوزه فعالیتهای پژوهشی، خاطر نشان کرد: "بهتر است ابتدا پژوهشهای گذشته به سرانجام برسد و علاوه بر آن پژوهشهای جدید باید مبتنی بر خروجی مورد نیاز و قابل تولید به فناوریهای مورد نیاز، مصوب شوند. این رویکرد باید در پایان نامه ها نیز مورد توجه قرار گیرد."

رییس دانشگاه علوم پزشکی ایران افزود: "به دلیل کمبود منابع مالی، مراکز وابسته دانشگاه علوم پزشکی ایران نباید در سال آینده انتظار افزایش مالی مرسوم تفاهم نامه ها را داشته باشند. البته مدیران دانشگاه با استفاده از تجربیات خود و کمک از گروه های دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی می توانند راه های مناسبی برای مشکلات سال آینده پیدا کنند."

ادعای تخلف رییس سابق دانشگاه آزاد



یک وبگاه بسیج دانشجویی از وجود اسنادی مبنی بر تخلفات جواد جاسبی، پسر رییس اسبق دانشگاه آزاد، خبر داد. به نوشته این منبع، این درحالی است که تخلفات عبدالله جاسبی در دانشگاه آزاد هنوز مسکوت مانده و کسی نمی داند پرونده تحقیق و تفحص او از سال ۹۳ تا کنون به کجا رسیده است.

منبع مزبور (خبرنامه دانشجویان ایران) می نویسد: "گفته می شود بخش اعظمی از پرونده تخلفات دانشگاه آزاد به دوران ریاست عبدالله جاسبی برمی گردد."

اتهاماتی که برای این پرونده به او زده شده بود از زمین خواری و کلاهبرداری ۴۰۰ میلیاردی همکار او تا مفاسد عدیده ای من جمله پروژه دکترسازی از درس نخوانده هایی که بعضی شاید رنگ و بوی جزوه و درس و کلاس را هم ندیده بودند را شامل می شد.

نام پژوهشگر دیپورتی در لیست کاندیداهای اصولگرایان برای مجلس

فهرست کامل شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی برای انتخابات مجلس یازدهم در حوزه انتخابیه تهران، ری، اسلامشهر و شمیرانات مشخص شد و نام سید محسن دهنوی در بین کاندیداهای جوان این شورا دیده می شود.



دهنوی روز سه شنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۹۶ با در دست داشتن ویزای "جی وان" به منظور تحقیقات در بیمارستان کودکان بوستون، وابسته به دانشگاه "هاروارد"، وارد فرودگاه لوگان شد، اما پس از ۳۰ ساعت انتظار در این فرودگاه، به ایران بازگردانده شد. این ویزا به افرادی داده می شود که برای یک دوره کارآموزی و یا کار موقت به آمریکا می روند.

گفته می شود محسن دهنوی پزشک و پژوهشگر است هر چند وی در سالهای اخیر مسوولیت بسیج دانشجویی دانشگاه شریف را بر عهده داشته و یکی از چهره شناخته شده بسیج دانشجویی می باشد. او در جریان انتخابات سال ۱۳۹۲ در ستاد انتخاباتی سعید جلیلی فعال بوده و همچنین در انتخابات ریاست جمهوری گذشته ایران از "جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (جمنا)" حمایت کرده است.

"خوابگاه درجه یک در کشور نداریم"

معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت، وضعیت ایمنی خوابگاه های دانشگاه های علوم پزشکی کشور را نامناسب توصیف کرد و گفت: "در حال حاضر ۱۹۱ خوابگاه ما بالای ۳۰ سال قدمت دارند و ۸۷ خوابگاه ایمنی لازم را ندارند." دکتر سیما سادات لاری افزود: "اگر بخواهیم بر اساس سطح بندی رتبه این خوابگاه ها را اعلام کنیم، ۷۷ خوابگاه ما در درجه ۴، ۱۹۵ خوابگاه در درجه ۳ و ۱۵ خوابگاه نیز در درجه ۲ قرار دارند و در واقع ما خوابگاه درجه یک در کشور نداریم."

عادل گرجی، دانشجوی دانشگاه آزاد تهران به حبس و کار اجباری محکوم شد

عادل گرجی، دانشجوی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران، توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری، به ۴ ماه حبس تعزیری، ۳ ماه فعالیت رایگان در معاونت آموزش دانشگاه آزاد و ۲ سال ممنوعیت از فعالیت و عضویت در احزاب محکوم شد. این حکم روز دوشنبه ۲۱ بهمن ماه به وی ابلاغ شده است. آقای گرجی در تاریخ ۷ شهریور ماه امسال توسط نیروهای امنیتی برای مدتی بازداشت شده بود.



عادل گرجی در تاریخ ۷ شهریور ماه ۹۸ نیز در پی اعتراض جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد تهران در اعتراض به دستور انتقال دانشگاه آنان از ساختمان میدان فلسطین به سوهانک، همراه با دو دانشجوی دیگر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و روز یکشنبه ۱۷ شهریور ماه ۱۳۹۸ با تودیع قرار کفالت و تا پایان مراحل دادرسی آزاد شده بود.

این دانشجوی پیشتر نیز در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه سال جاری و در جریان تجمع روز جهانی کارگر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از ۵ روز با تودیع قرار کفالت آزاد شده بود.

اعتراض دانشجویان دانشگاه علامه به تمدید نکردن قرارداد درس یک استاد

جمعی از دانشجویان دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی نسبت به خودداری مسوولان دانشگاه از تمدید قرارداد یکی از اساتید خود اعتراض کردند.

یکی از دانشجویان معترض در این رابطه گفت: "دکتر حسن نمک دوست تهرانی از اساتید خوب گروه ارتباطات است، اما مسوولان دانشگاه به دلیل آنچه "منع قانونی استخدام دانشجویان دکتری" می نامند، از تمدید قرارداد وی خودداری می کنند."

یکی دیگر از دانشجویان گفت: "دکتر نمک دوست پژوهشگر برگزیده سال است، متأسفیم که با نوابغ اینگونه برخورد می شود." وی تصریح کرد: "دانشجویان در حمایت از دکتر نمک دوست و اعتراض به این امر در محوطه دانشکده ارتباطات تحصن می کنند."

این دانشجوی گفت: "اساتید دیگری با وضعیت مشابه دکتر نمک دوست اکنون در دانشگاه به تدریس مشغولند."

ابهام در خرید و فروش سوالات در دانشگاه علوم پزشکی اهواز

به تازگی دو امتحان ورودی دانشجویان دانشکده دندانپزشکی اهواز به دلیل خرید و فروش سوالات پیش از برگزاری آزمون، باطل شد.

این ماجرا از آنجایی آغاز شد که پس از تفاوت فاحش میان نمرات بخش و امتحان کتبی برخی از دانشجویان، اساتید و مسوولین این دانشکده به احتمال لو رفتن سوالات مشکوک و بعد از بررسیهای ابتدایی این فرضیه به واقعیت پیوست. به نوشته رسانه های محلی، مسوولین دانشکده تصمیم به ابطال و برگزاری مجدد دو امتحان دانشجویان ورودی ۹۴ و ۹۵ گرفته اند؛ تصمیمی که البته از سوی دانشجویان مورد قبول واقع نشده و آنها خواستار برخورد فقط با افراد خاطی هستند.

تجمع اعتراضی در دانشگاه امیرکبیر تهران

روز یکشنبه ۲۷ بهمن جمعی از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در اعتراض به وقایع اخیر در ایران تجمع اعتراضی برپا کردند. دانشجویان در این تجمع، خواستار تحریم انتخابات مجلس و آزادی زندانیان سیاسی و از آن جمله نرگس محمدی، نسرین ستوده، ندا ناجی و بهاره هدایت شدند.



دانشجویان در این تجمع همچنین اعتراض خود نسبت به سرنوشت پرونده شلیک پدافند سپاه به هواپیمای مسافربری اوکراین در حومه تهران و برجا ماندن شمار قابل توجهی قربانی در پی اعتراضهای آبان ماه اعلام داشتند. دانشجویان شعار می دادند: "نه صندوق، نه آرا، تحریم انتخابات"، "از ایران تا بغداد، فقر ستم استبداد"، "حکومت نظامی نمی خواهیم نمی خواهیم"،

"۱۵۰۰ نفر، کشته آبان ماست"، "زندانی سیاسی، آزاد باید گردد"، "دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "به من نگو فتنه گر، فتنه تویی ستم گر"، "نه تهدید، نه سرکوب، این است حرف مردم"، "آبان دی و خرداد، یاد آخوند و بیداد"، "سپاهی سپاهی قاتل ما شمایی"، "خطای انسانی تویی، شلیک پنهانی تویی"، "مادر چه داغدار است اینجا همه نزار است" و ...

تجمع اعتراضی دانشجویان دندانپزشکی علوم پزشکی اصفهان

دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در اعتراض به تغییر ساعتهای درسی و کاهش زمان حضور در بخشهای درمانی تجمع کردند.

دانشجویان معتقدند که سیاستها و برنامه ریزیهای جدید دانشگاه علوم پزشکی در این دانشکده باعث کاهش کیفیت آموزش می شود.

براساس سیاستهای جدید آموزشی دانشگاه علوم پزشکی در دانشکده دندانپزشکی، ساعتهای حضور دانشجویان در بخشهای پزشکی و درمانی کاهش یافته و دانشجویان باید تعداد بیماران بیشتری را در زمان کمتری ویزیت کنند که در این صورت کیفیت آموزش پایین می آید.

در این تجمع که روز یکشنبه ۲۷ بهمن برگزار شد، دانشجویان تقاضای برگشتن به وضعیت قبل و کاهش ساعتهای دانشگاه به نصف شدند.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

روز دوشنبه ۲۸ بهمن، دانشجویان دانشگاه علم و صنعت تهران برای اعتراض به سرنگون کردن هواپیمای اوکراینی، کشتار بیش از ۱۵۰۰ تن از جوانان در جریان قیام آبان، تجمع اعتراضی برگزار کردند. دانشجویان تراکتهای اعتراضی در دست داشتند که روی آنها از جمله در رابطه با تحریم انتخابات نمایشی رژیم نوشته شده بود: "نه شرکت نه تحریم، حضور در خیابان"، "مجلس ما خیابان است"، "مادر چه داغدار است، ایران همه نیزار است"،

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه های بوعلی سینای همدان و دانشگاه علامه تهران

روز سه شنبه ۲۹ بهمن، دانشجویان دانشگاههای بوعلی سینای همدان و دانشگاه علامه تهران در چهلمین روز کشته شدن مسافران بیگناه توسط موشکهای سپاه پاسداران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

یکی از دانشجویان گفت: "تجمع دانشجویان دانشگاه علامه در چهلمین روز درگذشت انهدام هواپیمای مسافربری و در اعتراض به خفقان و سرکوب حاکم بر کشور برگزار شده است."



پس از اینکه یکی از دانشجویان گفت "فراندوم بگذارید ببینید مردم شما را قبول دارند یا نه" دانشجویان با هم شعار دادند: "فراندوم فراندوم، اینست شعار مردم".

دانشجویان دانشگاه علامه در تظاهرات خود شعار می دادند:

"خطای انسانی تویی، شلیک پنهانی تویی"، "غلط کردی خطا کردی"، "نگ ما ننگ ما، صدا و سیمای

ما"، "مردم درگیر فقرند، اینا تو فکر رای اند"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "هم ظالمید هم شیاد، ننگ بر این استبداد"، "آزادی، عدالت، این است شعار ملت"، "خار چشم استبداد، اتحاد، اتحاد".

دانشجویان علامه در پایان بیانیه ای ایراد کردند.

همچنین در دانشگاه بوعلی سینا در همدان نیز تجمع مشابهی در چهلم کشته شدگان هواپیمای اوکراینی برگزار شد. دانشجویان در جریان این تجمع ضمن اعتراض به بازداشت برخی دانشجویان و نقض استقلال دانشگاه ها، با فرمایشی خواندن انتخابات مجلس، خواستار آزادی زندانیان سیاسی و برگزاری فراندوم شدند.

دانشجویان معترض در جریان این تجمع شعارهایی از جمله "استقلال، آزادی، دانشگاه ایرانی"، "نه تحریم، نه سرکوب، این است حرف مردم"، "آزادی، عدالت، این است شعار ملت" و "خار چشم استبداد، اتحاد، اتحاد" سر دادند.

کارورزان سلامت (بهمن ۹۸)

امید برهانی

وزارت بهداشت و درمان در دست مافیای پزشکی است

دبیرکل خانه پرستار با اشاره به انتخابات سازمان نظام پرستاری که چند ماه پیش برگزار شد و در تهران فقط حدود ۵ درصد پرستاران مشارکت کردند گفت: "با توجه به اینکه این انتخابات یکی از بزرگترین رخدادهای صنفی پرستارها



محسوب می شود و اینگونه با این بی میلی روبرو می شود، قطعاً این حالت در انتخابات مجلس هم تاثیر گذار خواهد بود، در حال حاضر یک نارضایتی زیر پوستی ذخیره شده در پرستارها وجود دارد که هر لحظه ممکن است سرباز کند و به شکلی خودش را نشان دهد."

محمد شریفی مقدم افزود: "با توجه به اینکه بودجه وزارتخانه بهداشت و درمان کم نیست و مبالغی هم به صورت غیر مستقیم وارد نظام سلامت می شود، سوال این است که چرا این مبالغ در راستای بهبود وضعیت پرستار صرف نمی شود؟"

وی تاکید کرد: "وزارت بهداشت و درمان در دست مافیای پزشکی است و با صدور دستورالعملهایی تمام منابع درآمدی را در جیب خودشان می گذارند و از این درآمد مبالغ بسیار ناچیزی به دیگر کادر درمانی تزیق می کنند." او گفت: "پرستاران در سراسر کشور وضعیت موجود را ناشی از تشدید محرومیت، سرخوردگی و بی عدالتی می دانند و این متغیرها احساس ناکارآمدی را در بین پرستاران ایجاد می کند."

تبدیل بیمار به کالای تجاری

صدای پزشک از داخل مطب به گوش می رسد که به بیمار می گوید آدرس داروخانه را از منشی بگیرید. بیمار که از مطب خارج می شود، منشی کارت و آدرس دو داروخانه را به بیمار می دهد و می گوید حتما داروها را از این داروخانه ها تهیه کنید.



نوبت به بیماران دیگر که می رسد همین کار ادامه پیدا می کند؛ من هم بنا به توصیه منشی برای تهیه داروها به یکی از همین داروخانه ها مراجعه می کنم؛ وقتی از یکی از پرسنل داروخانه در مورد دلیل ارجاع بیماران مطب آقای دکتر به این داروخانه سوال می کنم می گوید: "این که موضوع عجیب و غریبی نیست، پزشک به هر بیمار کارت یکی از داروخانه هایی را می دهد که با آنها کار می کند. اگر این اتفاق نیفتد که ما نمی توانیم با داروخانه های دیگر رقابت کنیم و بیمار دارویش را از جای دیگری تهیه می کند."

قانون نانوشته بین داروخانه و پزشک آنجا جالب می شود که نسخه پیچ می گوید: "درصد مشخصی بین داروخانه و پزشک تعیین می شود و پزشک به ازای نسخه هایی که می فرستد، مبلغ معینی را دریافت می کند؛ گاهی این مبلغ به چندین میلیون تومان در ماه هم می رسد."

به طور کلی در مواجهه با این پزشکان می توان آنها را به چند گروه تقسیم بندی کرد؛ گروهی که تمایلی برای زدوبند با داروخانه ها ندارند، گروهی توافق شان در حد معرفی به داروخانه و دریافت درصدی از مبلغ نسخه است و گروهی دیگر، علاوه بر داروخانه ها با شرکتهای پخش مکملهای غذایی نیز قراردادهای نانوشته دارند و این شرکتهای ترتیب مسافرتیهای خارج از کشور، هدیه سکه های طلا یا پرداخت مبالغی به ازای فروش امانی مکملها در مطب را می دهند. اما ابعاد سودجویی فقط به همین زد و بندها ختم نمی شود؛ پزشکانی که اسم و رسمی دارند سهامدار شرکتهای وارد کننده محصولات پزشکی و تجهیزات پزشکی و دارویی هستند و محصولات شرکت خود را برای بیمار تجویز می کنند، یا اینکه دارویی را به صورت امانی در مطب نگهداری می کنند و به ازای فروش آن درصدی را دریافت می کنند.

سازمان نظام پرستاری؛ یک تشکل دولتی



سازمان نظام پرستاری، تشکلی که از سوی وزارت بهداشت و درمان و مجلس شورای اسلامی به عنوان سازمان صنفی پرستاران به رسمیت شناخته می شود، ویژگیهای جامع یک تشکل مستقل را دارا نیست.

منتقدان این سازمان معتقدند قانون نظام پرستاری که مشتمل بر ۲۸ ماده است و اساسنامه آن در آذر ماه سال ۸۰ نوشته شده، در مورد امکانات عزل و نصب نمایندگان صنفی، نظارت و بررسی صلاحیت آنان نیازمند بررسی و واکاوی است.

از دیرباز دو ائتلاف شامل "ائتلاف کشوری پرستاران عدالتخواه" و "ائتلاف هویت رفاه و همدلی" در انتخابات این سازمان تنها گروههایی بوده اند که شانس پیروزی در انتخابات را داشته اند. افراد مستقل یا طیفهای دیگر یا امکان عبور از سد بررسی صلاحیتها را نداشته اند و یا به علت شانس بالای رای آوری لیستها، کاندیداتوری به صورت فردی شانس چندانی ندارد.

دیگر نقدی که به این ساختار وارد است اینکه؛ سیستم نظارت جامعه پرستاری بر رده های بالاتر سازمان نظام پرستاری قوی نیست. تشکلهایی که کار بازرسی و نظارت را به دشوارترین شکل به اجرا می رسانند، نمی توانند تشکلهای صنفی مستقلی باشند.

شورای عالی نظام پرستاری، ۲۵ عضو اصلی و ۵ عضو علی البدل دارد. که ۵ نفر از این تعداد انتصابی هستند و در عمل نمی توان آنها را نمایندگان مستقل دانست. در ضمن حضور نمایندگان انتصابی به علت قدرت نهادهای منصوب کننده (مجلس، وزارت بهداشت، ستاد فرماندهی کل قوا، پزشکی قانونی) در اخراج پرستاران از واحدهایی که در آن اشتغال دارند، شرایط را برای نمایندگان واقعی سخت می کند.

ترکیب هیات مرکزی نظارت بر انتخابات نظام پرستاری شامل دو نفر به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دو نفر نماینده به عنوان ناظر با معرفی کمیسیون بهداشت و درمان و انتخاب مجلس شورای اسلامی، یک نفر نماینده وزارت کشور، یک نفر نماینده دادستان کل کشور به عنوان ناظر و دو نفر نماینده سازمان نظام پزشکی است. حتی نام یک نماینده به انتخاب پرستاران در ترکیب نهادی که صلاحیت کاندیداهای انتخاباتی تشکل پرستاران را بررسی می کند، دیده نمی شود.

واقعیت ماجرا این است که پرستاران تشکل صنفی ندارند.

شماری از پزشکان خواستار اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری شدند

جمعی از پرستاران از همراهی برخی پزشکان با مطالبات حقه پرستاران قدردانی کردند. این پرستاران می‌گویند در روزهای گذشته، جمعی از پزشکان در فضای مجازی از مطالبات پرستاران حمایت کرده و اعلام داشتند که نظام پزشکی سالار عادلانه نیست و باید قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری سیزده سال بعد از تصویب اجرایی شود.

برای نمونه یک پزشک متخصص در صفحه شخصی خود نوشت: "واقعا عادلانه نیست رگ‌گیری با نرس باشد، اما در تعرفه پزشکی بیاید."

به گفته این پزشک، بزرگترین لطف به بیماران و کادر درمان، عدالت در پرداختها و اصلاح تعرفه هاست. پرستاران می‌گویند پزشکی که با ما همراه شده‌اند، خواستار بهبود ساختار درمان و بالا رفتن کیفیت نظام درمانی کشور هستند و این حرکت بسیار پسندیده است.

پیشنهاد استخدام پرستاران و مراقبت از بیماران رای‌نیاور

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی بیان اینکه لایحه بودجه به طور عمد به سمت و سوی سازمانها و

بودجه برخی نهادهای مذهبی و فرهنگی در سال ۹۹	
نام نهاد	میزان بودجه در سال ۹۹
۱ سازمان صدا و سیما	۱۷۴۵ میلیارد تومان
۲ مرکز خدمات حوزه‌های علمیه	۷۹۹ میلیارد تومان
۳ سازمان تبلیغات اسلامی	۵۱۴ میلیارد تومان
۴ شورای عالی حوزه‌های علمیه	۳۴۵ میلیارد تومان
۵ جامعه المصطفی العالمیه	۳۰۸ میلیارد تومان
۶ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	۲۳۰ میلیارد تومان
۷ شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خاوران	۱۹۲ میلیارد تومان
۸ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم	۱۵۰ میلیارد تومان
۹ شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه‌های علمیه خراسان	۸۵ میلیارد تومان
۱۰ سازمان اوقاف و امور خیریه	۵۳/۹ میلیارد تومان
۱۱ شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی	۴۴ میلیارد تومان
۱۲ مجمع جهانی اهل بیت	۴۰ میلیارد تومان
۱۳ مجمع جهانی تقریب مذاهب	۳۲ میلیارد تومان

نهادهای غیر پاسخگو هدایت می‌شود، اظهار کرد: "به عنوان مثال، متولی اصلی ساماندهی ناهنجاریها و آسیبهای اجتماعی مناطق محروم، معتادان و ناهماهنگیهای اجتماعی، سازمان بهزیستی است، در حالیکه بودجه رسیدگی به آسیبهای اجتماعی به نهاد دیگری داده می‌شود. در حوزه وزارت بهداشت و درمان نیز به همین صورت است. به عنوان مثال مشکل اساسی کشور در حوزه سلامت کمبود پرستار و مراقبت از بیماران در منزل است، بر همین اساس ما پیشنهاد استخدام پرستاران و مراقبت از بیماران را مطرح کردیم که متأسفانه رای‌نیاورد."

حیدر علی عابدی با انتقاد از شکل بررسی لایحه بودجه گفت: "نهادهای و سازمانهای مربوط به کمیسیون بهداشت و درمان باید اطلاع داشته باشند که این کمیسیون نقشی در کاهش یا افزایش بودجه شان نداشته است، چرا که تنها سه نماینده از جانب کمیسیون بهداشت در تلفیق حضور دارند و اغلب پیشنهادات شان از سوی دیگر اعضا و تو می‌شود."

تجمع پرستاران عضو تعاونی مسکن همدان مقابل اداره کل کار استان

جمعی از پرستاران عضو تعاونی مسکن همدان در روز یکشنبه ۱۳ بهمن، برای اعتراض به عملکرد اعضای هیات مدیره این تعاونی دست به تجمع مقابل اداره کل کار استان همدان زدند.

مدیر روابط عمومی اداره کل کار استان همدان در رابطه با تجمع پرستاران عضو تعاونی مسکن گفت: در این تجمع پرستاران خواستار رسیدگی به وضعیت مسکن خود شدند. وی با بیان اینکه اختلاف این پرستاران عضو تعاونی مسکن بر سر طبقات واحدهای خریداری شده است، ادامه داد: در جلسه سه ساعته که در اداره کار برای این پرستاران تشکیل شد صورتجلسه‌ای در ۱۰ بند مبنی بر پیگیری رفع مشکلات شاکیان تنظیم شده و قرار شده تا هفته آینده تصمیم قطعی در این زمینه گرفته شود.

تجمع داروسازان و دانشجویان داروسازی

روز شنبه ۱۹ بهمن، جمعی از داروسازان و دانشجویان داروسازی سراسر کشور برای اعتراض به آرای دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال چندین باره تعرفه خدمات دارویی، ابطال کدهای خدمات داروسازان در داروخانه و بیمارستان و ابلاغ حکم آزادسازی تأسیس داروخانه مقابل سازمان نظام پزشکی در تهران تجمع کردند. در این تجمع که تعداد زیادی از داروسازان و دانشجویان داروسازی حضور داشتند، حاضران خواستار ابطال رأی دیوان عدالت بودند و آن را مغایر با حقوق داروسازان قلمداد می‌کردند. داروسازان معتقدند که دخالت ارگانه‌های غیرمرتبط در امر سلامت جامعه و اتفاقات مشکوک و سریال گونه، نشانگر اراده ای قوی در جهت نابودی داروخانه داری مستقل است.

ناامیدی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه از پرداخت معوقات

در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه حداقل به مدت دو سال است پرداخت کارانه با ۸ الی ۱۴ ماه تاخیر مواجهه است. امسال یعنی در سال ۹۸، تاکنون ۴ کارانه مربوط به سال ۹۶ و ۴ کارانه مربوط به سال ۹۷ را پرداخت شده است.



دکتر موسوی، معاون دانشگاه علوم پزشکی آذربایجان غربی، درباره تعویق در پرداخت کارانه و اضافه کار پرستاران گفت: "پرسنل محترم تاکنون ۱۳ کارانه دریافتی داشته اند که در عمل تاخیر پرداختی ۱۱ ماه نبوده و در مقایسه با سایر دانشگاه‌های که کارانه و

اضافه کار را باهم (بر اساس سامانه قاصدک) پرداخت می‌کنند، در عمل ۶ ماه تاخیر خواهد بود."

این در حالی است که با وجود واریزی ۱۳ مورد پرداختی از طرف دانشگاه در سال جاری، میزان بدهی دانشگاه به کارکنان دانشگاه علوم پزشکی از بابت کارانه ۱۲ ماه تاخیر و میزان بدهی از بابت اضافه کاری تا آخر بهمن ماه ۵ ماه تاخیر دارد. همچنین حقوق و دستمزد کارکنان شرکتی و نیروهای خدماتی شرکتی نیز با ۲ الی ۴ ماه تاخیر و به صورت اقساطی پرداخت می‌شود.

کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه دیگر امیدی به مسوولان و ریاست دانشگاه نسبت به پرداخت معوقات ندارند و امیدوارند مسوولان استانی و کشوری در فکر راهکاری مناسب برای رفع مشکلات و معوقات و مطالبات به حق کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه باشند.

بیمارستانها: بیماران دارو و لوازم درمان خود را تهیه کنند



مشکلات نقدینگی و پرداخت نشدن مطالبات بیمارستانها از سوی بیمه‌ها باعث شده تا بیمارستانها، بیماران بستری را مجبور به تهیه داروها و لوازم مصرفی مورد نیاز کنند.

یکی از بندهای طرح تحول سلامت در آغاز اجرای آن، ممنوعیت ارجاع بیمار بستری به خارج از بیمارستان بود. در یکی دو سال اخیر که منابع سلامت با محدودیتهایی مواجه شده، بیمارستانها در تامین نیازهای دارویی و تجهیزات و ملزومات پزشکی مورد نیاز بیماران بستری، با مشکل مواجه

شده اند. آنها در برخورد به این مساله از همراهان بیمار بستری می خواهند که دارو و لوازم مصرفی مورد نیاز بیمارشان را از داروخانه ها و فروشگاه های تجهیزات پزشکی تهیه کنند.

در همان حال که فرستادن بیمار به دنبال تهیه دارو و تجهیزات در حال تبدیل به یک رویه است، ایرج حریرچی، معاون کل وزارت بهداشت، می گوید: "مردم و بیماران در صورت مواجه شدن با چنین تخلفاتی موضوع را با ۱۹۰ در میان بگذارند و مطمئن باشند که پیگیری و برخورد قاطع خواهد شد."

روزی که شیفت بودم، بچه ام سقط شد

"وقتی پرستار باشی از زندگی چیزی نمی فهمی. اکثر اقوام و آشنایان وقتی دچار مشکل یا بیماری می شوند در هر ساعت از شبانه روز تماس می گیرند و مشاوره می خواهند، اما وقتی ما دچار گرفتاری می شویم، هیچکس نیست که حالمان را بپرسد."

این پرستار که دوست ندارد اسمش را بیاورد درباره تجربه های کاری اش می گوید: "بیمار، سکته قلبی حاد کرده بود و



دچار کم رسیدن اکسیژن به مغز شده بود و یکباره بلند شد و روی تخت ایستاد. اگر می افتاد به بیمار تخت کناری می خورد. بنابراین سریع دویدم و بیمار را گرفتم که روی زمین نیفتد. همکارانم می گفتند از ترس صورتت کج شده بود. از همان روز با مشکل مواجه شدم و بچه دوم سقط شد. حداقل دو ماه زمان برد تا بتوانم به زندگی عادی برگردم."

این پرستار درباره دغدغه های کاری اش می گوید: "پرستاران باید طبق قانون وزارت کار ۱۹۵ ساعت در ماه کار کنند که شامل کار هر روزه به همراه دو شیفت جمعه در ماه می شود. این قانون در بیمارستانهای دولتی به طور تقریبی و در بیمارستانهای خصوصی در کل اجرا نمی شود."

او ادامه می دهد: "پرستاری تا دو سال گذشته مشاغل سخت محسوب می شد، اما به دلیل اختلافات موجود و مشکل پرداخت تامین اجتماعی، دیگر جزو مشاغل سخت محسوب نمی شود."

این پرستار می گوید: بیمارستانهای خصوصی به بهانه مسائل اقتصادی کشور و تحریم، در حقوق و دستمزد پرستاران صرفه جویی می کنند، زیرا پرستاران بیشترین قشر یک بیمارستان را تشکیل می دهند و نسبت به کادرهای دیگر در دسترس تر هستند. به همین دلیل یا مبلغ اضافه کاری آنها کم می شود یا ساعت کاری شان افزایش پیدا می کند."

به گفته این پرستار در حال حاضر پایه حقوق پرستاران طبق قانون کار دو میلیون تومان است و حقوق دریافتی این قشر در بیمارستان خصوصی حدود دو میلیون و پانصد هزار تومان است. این مبلغ در بیمارستانهای دولتی بالای سه میلیون تومان است.

(منابع: خانه ملت، ایلنا، مهر، سلامت نیوز، ایسنا، فارس)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

جنبش رنگین کمان بیشماران (بهمن ۹۸)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

در ماههای آخر هر سال موضوع تعیین حداقل دستمزد به طور جدی برای کارگران و مزدبگیران مطرح می شود. حکومت و کارفرمایان با استفاده از کسانی که آنها را نمایندگان کارگران معرفی می کنند، حداقل دستمزد را چندین بار کمتر از خط فقر و سبد هزینه نیروهای کار تعیین می کنند. مساله تعیین حداقل دستمزد در ماه آینده که به زیان کارگران تعیین می شود، مثل هر سال مورد مخالفت تشکلهای مستقل کارگری و جامعه کارگری قرار می گیرد.

در ماه گذشته مساله خصوصی سازی و یا به بیان دقیق تر خصولتی سازی، یک مساله مهم در اعتراضهای کارگری بود. خصولتی کردن کارخانه هپکو که با اعتراض گسترده کارگران این واحد تولیدی منجر به لغو قرارداد واگذاری شد، همچنان در دستور کار سازمان خصوصی سازی است. بنا به گزارشی که خبرگزاری حکومتی ایلنا در ماه گذشته منتشر کرد، کارگران شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو از احتمال عدم پرداخت معوقات مزدی و عیدی تا پایان سال ابراز نگرانی کردند. به گفته آنها؛ کارگران دستمزد آذر و دی را هنوز دریافت نکرده و این درحالی است که پرداخت معوقات کارگران به وام ۳۰ میلیارد تومانی «اقتصاد مقاومتی» بستگی دارد که همچنان تعیین تکلیف نشده است.

در روز آدینه ۱۱ بهمن ماه، همایش روز جهانی تالابها در کنار تالاب بین المللی گاوخونی برگزار شد. در میان تالابهای ایران گاوخونی که همچون نگینی در فلات مرکزی ایران و گنجینه ای برای ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. به همت و تلاش کارگزاران نظام در حال نابودی است. نابودی بخش مهمی از تالابهای خوزستان به خاطر فعالیتهایی است که به طور عمده توسط سپاه پاسداران صورت می گیرد. بر اساس بررسیهای مرکز پژوهشهای مجلس رژیم، ۷۵ درصد تالابهای ایران در معرض خشک شدن هستند و حدود ۸۵ درصد مساحت تالابها تاکنون از بین رفته است.

مدیر عامل شرکت آب منطقه ای اصفهان در این همایش اعتراف کرد که ۸۰ درصد پهنه استان اصفهان در معرض خشکسالی و کم آبی است.

علاوه بر مساله آب که همچنان مهمترین مساله جامعه و محیط زیست ایران است، موضوع فرونشست زمین که وابسته به استفاده غلط از آبهای زیر زمینی و برخی عوامل دیگر است، زندگی مردم را تهدید می کند. در این مورد خبرگزاری حکومتی ایسنا به نقل از مدیرکل مدیریت بحران استان قزوین اعلام کرد که؛ فرونشست در بخشی از جنوب استان قزوین وجود دارد که طبق مطالعات انجام شده به طور میانگین ۱۸ سانتی متر در سال است.

در ماه گذشته مبارزه فعالان دفاع از محیط زیست ادامه داشت. این مبارزه از سطح نخبگان فعال فراتر رفته و هر روز ابعاد توده ای آن بیشتر می شود. تجمع اعتراضی طرفداران محیط زیست و دوستداران طبیعت نسبت به تخریب غار نمکدان قشم، تجمع اعتراضی اهالی و طرفداران محیط زیست منطقه مشکان نی ریز نسبت واگذاری معادن سنگ مرمر کوه جهسک، تجمع طرفداران محیط زیست در شاهرود برای جلوگیری از هرس سنگین درختان خیابانهای شهر، تجمع جمعی از دانش آموزان شهرستان ایذه در محل دفن زباله های ایذه (حاشیه قبرستان روضه الزهرا) برای اعتراض به این اقدام که تهدید علیه بهداشت عمومی است و ... از جمله حرکتیهای اعتراضی در بهمن ماه است که مشروح خبر آن در این مجموعه همراه با خبر ۹۸ اعتراض از جانب نیروهای کار آمده است.*

*روز پنجشنبه ۳ بهمن، صدها تن از کشاورزان اصفهان برای اعتراض به ساخت و ساز در حریم و بستر رودخانه زاینده رود توسط نیروگاه برق اسلام آباد و برای آزاد سازی مسیر رودخانه با تخریب دیوار ساخته شده دست به تجمع مقابل این نیروگاه واقع در درچه اصفهان زدند که با یورش نیروی یگان ویژه روبرو شدند. به گزارش ایمننا، یکی از کشاورزان گفت: از ابتدای امسال تاکنون حدود سه یا چهار مرتبه با تجمع در مقابل نیروگاه، خواستار آزاد سازی حریم و بستر رودخانه شدیم؛ قرار براین بود که این نیروگاه نسبت به آزادسازی حریم رودخانه اقدام کند، اما برخلاف این امر، به تازگی بلوک ریزی نیز

کرده است. یکی دیگر از کشاورزان گفت: حکم قضایی مبنی بر آزادسازی و تخلیه حریم و بستر رودخانه توسط نیروگاه برق در سال ۱۳۸۸ صادر شد، اما متاسفانه مدیران این نیروگاه از اجرای قانون امتناع می کنند.

*روز پنجشنبه ۳ بهمن، جمعی از غرفه داران و صاحبان اسباب بازیهای پارک آزادی شیراز برای اعتراض به احتمال تعطیلی محل کارشان دست به تجمع مقابل شورای فرمایشی شهر زدند. به گزارش آفتاب نیوز، تجمع کنندگان با سر دادن شعار «هیئات من الذله» قصد ورود به صحن علنی شورای قلابی شهر را داشتند که از ورود آنان ممانعت شد. یکی از تجمع کنندگان گفت: شهرداری شیراز به بهانه تعمیرات پارک در محل نصب وسایل شهربازی قصد تعطیلی شهربازی پارک آزادی دارد.

*روز شنبه ۵ بهمن، صدها کارگر پالایشگاه فاز ۱۴ پارس ۲ (کنگان) با اعتصاب و بستن درب ورودی کنترل افراد این فاز، به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق اعتراض کردند. به گزارش ایرنا، در همین رابطه معاون فرماندار و دبیر کمیسیون کارگری شهرستان کنگان گفت: با تماسی که با مسئولان شرکت نفت و گاز پارس به عنوان کارفرمای فاز ۱۴ برقرار شد قرار است هفته آینده ۲ ماه از حقوق معوق کارگران پرداخت و مابقی نیز تلاش می شود در کمترین زمان ممکن به آنان پرداخت شود.

روز یکشنبه ۶ بهمن، کارگران پیمانکاری فاز ۱۴ پارس جنوبی در اعتراض به عدم دریافت معوقات مزدی خود برای دومین روز متوالی در محوطه کارگاه تجمع کردند.

منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس مشتمل بر سه منطقه پارس یک (پارس جنوبی) محدوده شهرستان عسلویه، پارس دو (کنگان) در محدوده شهرستان کنگان و پارس سه (پارس شمالی) در محدوده شهرستانهای دیر، دشتی، تنگستان و بوشهر واقع شده است و پارس ۲ (کنگان) شامل ۸ فاز پالایشگاهی و یک طرح LNG است. ساخت فازهای ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ و کارخانه ی (IRAN LNG) در این منطقه برنامه ریزی شده است.

*روز چهارشنبه ۲ بهمن، کارگران معدن چادرملو (شرکت بهاوند باراد) شاغل در بخش استخراج سنگ آهن برای اعتراض به اخراج همکاران شان دست از کار کشیدند و در محل کارشان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران گفتند: ما تازه انجمن صنفی تشکیل دادیم و امیدوار بودیم که شرایط شغلی مان بهتر شود نه این که در نگرانی از تعدیل به سر ببریم؛ قبلاً قراردادهای ما دو ماهه بود اما الان قرارداد پانزده روزه امضا کرده ایم.

روز پنجشنبه ۳ بهمن، برای دومین روز متوالی، کارگران معدن چادرملو (شرکت بهاوند باراد) برای اعتراض به اخراج همکاران و نداشتن امنیت شغلی از رفتن بر سر کار خودداری کردند.

روز شنبه ۵ بهمن، کارگران شرکت بهاوند باراد شاغل در بخش استخراج سنگ آهن معدن چادرملو برای اعتراض به اخراج همکاران و نداشتن امنیت شغلی به اعتصاب و تجمع شان ادامه دادند.

*روز یکشنبه ۶ بهمن، کارگران طرح سد و سامانه انتقال آب گاران در ادامه اعتراض شان به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان مریوان زدند. به گزارش ایلنا، دبیر سندیکای صنفی کارگران فصلی و ساختمانی مریوان گفت: ما نزدیک به ۱۰۰ نفر هستیم که برای شرکت شایگان مهر آپادانا در پروژه آبرسانی سد گاران کار می کردیم اما نزدیک به سه ماه است که شرکت تعطیل و معوقات مزدی کارگران پرداخت نشده است. معوقات مزدی کارگران بین ۴ تا ۶ ماه است که بعد از سه ماه تعطیلی شرکت، هنوز پرداخت نشده است.

*به گزارش مهر، روز یکشنبه ۶ بهمن، همزمان با مراسم تودیع و معارفه رؤسای سابق و جدید سازمان نظام مهندسی کشور، جمعی از مهندسان شرکت کننده در آزمون ورود به حرفه مهندسی و نظارت بر ساختمان، برای اعتراض به این آزمون که در مهر ماه سال جاری برگزار شد دست به تجمع مقابل وزارت راه و شهرسازی زدند.

*روز دوشنبه ۷ بهمن، برای دومین روز متوالی، صدها کارگر واحد تعمیرات پتروشیمی اروند برای اعتراض به نحوه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین کسر چندین قسط وام و بیمه تکمیلی از حقوق ماهیانه به اعتصاب شان ادامه دادند. به گزارش ایلنا، معترضان گفتند: طرح طبقه بندی مشاغل بدون حضور نماینده کارگری انجام شد و به درستی مدارک تحصیلی و سابقه نفرات و حق تخصص آنان در پتروشیمی اروند لحاظ نگردیده است. به عنوان مثال، در اجرای این طرح، میان یک جوشکار یا مکانیک که فنی محسوب می شوند با یک کارگر خدماتی ساده فرقی در نظر گرفته نشده، در حالی که در دیگر شرکتهای هم جوار و زیر مجموعه هلدینگ خلیج فارس، نفرات فنی حق تخصص دریافت می کنند ولی در پتروشیمی اروند، این حق به نیروهای فنی پرداخت نگردیده است.

*روز سه شنبه ۸ بهمن، برای پنجمین روز متوالی، کارگران شهرداری منطقه یک اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه و باطل شدن دفترچه بیمه در اعتصاب هستند و از جمع آوری زباله ها از سطح شهر خوداداری می کنند. به گزارش ایسنا، مطالبات این کارگران به سالهای ۹۴ و ۹۵ مربوط می شود. در دوره شورای پنجم، ماهانه حقوق کارگران پرداخت شده است اما پیمانکار حدود شش ماه طلبکار است و بعضا برخی کارگران شش ماه حقوق دریافت نکرده اند.



*روز دوشنبه ۷ بهمن، جمعی از اهالی و طرفداران محیط زیست منطقه مشکان نی ریز در استان فارس برای اعتراض به واگذاری معادن سنگ مرمر کوه جهسک دست به تجمع زدند و مانع ادامه کار ماشین راهسازی و تاسیسات معدن کاوی شدند. به گزارش ایرنا، یکی از

اعضای تشکل زیست محیطی پاکسازان طبیعت مشکان گفت: اهالی مشکان به برداشتهای غیر اصولی از معادن سنگ مرمریت در کوه جهسک اعتراض دارند و اجازه نمی دهند مواهب طبیعی در این کوه که نسلهای مختلفی در شهر مشکان ارزشهای زیست محیطی آن را به یاد دارند به یغما رود.

*روز سه شنبه ۸ بهمن، جمعی از دوستداران محیط زیست در اعتراض به تعرض به حریم آثار طبیعی و تاریخی ژئوپارک قشم از طریق واگذاری اراضی، در محدوده این اثر طبیعی ملی دست به تجمع زدند. به گزارش مهر، این روزها تصاویری از تخریب این غار نمکی در ژئوپارک قشم در رسانه ها و شبکه های اجتماعی دست به دست می شود که این موضوع واکنش



فعالان محیط زیست را به همراه داشته است. این اقدام در ژئو پارک قشم در شرایطی انجام می شود که پیش از این یونسکو نسبت به فعالیتها در حریم و عرصه ژئوسایتها اخطار داده بود. ژئو پارک قشم، ۸۵ سال توسط یونسکو ثبت جهانی شد. ۶ سال

بعد در سال ۹۱ به دلیل آنچه «مشکلات مدیریتی» عنوان شد، این ژئو پارک از فهرست یونسکو خارج شد. در سال ۹۶ پس از اصلاح ایرادها بار دیگر به فهرست یونسکو بازگشت. اکنون به دلیل تعرض به حریم آثار طبیعی و تاریخی قشم از طریق واگذاری اراضی، خطر خط خوردن از فهرست یونسکو، این گنجینه ملی ایران را تهدید می کند.

*روز چهارشنبه ۹ بهمن، جمعی از طرفداران محیط زیست در شهرستان شاهرود برای جلوگیری از هرس سنگین درختان دست به تجمع در خیابان آسیاب مندلی زدند. به گزارش ایرنا، یکی از حاضران در تجمع درباره علت مخالفت با این شیوه هرس سنگین برخی از درختان سطح شهر، گفت: از حدود یک ماه پیش متوجه سربرداری بسیار سنگین درختان افاقیا، زبان گنجشک و "آیلانتوس" شدیم اما ترجیح دادیم واکنش سریعی نشان ندهیم شاید شهرداری به دلیل خاصی در این مقطع کوتاه در برخی خیابانها این هدف را در پیش گرفته باشد. وی افزود: مدتی گذشت و به ظاهر این کار متوقف شده بود اما اکنون سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری دوباره به این کار اقدام کرده و درختان سطح شهر به شدت در حال قلع و قمع هستند.

*روز سه شنبه ۱ بهمن، کارگران رسمی و پیمانی پتروشیمی بندر امام (بندر شاهپور سابق) در اعتراض به کاهش پاداش تولید و دستور مدیرعامل مبنی بر توقف پرداخت اضافه کاریها، دست از کار کشیده و در این مجتمع تجمع کردند. به گزارش وبسایت «نفی ها»، این اعتصاب مصادف است با حضوریهایی از مدیران و کارشناسان مناطق نفت خیز جنوب، که برای بررسی وضعیت تامین خوراک پتروشیمیها به این مجتمع آمده اند و گویا بر اثر این تجمع این مهمانان از طریق در اضطرابی وارد مجموعه شدند.

معترضان می خواهند بدانند چرا مدیر عامل این مجموعه، قصد داشته پاداش بهره وری کارکنان و کارگران را با قطع هزینه ی اضافه کاریها و کاهش تولید پرداخت نماید.

اعتصاب کارگران پتروشیمی بندرامام در اعتراض به کاهش پاداش تولید و توقف پرداخت اضافه کاریها برای نهمین روز کماکان ادامه داشت.

*روز چهارشنبه ۹ بهمن، کارگران واحد تعمیرات مجتمع پتروشیمی اروند واقع در بندر امام پس از سه روز به اعتصاب شان به طور موقت پایان دادند. به گزارش ایلنا، کارگران واحد تعمیرات پتروشیمی اروند به اجرا نشدن «حق تخصص در تطبیق مشاغل» که اجرای آن در ارتباط با «طرح طبقه بندی مشاغل» در محیط های کارگاهی ضروری است، اعتراض دارند و می گویند که حق تخصص باید مانند سایر شرکتهای «هلدینگ خلیج فارس» در این شرکت هم اجرایی شود.

*روز شنبه ۱۲ بهمن، کارگران کارخانه خوش نوش واقع در کیلومتر ۳ جاده همدان به تهران، برای اعتراض به اجرایی نشدن بازنشستگی پیش از موعد براساس قانون مشاغل سخت و زیان آور دست به تجمع مقابل اداره کل کار استان همدان زدند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض این واحد تولیدی نوشیدنی علت تجمع شان را بی توجهی مدیریت اداره کل کار استان همدان و عدم رسیدگی به پرونده مشاغل سخت و زیان آورشان که مدت ۲۸ ماه است در نوبت رسیدگی است عنوان کردند.

*روز شنبه ۱۲ بهمن، کارگران پتروشیمی آپادانا در عسلویه که درصد بالایی از آنها را جوانان ایزده ای تشکیل می دهند، در اعتراض به ۵ ماه حقوق عقب افتاده شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران گفتند: وقتی ما روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار می کنیم و مجبوریم برای تامین مخارج زندگی ماهها دور از خانواده در بدترین شرایط و با آلودگی ناشی از مواد شیمیایی و گوگردهایی که به شدت در هوا پراکنده هستند در عسلویه به سر ببریم، نباید این ظلم مضاعف بر ما تحمیل شود. چرا ما باید چندین ماه از گرفتن حقوق خود محروم باشیم.

*روز شنبه ۱۲ بهمن، تعدادی از مردم محله نجارکلا در لواسان برای اعتراض به زمین خواری تپه سرخه در مقابل بخشداری و شهرداری لواسان تجمع کردند. به گزارش فارس، در این تجمع مردم نسبت به انسداد راه توسط زمین خواران تپه سرخه و سکوت کارگزاران رژیم در شهرداری لواسان اعتراض کردند. مردم نجار کلا گفتند، زمین خوران با انسداد یک راه آسفالت و شناخته شده و ایجاد گیت مانع استفاده از قبرستان موقوفه بالادست این محدوده می شوند.

*روز یکشنبه ۱۳ بهمن، جمعی از رانندگان خودروهای سنگین و ناوگان حمل و نقل بین شهری کشور که در طرح ساماندهی و تعویض خودروهای فرسوده شرکت کردند به دلیل دریافت نکردن خودروهای شان و بی توجهی شرکت سایپا دیزل به تعهداتش، مقابل مجتمع قضایی مفتاح در تهران تجمع کردند. به گزارش موج، این رانندگان پیشتر مقابل شرکت سایپا دیزل و وزارت صنعت تجمع کرده بودند و خواستار تحویل خودروهایی هستند که ابزار تأمین معاش آنها بوده و بیش از حدود ۲ سال از زمان تحویل آنها می گذرد.

*روز یکشنبه ۱۳ بهمن، جمعی از خریداران کامیونهای سایپا دیزل در ادامه اعتراض به عدم تحویل خودروهای شان مقابل مجتمع قضایی مفتاح در تهران تجمع کردند. به گزارش فارس، رانندگان خودروهای سنگین و ناوگان حمل و نقل بین شهری کشور که در طرح ساماندهی و تعویض خودروهای فرسوده شرکت کرده اند، به دلیل عدم تحویل خودرو با وجود پیگیریها متعدد و همچنین بی توجهی شرکت سایپا دیزل، اعتراض کردند. معترضان خواستار تحویل خودروهایی هستند که ابزار تأمین معاش شان است و بیش از حدود ۲ سال از موعد تحویل شان می گذرد.

*روز یکشنبه ۱۳ بهمن، کارگران بخش خدمات پتروشیمی اروند (شرکتهای پیمانکاری معراج گستر، کیان کارگر و شرکتی پیمانکاری که مسئولیت تهیه غذا و امور آشپزخانه را برعهده دارد) در اعتراض به تصمیم شرکت مبنی بر تغییر وضعیت قراردادشان به قرارداد حجمی، اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا، صدها کارگر بخش تعمیرات این پتروشیمی هم که

هفته ی گذشته برای اعتراض به نحوه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین کسر چندین قسط وام و بیمه تکمیلی به صورت یکجا از حقوق شان دست از کار کشیده و مقابل ساختمان مرکزی این شرکت تجمع کردند. کارگران معترض از ملحق شدن کارگران بخش تعمیرات پتروشیمی اروند به این تجمع خبر دادند و گفتند: با توجه به نزدیک بودن اتمام کار پیمانکار، شرکت تصمیم گرفته تا پیمانکار بعدی با ما قرارداد حجمی منعقد کند. روز دوشنبه ۱۴ بهمن برای دومین روز متوالی در هفته جاری، کارگران بخشهای تعمیرات و خدمات پتروشیمی اروند به اعتصاب شان ادامه دادند و دوباره مقابل ساختمان مرکزی این شرکت تجمع کردند. پتروشیمی اروند، زیرمجموعه هلدینگ خلیج فارس واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی است.

*روز دوشنبه ۱۴ بهمن، کارگران کارخانه سیمان ایلام برای اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، مقابل استانداری ایلام تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران تجمع کننده گفت: سالها است کارگران کارخانه سیمان خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند اما این خواسته به حق آنها اجرایی نشده است.

*روز دوشنبه ۱۴ بهمن، کسبه صوفیان در اعتراض به تصرف اراضی اهالی شهر توسط اداره کل اوقاف و امور خیریه آذربایجان شرقی اعتصاب کرده و مغازه های خود را بستند. به گزارش مهر، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار آذربایجان شرقی گفت: زمینهای موقوفی از حدود ۲۷ سال گذشته مطرح بوده و تا به امروز حل نشده است و با توجه به اهمیت موضوع، طی نشستهای راهکارهای مورد نیاز برای رفع این مشکل مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. وی برای حل مشکل یک ماه فرصت خواست. بنا به خبر منتشر شده در شبکه های اجتماعی، از روز سه شنبه ۸ بهمن، مردم و کسبه شهر صوفیان در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات اسناد مالکیت رسمی اراضی (مسکونی، زراعی و ..) روزانه به مدت چهار ساعت در مسجد جامع شهر تحصن کردند. سپس از ساعت ۴ بعد از ظهر روز شنبه ۱۲ بهمن به صورت شبانه روزی دست به تحصن در این مسجد زدند.

*روز دوشنبه ۱۴ بهمن، همزمان با افتتاح زیرگذر و تونل استاد معین توسط شهردار تهران، جمعی از اهالی این منطقه با تجمع و سردادن شعارهای «جاده یک طرفه نمی خواهیم نمی خواهیم» و «ما اعتراض داریم» سردادند. به گزارش تسنیم، زیرگذر استاد معین تهران سرانجام بعد از ۵ سال به بهره برداری رسید تا طرشت در شمال و استاد معین در جنوب خیابان آزادی را به یکدیگر متصل کند، اما با اعلام مسئولان راهور و شهرداری این زیرگذر یکطرفه خواهد بود که مورد اعتراض ساکنان منطقه قرار گرفت.

*روز دوشنبه ۱۴ بهمن، جمعی از جوانان متقاضی کار شهر قلعه رئیسی در استان کهگیلویه و بویراحمد برای اعتراض به بیکاری و استخدامهای بدون ضابطه در اداره گاز چاروسا، مقابل شرکت گاز ناحیه قلعه رئیسی تجمع کردند. به گزارش عصر دنا، بعد از گازرسانی به بخش چاروسا و دیشموک، اکنون موضوع استخدام اداره گاز جهت نمایندگی در دو منطقه و جاورده و قلعه دختر در میان است. روز سه شنبه ۱۵ بهمن برای دومین روز متوالی، جمعی از این جوانان مقابل شرکت گاز ناحیه قلعه رئیسی تجمع کردند.

اعتراض عکاسان

روز سه شنبه ۱ بهمن، عکاسان اهواز در اعتراض به اجبار کردن شهروندان برای گرفتن عکس در پلیس +۱۰ که باعث بیکاری عکاسان این شهر شده تجمع کردند. روز چهارشنبه ۱۰ بهمن، تعدادی از عکاسان اهواز، مشهد و شهرهای دیگر در اعتراض به اجبار کردن شهروندان جهت عکاسی در پلیس +۱۰ که باعث بیکاری عکاسان این شهرها شده دست به تجمع زدند.



روز سه شنبه ۱۵ بهمن، جمعی از عکاسان تهران در اعتراض به عکاسی پرسنلی که به اجبار در ارگانهای دولتی و نیمه دولتی، مثل پلیس +۱۰، دفاتر پیشخوان دولت، ثبت احوال، اداره پست و .. انجام می گیرد و منجر به نابودی صنف بزرگ عکاسان با حدود نیم

میلیون نفر شاغل شده است، مقابل وزارت صنعت رژیم تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، تجمع کنندگان با خود بنرها و تراکتهایی داشتند که روی آنها از جمله نوشته شده بود: دولتیها خصولتیها، دستتان را از جیب صنف عکاسان خارج نمایید معیشت عکاس نابوده، شرکت پژوهش ناجا باعث نابودی خانواده عکاسان، باعث بیکاری خانواده عکاسان شده است.

*روز چهارشنبه ۱۶ بهمن، کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس بار دیگر راهی پایتخت شدند تا با تجمع مقابل سازمان خصوصی سازی به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی اعتراض کنند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: به دلیل نارضایتی از بخش خصوصی و این که از مهر ماه سال جاری تاکنون پرداخت مطالبات مزدی کارگران این واحد خدماتی با وقفه روبرو شده، این تجمع برای چندمین بار مقابل ساختمان سازمان خصوصی سازی برپا شده است.

*روز شنبه ۱۹ بهمن، کارگران مجتمع پتروشیمی لردگان واقع در استان چهارمحال و بختیاری و زیرمجموعه شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس راهی تهران شدند و مقابل ساختمان مرکزی این هلدینگ در خیابان کریم خان زند تجمع کردند. به گزارش نفتی ها، کارگران و نیروهای پیمانکار مجتمع پتروشیمی لردگان و شرکتهای HSE (بهداشت، ایمنی، محیط زیست) خواهان ملاقات با مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس شدند. نیروهای حراست از حضور تجمع کنندگان به داخل ساختمان جلوگیری کردند و یکی از مسئولان نیروی انسانی هلدینگ با حضور در میان جمع معترضان قول مرتفع کردن مشکلات و گلايه های آنها را تا پیش از ۲۲ بهمن داد.

*روز شنبه ۱۹ بهمن، جمعی از کارگران اخراجی تعاونی اعتبار وحدت (آرمان) به نمایندگی از همکاران شان از سراسر کشور برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان، پس از گذشت ۲ سال، مقابل ساختمان موسسه مالی ملل واقع در خیابان شیراز پایین تر از اتوبان همت در تهران، تجمع کردند.

به گزارش انصاف نیوز، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: پول ما را دو ساله خوردند، نیروها را عزل کردند و هیچ خبری هم نشده. قرار است با وام حقوق معوقه ما رو پرداخت کنند. یکی از کارگران زن معترض گفت: به وزارت کار شکایت بردیم اما رسیدگی نشد. مدیر این موسسه، نمی گذارد من کارگر و کارمند درست زندگی کنیم.

*روز شنبه ۱۹ بهمن، کارگران نی برمجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه برای اعتراض به بلا تکلیفی شغلی، معیشتی و بازنشستگی دست به تجمع مقابل اداره تامین اجتماعی زدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: براساس توافقنامه

مورخ ۳۱ شهریور ماه سال جاری که بین کارفرما و کارگران نی به امضا رسیده، مدیریت شرکت هفت تپه موظف به پرداخت حقوق ماههای سوم و چهارم است در عین حال از ابتدای مهر ماه نیز باید کارگران نی بر در مجتمع هفت تپه به کار گرفته می شدند اما تاکنون این اتفاق نیفتاده و آنها همچنان بلا تکلیف و بیکار هستند.

*روز شنبه ۱۹ بهمن، کارگران شهرداری سریش آباد، در شهرستان قروه استان کردستان، برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست از کار کشیده و مقابل ساختمان این شهرداری تجمع کردند. به گزارش گُرد پرس، شهردار سریش آباد از وعده رفع این مشکل و همکاری مسئولان در این زمینه خبر داد و گفت که برای جبران این تأخیر در پرداخت حقوق کارگران زمینی را به مزایده گذاشته ایم تا بتوان با فروش آن کمکی به این معضل کرد.

*روز یکشنبه ۱۳ بهمن برای باری دیگر، بازنشستگان مخابرات راه دور شیراز برای اعتراض نسبت به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل استانداری فارس زدند. به گزارش ایلنا، بازنشستگان معترض گفتند: بیش از ۱۳ سال از وعده هایی که مدیران شرکت برای پرداخت مطالبات ما داده اند، می گذرد. در این سالها تجمعهای متعددی را برگزار کردیم؛ از چادر زدن در محوطه کارخانه تا تجمع مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت و همین محل که امروز هم در آن جمع شده ایم.

به گفته این کارگران، میزان مطالبات بدون احتساب خسارت تاخیر و تادیه، ۳۵ میلیارد تومان است و با احتساب این موارد به بیشتر از ۱۰۰ میلیارد تومان می رسد.

روز سه شنبه ۱۵ بهمن برای دومین بار در هفته جاری، کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز دست به تجمع مقابل استانداری فارس زدند.

روز دوشنبه ۲۱ بهمن، کارگران بازنشسته کارخانه مخابرات راه دور شیراز در سومین روز از دور جدید اعتراض به عدم پرداخت حق و حقوق دست به تجمع خانوادگی مقابل استانداری فارس زدند.

*روز دوشنبه ۲۱ بهمن، دهها کشاورز رفسنجان و خانواده های شان برای اعتراض به تأثیرات مخرب معدن شن و ماسه گیو علی آباد دست به تجمع مقابل استانداری کرمان زدند. به گزارش ایرنا، یکی از کشاورزان معترض گفت: معدن شن و ماسه منطقه گیو علی آباد باید جمع آوری شود زیرا فعالیت این معدن به طول هشت کیلومتر انواع بوته ها و پوشش گیاهی و جانوری را از بین برده است. وی افزود: بارندگیهای فراوان، چندین قنات، مراتع و پوشش گیاهی غنی در نزدیکی رودخانه گیو روستای خانمان رفسنجان وجود دارد و کشاورزان و دامداران بسیاری از این راه امرار معاش می کنند.

روز چهارشنبه ۲۳ بهمن، کشاورزان جنوب کرمان برای اعتراض به افت شدید قیمت خیار سبز، راه رودبار جنوب - زهکلوت را باتخلیه محصولات شان درجاده مسدود کردند. به گزارش ایرنا، روز پنج شنبه ۲۴ بهمن، کشاورزان جنوب کرمان در ادامه اعتراض شان دست به تجمع مقابل فرمانداری رودبار جنوب زدند.

*روز شنبه ۲۶ بهمن، کارگران اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان قزوین در ادامه اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی پس از الکترونیکی کردن عوارضی آزاد راه، مقابل وزارت راه و شهرسازی در تهران تجمع کردند. به گزارش صبح قزوین، یکی از تجمع کنندگان گفت: ما دو مشکل اصلی داریم که یک مورد مربوط به نحوه تقسیم بندی پرسنل و مورد بعدی هم مربوط به عدم امنیت شغلی ما است به طوری که در به کارگیری نیروها بسیار سلیقه ای عمل شده است. وی عنوان کرد: برای مثال فردی تنها با ۳ یا ۴ ماه سابقه و فقط به خاطر روابطی که دارد در سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای جذب شد اما برخی دیگر از نیروها با وجود سابقه ۲۰ ساله در شرکت «سپندار» جذب شدند و ما به نحوه تقسیم بندی که کاملا سلیقه ای است، اعتراض داریم.

*روز شنبه ۲۶ بهمن، رانندگان سواری کرایه فعال در شرکت سیر و سفر فرودگاه امام برای اعتراض به قرارداد یک طرفه، مقابل دفتر این شرکت در تهران تجمع کردند. به گزارش تین نیوز، یکی از رانندگان معترض در مورد دلیل این تجمع گفت: شرکت سیر و سفر برای امضای قراردادی یک طرفه که صرفاً به نفع شرکت و به ضرر رانندگان تنظیم شده، رانندگان را تحت فشار قرار داده است.



*روز شنبه ۲۶ بهمن، خانواده های مبتلایان به بیماری SMA و حامیان حقوق معلولان در اعتراض به عدم حمایت دولت از این بیماران مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند. به گزارش اعتماد، سارا یزدانی، نماینده بیماران SMA درباره این تجمع اعتراضی گفت: «این خانواده ها، به وضعیت تامین داروی بیماران اعتراض

دارند چون ظرف ۱۸ ماه گذشته، به هیچ نتیجه ای نرسیدند و فرزندان بیمار خود را هم از دست دادند. گفته می شود به دلیل نبود بودجه یا تحریم، دارو وارد کشور نمی شود. در ایران از هر چهار هزار تولد زنده یک مبتلا داریم و متأسفانه برای این بیماری، غربالگری انجام نمی شود و به همین دلیل، سال گذشته ۳۶۰ کودک مبتلا به SMA متولد شدند آن هم در حالی که در صورت کمبود تجهیزات لازم، هفته ای دو بیمار SMA در ایران فوت می کند.» یکی از مادران تجمع کننده که فریاد می زد گفت: یک سال و چند ماه گذشته ما ۸۰ تا بچه رو از دست دادیم. هیچکس جوابگو نیست. خدا میدونه تو ایرون امروز چند تا بچه به دنیا میآد، این ماه چند تا بچه از دنیا میره. خیلی راحت نشستن. بچه های خودشون نیست. بچه های ما هستن.

*روز یکشنبه ۲۷ بهمن، کارگران خط ۳ متروی تهران (کارگاههای ایستگاه نوبنیاد و اقدسیه) برای اعتراض به عدم پرداخت ۱۸ ماه حقوق مقابل ساختمان شورای قلابی شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: مدیران مترو به ما قول می دهند که حقوقتان را واریز می کنیم، در حالی که با وعده و وعید ۱۸ ماه است که بدون حقوق مشغول به کاریم.

*روز یکشنبه ۲۷ بهمن، کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن منطقه لرستان (شرکت تراورس) برای اعتراض به عدم پرداخت چندماه حقوق، حق بیمه و مطالبات دیگر دست از کار کشیده و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض خواهان استعفای دسته جمعی مدیران ستادی راه آهن و شرکت تراورس به علت وعده های دروغ و بی لیاقتی و بی توجهی به حق الناس کارگران شدند. روز سه شنبه ۲۹ بهمن، کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن منطقه لرستان

در ادامه اعتراض شان به عدم پرداخت چندماه حقوق، حق بیمه و مطالبات دیگر دست به تجمع مقابل اداره کل راه آهن لرستان زدند. در همین روز کارگران خط و ابنیه فنی راه آهن شهرستان دورود (شرکت تراورس) در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق و حق بیمه و اخراج و تبعید ۸ کارگر حق طلب اعتصاب و تجمع کردند. روز دوشنبه ۲۸ بهمن، کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن منطقه خراسان برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع مطالبات و نداشتن امنیت شغلی مقابل فرمانداری نیشابور تجمع کردند.

*روز دوشنبه ۲۸ بهمن، بازاریان شهر پاره در اعتراض به کشته شدن دو کولبر و زخمی شدن هفت کولبر دیگر توسط نیروهای مرزی جمهوری اسلامی ایران دست به اعتصاب زدند. به گزارش شبکه حقوق بشر کردستان، نیروهای هنگ مرزی نوسود در شهرستان پاره روز یکشنبه ۲۷ بهمن به تعدادی از کولبران شلیک کردند که یک کولبر به نام احمد صحرایی کشته و هشت نفر دیگر زخمی شدند. همچنین روز دوشنبه شاهد اداک، یکی از این کولبران مجروح شده در بیمارستان فوت شد. او ۲۰ ساله و از اهالی روستای ژیوار در شهر سروآباد، و مجرد بود. بر اساس این گزارش، پس از شلیک به این کولبران گروهی از شهروندان نوسود در محل درمانگاه این شهرستان تجمع کرده و شعارهایی علیه نیروهای هنگ مرزی سر دادند.

*روز سه شنبه ۲۹ بهمن، کارگران کارخانه کنتورسازی در قزوین برای اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۲ سال حقوق مقابل دفتر امام جمعه قزوین تجمع کردند. به گزارش صبح قزوین، مدیرکل سازمان صنعت، معدن و تجارت در استان قزوین در جمع کارگران حاضر شد اما کارگران معترض اعلام کردند از آنجا که استاندار و رئیس کل دادگستری بارها وعده رسیدگی و پاسخگویی به خواسته های شان را داده اند باید درتجمع شان حاضر شوند و تا زمانی که این مسئولان در جمع آنان حاضر نشوند به تجمع خود پایان نمی دهند.

*صبح روز چهارشنبه ۳۰ بهمن، جمعی از رانندگان عضو پروژه های سپیدار ۲ و ۳ در ادامه اعتراض شان به عدم تحویل مسکن پس از ۶ سال مقابل ساختمان تعاونی مسکن مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: شش سال است که ساخت واحدها متوقف شده و این اواخر، بعد این همه سال تاخیر، اخطار دادند بازهم پول بدهید.

*روز شنبه ۲۶ بهمن، کارگران اخراجی شرکت پخش فرآورده های نفتی ماهشهر در ادامه کنشهای شان برای بازگشت به کار دست به تجمع دو باره مقابل شرکت زدند. به گزارش عصر جنوب، تجمع کنندگان گفتند: آنها به صورت گروهی اخراج شده اند تا نیروهای سفارشی جای آنها استخدام شوند. روز چهارشنبه ۳۰ بهمن، برای پنجمین روز متوالی، کارگران اخراجی شرکت پخش فرآورده های نفتی ماهشهر جهت بازگشت به کار مقابل درب ورود و خروج تانکرها به انبار نفتی نوریخش تجمع کردند. کارگران معترض گفتند: اولویت برای جذب نیرو باید به کارگران بومی منطقه داده شود ولی مدیران شرکت نوریخش این اصل را نادیده گرفتند. انبار نوریخش ماهشهر سوخت مورد نیاز نیروگاه های سنندج، کرمانشاه، BOT شیراز، حافظ شیراز، سیکل ترکیبی کازرون، افق ماهشهر، گناوه و عسلویه را تامین می کند.

*روز چهارشنبه ۳۰ بهمن، کارگران شهرداری منطقه ۳ بندرعباس (شرکت پیمانکاری فرس) برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و حق بیمه و مطالبات دیگر مقابل استانداری هرمزگان تجمع کردند. به گزارش تسنیم، این کارگران علاوه بر پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق و حق بیمه به عدم پرداخت حق اضافه کاری، ندادن مرخصی و توزیع نشدن لباس، کفش

کار و دیگر وسایل ضروری کارشان نیز اعتراض کردند. یکی از این کارگران گفت: از برج ۷ تاکنون هیچ حقوقی دریافت نکرده ام.

اخبار کوتاه بر اساس گزارشهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

سه شنبه ۱ بهمن: غارت شدگان مؤسسه مالی و اعتباری کاسپین با وجود برودت هوا مقابل ساختمان هیات تصفیه این مؤسسه، با سردادن شعار خواستار تعیین تکلیف مطالبات شان از سوی مسئولان مرتبط با ساماندهی شدند. آنها در حالی که از شدت سرما می لرزیدند شعار می دادند: غارتگری بسه دیگه ارزش پولمان رفته دیگه/ تجمع کودکان معلول ساکن ارومیه آغازگر اعتراض سراسری معلولان جسمی- حرکتی، ناشنوا و کم توان ذهنی، با شعار «بودجه‌ی معلولان کجاست» شد. / تجمع مردم شهرستان کاکي واقع در استان بوشهر مقابل شورای قلبی شهر برای اعتراض به بحران آب و سوخت که زندگی روزانه آنها را مختل کرده است.

چهارشنبه ۲ بهمن: تجمع کارگران شهرداری بندر لنگه و خانواده های شان در اعتراض به پرداخت نشدن پنج ماه حقوق.

پنج شنبه ۳ بهمن: تجمع مردم زابل در اعتراض به نبود گاز مقابل فرمانداری شهر. / تجمع جمعی از دانش آموزان شهرستان ایزه در محل دفن زباله های ایزه (حاشیه قبرستان روضه الزهرا) برای اعتراض به این اقدام که تهدید علیه بهداشت عمومی است

سه شنبه ۸ بهمن: تجمع ساکنان شهرک آب زنگی شیراز در اعتراض به تخریب خانه های شان توسط شهرداری، مقابل دفتر استاندار.

شنبه ۱۲ بهمن: اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران طرحی شرکت آب و فاضلاب استان خوزستان در اعتراض به وضعیت نامعلوم شغلی و عدم تبدیل وضعیت، سطح نازل حقوق و چندین ماه تاخیر در پرداخت آن برای دومین روز متوالی.

یکشنبه ۱۳ بهمن: اعتصاب و تجمع پرسنل شهرداری لالی برای اعتراض به عدم دریافت نه ماه حقوق عقب افتاده خود.

سه شنبه ۱۵ بهمن: تجمع کارکنان اخراجی موسسه وحدت در مشهد مقابل سرپرستی ملل.

سه شنبه ۱۵ بهمن: تجمع بازنشستگان صنعت نفت اراک مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی صنعت نفت برای اعتراض به خصوصی سازی و الحاق به صندوق بازنشستگی استان کرمانشاه.

یکشنبه ۲۰ بهمن: تجمع اهالی شهرک یاسر امیدیه در استان خوزستان مقابل شهرداری امیدیه، برای اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات این منطقه.

دوشنبه ۲۱ بهمن: تجمع رانندگان تاکسی مقابل در تهران مقابل بانک انصار در خیابان پاسداران (سلطنت آباد سابق) در اعتراض به نحوه پرداخت وام و محقق نشدن مطالبات شان.

چهارشنبه ۲۳ بهمن: تجمع شهروندان لاهیجان در استان گیلان مقابل ساختمان اداره برق برای اعتراض به طولانی شدن قصعی آب و برق پس از بارش برف.

شنبه ۲۶ بهمن: تجمع کارگران راه آهن لرستان در ایستگاه کشور روستایی از توابع بخش پاپی شهرستان خرم آباد، برای اعتراض به ۱۰ روز بی آبی و عدم پیگیری مسئولان.

یکشنبه ۲۷ بهمن: اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه چوکا (شرکت صنایع چوب و کاغذ ایران) واقع در کیلومتر ۵ جاده رضوانشهر به تالش در استان گیلان.

* اخبار حرکتیهای اعتراضی معلمان، دانشجویان و پرستاران هر ماه به طور جداگانه در ماهنامه نبردخلق منتشر می شود.

قیام آبان، فاکتور اصلی برای یکدست سازی

مهدی سامع

نمایشی که قرار است فردا، جمعه ۲ اسفند، به صحنه آورده شود، از جمله تلاشهای ولی فقیه نظام برای یکدست کردن رژیم ولایت فقیه است. خامنه ای چند بار برای تحقق این امر تلاش کرده و تاکنون به نتیجه دلخواه نرسیده است. او پس از پایان دوره دوم ریاست جمهوری رفسنجانی درصدد بود تا ناطق نوری را به ریاست جمهوری برساند. اما شرایط به گونه ای بود که مجبور شد به خاتمی تن دهد. پس از پایان دوره دوم خاتمی و در شرایطی که آمریکا اقدام به جنگ تجاوزکارانه علیه حکومت صدام حسین کرد (بهار ۱۳۸۲) و این کشور را اشغال نمود، خامنه ای برای یکدست کردن نظام خیز برداشت و در رقابت درون حاکمیت با ثقل محمود احمدی نژاد را برای مسند ریاست جمهوری برگمار کرد. این ثقل در بازی درون نظام به شکلی پیش رفت که رقبا هر یک در کوتاه ترین کلام به آن واکنش نشان دادند. رفسنجانی به خدا پناه برد و کربوبی گفت چند ساعت خوابیدم و نتایج شمارش آرا تغییر کرد. دوره اول احمدی نژاد با تلاطمات بسیار همراه بود. اما استفاده کامل از فرصت اشغال عراق و زمان لازم برای کامل کردن پروژه هسته ای، و کامل کردن یکدست سازی که خامنه ای آن را «ریل گذاری» جدید در ولایت تعریف می کرد نیاز به قلع و قمع بیشتری داشت. جبهه بندی درون هرم قدرت و بحران درون حاکمیت تحت تاثیر کشاکش مردم با نظام هر روز اوج بیشتری می گرفت. برای ولی فقیه ادامه حضور احمدی نژاد در قدرت ضروری بود و بنابراین اقدام به کلان ثقل در نمایش انتخابات ریاست جمهوری (بهار ۱۳۸۸) و برهم زدن رقابت درون ولایت، احمدی نژاد را به موسوی و کربوبی تحمیل کرد. این کلان ثقل آشکار منجر به خیزشی وسیع، ابتدا با شعار «رای من کو»، منجر شد که در ادامه آن و در روز ۶ دی ۱۳۸۸ (روز عاشورا) به قیامی علیه حاکمیت با شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه» تکامل یافت. خامنه ای با وجود شرایط و بحران انقلابی توانست با سرکوب و بگیر و ببند قیام را مهار کند. اما وجود شرایط انقلابی، سیاستهای ضد مردمی حاکمیت که در یک قلم حدود ۸۰۰ میلیارد دلار درآمد ارزی را به فنا داد و قرار گرفتن پروژه هسته ای روی میز جامعه جهانی، هم تضادهای درون حاکمیت را تشدید کرد و هم منجر به جنبشهای گسترده اجتماعی شد. مهمترین و ضد مردمی ترین اقدام احمدی نژاد حذف یارانه ها با ادا و اطوار دفاع از محرومان بود. این اقدام فریبکارانه به تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم ابعاد بی سابقه ای داد. یاغی شدن احمدی نژاد و خانه نشینی یازده روز او و طرح چپاولگری برادران لاریجانی به وسیله احمدی نژاد در جلسه علنی مجلس (یکشنبه سیاه برای رژیم)، چنان شرایطی به وجود آورد که ولی فقیه به ناچار و به طور موقت از یکدست کردن ولایت کوتاه آمد و به رقابت درون حاکمیت برای نمایش موسوم به انتخابات تن داد. باید تاکید کرد که تحریمهای جهانی و چند قطعنامه شورای امنیت در این تصمیم نقش تعیین کننده داشت. انتخاب حسن روحانی در سال ۱۳۹۰، پروژه «نرمش قهرمانانه» ولی فقیه را در دستور کار قرار داد و تیم جواد ظریف با اجازه و نظارت کامل ولی فقیه، توافقنامه وین (برجام) را امضا کرد. پیرامون این رویداد دو مسیر راه در درون نظام مطرح شد. روحانی برجامهای دو و سه و چهار را مطرح کرد و خامنه ای برجام را فرصتی برای پیشبرد پروژه موشکی و دخالتگری ماجراجویانه در کشورهای دیگر ارزیابی کرد و روحانی را مجبور به تسلیم کرد. در دوره اول ریاست روحانی، دست اندازی سپاه منفور پاسداران به حوزه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که از دوره اول ریاست محمود احمدی نژاد شروع شده بود با سرعت گسترش یافت. پروژه موشکی با سرعت ادامه پیدا کرد و قاسم سلیمانی، سرکرده سپاه تروریستی قدس به «شاه منطقه» تبدیل شد.

اصلاح طلبان حکومتی که با کناره گیری عارف قافیه را باخته بودند، به زائده جریان میانی حاکمیت که در راس آن رفسنجانی بود، تبدیل شدند و در ائتلاف با این جریان توانستند به یک فراکسیون در مجلس دهم ارتجاع با عنوان «امید» تبدیل شوند. آنها فکر می کردند با نردبان باند میانی می توانند از دیوار سخت ولایت بالا رفته و دوران خاتمی و مجلس ششم را احیا کنند. اما در عمل آنها هزینه کرنش روحانی به هسته سخت قدرت را می پرداختند.

حاکمیت بدون توجه به نیازهای جامعه و مردم به تاخت و تاز پرداخت و درآمدهای حاصل از برجام را در سوریه، لبنان، عراق، یمن و ... بر باد داد. توده های مردم روز به روز فقیر تر و سفره های آنها لاغرتر می شد. جنبشهای اقشار گوناگون مردم به یک پدیده روزانه تبدیل می شد و جبهه بندی در مقابل روحانی با چراغ سبز ولی فقیه شکل جدیدی به خود می گرفت.

در چنین شرایطی خامنه ای باز هم در صدد برآمد تا برای یکدست سازی و مهار بحران دست به عمل زند. کاندیدای او برای نمایش انتخابات سال ۱۳۹۶ یک جلااد شناخته شده با نام ایراهیم رئیسی بود. ولی فقیه مطمئن بود که می تواند رئیسی را از صندوقها بیرون آورد. اما نتوانست و حسن روحانی دوباره بر صندلی ریاست نشست. خامنه ای ضمن «حماسه» نامیدن شعبده بازی اش، به روحانی تبریک نگفت و تصمیم گرفت او را نمد مالی کند و او را به نقطه ای برساند تا همه کاسه و کوزه ها بر سر او شکسته شود و چنین شد.

در همین زمان است که ترامپ در آمریکا به قدرت می رسد و مساله خروج از برجام و تحریمهای سخت در دستور کار آمریکا قرار می گیرد. برای خامنه ای خروج آمریکا از برجام به شرطی که منجر به تحریمهای همه جانبه نشود، چندان مهم نبود. نقشه خامنه ای این بود تا از طریق گسترش دخالتگری در عراق، سوریه، لبنان، یمن و ... به نوعی از تعادل با آمریکا در این منطقه دست یابد.

خامنه ای در این ارزیابی یک مساله مهم را نادیده گرفته بود و در محاسبه اش شورش مردم به درستی وارد نشده بود. ولی فقیه البته از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۶ شاهد هزاران حرکت اعتراضی از جانب اقشار مختلف مردم به ویژه کارگران و مزدبگیران بود. اما او ارزیابی درستی از بروز خشم و نفرت انباشت شده نداشت. این خشم و نفرت در دی ماه ۱۳۹۶ ابتدا در مشهد و به سرعت در بیش از ۱۵۰ شهر به مدت ده روز در مقابل چشمان بهت زده حاکمان خود را نشان داد. قیام تهیدستان و فرودستان ستونهای کاخ ولی فقیه و ارکان کل حاکمیت را به لرزه درآورد. از این زمان است که برای حاکمیت و در راس آن ولی فقیه مساله بقا به طور عملی و مشخص و نه به مثابه یک امر همیشگی برای مستبدان، مطرح می شود. در فاصله دی ماه ۱۳۹۶ تا آبان ۱۳۹۸، چندین هزار حرکت اعتراضی بزرگ و کوچک و شورشها و خیزشهای پرتوان، اما جدا از هم صورت می گیرد. فقر، بی خانمانی و بی کاری همراه با فقدان آزادی، همچون آتشفشانی در جامعه به سرعت ذخیره می شد.

سه برابر کردن قیمت بنزین موجب فوران خشم و نفرت توده ها در آبان سال جاری شد. اگر قیام دی ماه ۱۳۹۶ در پیرامون کلان شهرها و شهرهای کوچک بود، قیام آبان در کانون کلان شهرها و البته بسیاری دیگر از شهرهای کوچک و بزرگ جریان پیدا کرد.

خیزش آبان ضربه بی سابقه ای به حاکمیت وارد کرد و خامنه ای برای فرونشاندن آن فرمان شلیک مستقیم گلوله جنگی داد و بیش از ۱۵۰۰ زن و مرد را به شهادت رساند. اما آتش خاموش نشد و جامعه از تپش باز نایستاد.

تخمی که مرده بود، کنون یافت زندگی
 رازی که خاک داشت، کنون گشت آشکار
 (مولوی)

اکنون برای خامنه ای که نقش اصلی در جمهوری اسلامی دارد، مساله جلوگیری از بروز مجدد قیام نقش محوری دارد و برای همین است که دوباره تصمیم به یکدست سازی گرفته و گام اول در این نقشه راه، اجرای شعبده بازی انتخابات برای ایجاد یک مجلس بی بو و خاصیت تر از مجلس دهم و بدون افراد مساله ساز است. پس از این ولی فقیه تحت عنوان جوان سازی برای به کرسی نشاندن یک گماشته گوش به فرمان در مسند ریاست جمهوری برنامه ریزی خواهد کرد.

برای خامنه ای که به دروغ از «امنیت ایران» دم می زند، اجرای این نمایش و به طور یقین «پیروزی» اعلام کردن آن یک مساله امنیتی است. دغدغه ولی فقیه و شرکا نه امنیت ایران که «امنیت ولایت» است و این موضوعی است که همه باندهای رژیم به شمول اصلاح طلبان حکومتی را به کرنش وادار می کند. خروجی تمام نق زدنهای باند میانی به سرکردگی روحانی و باند اصلاح طلب حکومتی، شرکت در شعبده بازی به سود هسته سخت قدرت و شخص خامنه ای است. حکومت دروغ و تقلب که با تحریم گسترده روبرو شده، بازهم برای مقابله با قیامهای پیش رو به خدعه و فریب متوسل می شود و مشتتی از اراذل و اوباش پرسابقه در سرکوب و چپاول را وارد «بهارستان» می کند تا از بهار مردم جلوگیری کند. به گمانم در این شعبده، فیس و افاده در مقابل خارجیها و مدیای مماشات نقش مهمی ندارد و آن چه تعیین کننده است، راهکار جلوگیری از بروز مجدد خیزشی از جنس قیام آبان است. حکومت می خواهد با دقلکاری به مردم دهنکجی کند و چشم در چشم به توده های قیام کننده بگوید که هم سرکوبتان کردیم و هم آش خود را پختیم.

اما در مقابل رژیم، مردمی قرار دارند که برای «نان، کار، آزادی» قیام کردند و اکنون که این نمایش موسوم به انتخابات را تحریم کرده اند، راه قیامهای آینده را هموار می کنند. نگاه مشترک حاکمیت و مردم به قیام آبان و شهدای آن است. یکی در فکر خاموش کردن و دیگری در اندیشه شعله ور کردن آن.



سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

گرامی باد خاطره رفیق شهید، مجتبی خرم آبادی

تهیه و تنظیم: امیر ابراهیمی

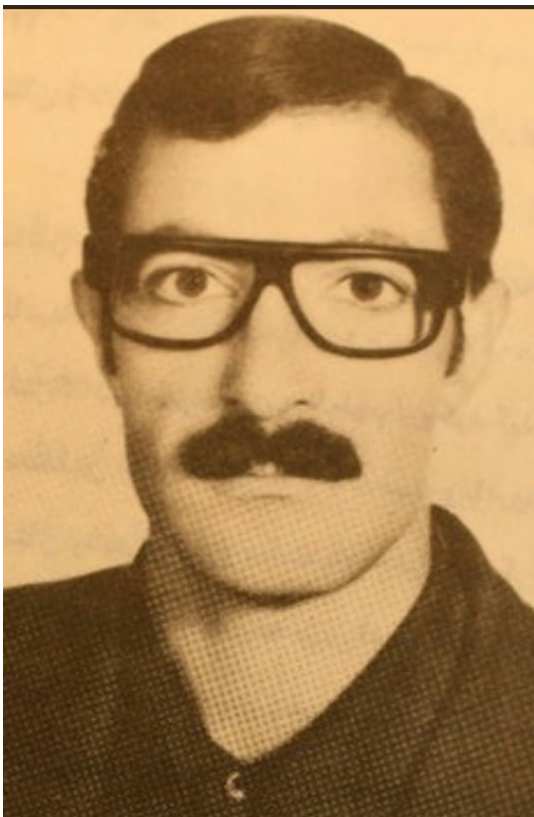
خانواده بزرگ خرم آبادی، در بروجرد شناخته شده و با فعالیت سیاسی، زندان و جامعه‌اشنایی و ارتباط گسترده داشت و از سنین جوانی وارد فعالیت می‌شدند.

رفیق مجتبی خرم آبادی توسط برادر بزرگترش، رفیق محمود به عضویت گروه زنده یاد رفیق دکتر اعظمی درآمد که پس از مدتی بسیاری از اعضای این گروه دستگیر و تعدادی از آنها نیز به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیوست. پسر عموی آنها، فدایی شهید رفیق احمد خرم آبادی که سال ۱۳۵۰ اعدام شد نامه و نامش در جنبش انقلابی بسیار مشهور و معروف است.

جسارت و دلاوری مجتبی آنچنان بود که با اطلاع از دستگیری عده‌ای از رفقای گروه، توجه به اینکه بازرسی منزل دستگیرشدگان می‌تواند مدارک و مهمات موجود در خانه به اعدام آنها منجر شود، تصمیم می‌گیرند به آن خانه رفته و مدارک را نابود کند. او همراه و تحت حمایت رفیق محمود در روز ۱۲ اسفند ۱۳۵۲ به آدرس مورد نظر رفته و وارد خانه می‌شود. ماموران ساواک متوجه این موضوع شده و تلاش می‌کنند وی را دستگیر کنند، کار به درگیری و تیراندازی کشیده می‌شود و رفیق مجتبی طی درگیری و کشتن چند ساواکی، توسط ایشباری ماموران کمیته مشترک به شهادت می‌رسد و برادرش رفیق محمود موفق به فرار می‌شود.

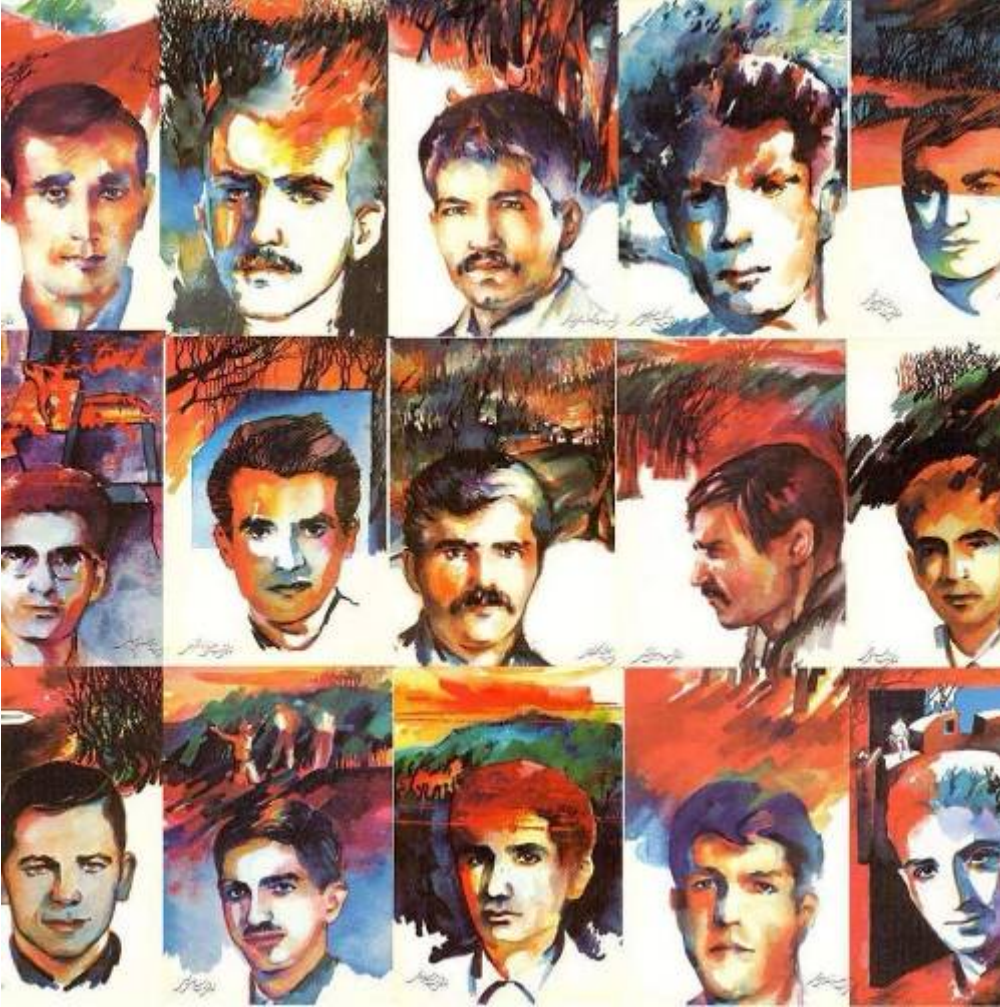
در همان موقع روزنامه‌ها خبر این درگیری را منتشر کردند و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یکی دیگر از یارانش را که به طور پیگیر علیه دیکتاتوری و در راه خلق مبارزه می‌کرد، از دست داد.

یاد و نامش جاودان



شهدای فدایی در اسفند ماه

رفقا: رحیم سماعی - مهدی اسحاقی - علی اکبر صفایی فراهانی - احمد فرهودی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور اصیل - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - اسدالله مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سوالانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوی - بهمن آژنگ - سعید



آریان - عبدالکریم حاجیان
سه پله - مناف فلکی - علی
رضا نابدل - یحیی امین نیا -
جعفر اردبیلچی - محمدعلی
تقی زاده - اصغر عرب
هریسی - اکبر مؤید - علی
نقی آرش - حسن سرکاری -
مجتبی خرم آبادی - ابراهیم
پور رضا خلیق - صبا بیژن
زاده - بهنام امیری دوان -
هوشنگ پور کریمی
دریاکناری - عبدالرضا کلانتر
نیسانکی - احمد غلامیان
لنگرودی - محمدرضا
بهکیش - یدالله گل مژده -
حمید آزادی - جعفر پنجه
شاهی - محمدعلی معتقد -
جواد غفوریان - جلیل حواری
نسب - سعید عقیقی - علی

خلیقی - هوشنگ افبالی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس خرده بین - قنبر پیشدست - ناصر نجم الدینی - داود امیر احمدی - هاشم احمدزاده - شاپور تقربی - حمید رضوان - علیرضا ظریفی بامیان چوبداری - یعقوب شکرالهی - فریبرز کشاورز - رضا حشمت زاده - مهشید معتضد - موسی مکاری - حمید آقوردی زاده - غلامرضا باقری آق بابا - فریده یوسفی - منوچهر ممیز شهادت - علی بیگلری - قدرت الله ارجمندی - محمدرضا راستی - حشمت خداداد - منصوره حبیبی زاده - طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 422 / 20 Fev. 2020

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

کانال تلگرام رادیو پیشگام

[@radiopishgam](https://t.me/radiopishgam)

<https://telegram.me/radiopishgam>